

# ادبيات ژاين



تأليف:

ژا کليڼ پيژو

ژان ژاک جودين

ترجمه:

د کترافضل وثوقي

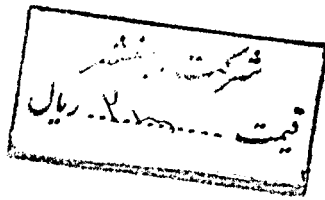
فهرستی از کتابهای «مجموعه چه می دانم» که در مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی زیر چاپ است

ادبیات برزیل  
ادبیات چین  
ادبیات معاصر الجزایر  
ادبیات ژاپن  
ادبیات ایتالیایی  
ادبیات کبک  
ادبیات امریکای اسپانیایی زبان  
تاریخ برزیل  
تاریخ اکتشافها  
تاریخ یونان معاصر  
تاریخ هلند  
تاریخ مکزیک  
تاریخ استعمار فرانسه  
کوبا  
زیمبابوه  
روش تحقیق در جغرافیا  
تاریخ علم جغرافیا  
فضای جغرافیایی  
جنگ جهانی اول  
جنگ جهانی دوم  
سیاهان در ایالات متحده  
انقلاب روسیه  
جاسوسی و ضد جاسوسی



ژاکلین پیرو - ژان ژاک چودین

## ادبیات ژاپن



ترجمه

دکتر افضل وثوقی



*Jacqueline Pigeot , Jean - Jacques Tschudin*

LA LITTÉRATURE JAPONAISE

### مشخصات:

نام کتاب:	ادبیات ژاپن
مؤلفان:	ژاکلین پیژو، ژان ژاک چودین
مترجم:	دکتر افضل وثوقی
ناشر:	مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - مشهد، صندوق پستی ۹۱۷۳۵/۱۵۷
تیراژ:	۳۰۰۰ نسخه
تاریخ انتشار:	۱۳۶۹
امور فنی و چاپ:	مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

حق چاپ محفوظ است

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### سخن ناشر

اولین کتابی که از مجموعه چه می دانم توسط این مؤسسه به چاپ رسید کتاب «ادبیات نو افریقائی» تالیف آلموت نوردمن سیلر به ترجمه آقای دکتر افضل وثوقی بود و سپس با توجه به اهمیت مباحث و موضوعات جالبی که در این کتابها توسط نویسندگان مبرز و صاحب نظران برجسته هر رشته عنوان شده بود و با توجه به نیاز روز افزون جوانان و دانشجویان به مطالعات منظم، بر آن شدیم که معدودی از این مجموعه را که شامل مباحث ادبی، فلسفی، تاریخی و اجتماعی می باشد، ترجمه و به چاپ برسانیم. در حین کار متوجه شدیم که در شرکت انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی تصمیم گرفته اند که ۲۵۰۰ عنوان از این مجموعه را به چاپ برسانند لذا با هماهنگی آن شرکت، به ترجمه و چاپ شماری از این مجموعه که فهرست آن در پشت جلد کتاب آمده است، مبادرت می شود. امید است با کوششی که در ترجمه و ویرایش و چاپ دقیق و نفیس این کتابها به کار می رود نتیجه کار مورد پذیرش و استقبال خوانندگان این مجموعه قرار گیرد و برای همه طبقات سودمند افتد.

مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی



## فهرست

۷	فصل اوّل - قرن «نارا» از ۷۱۰ تا ۷۸۴ میلادی
۱۷	فصل دوّم - عصر هیان ار ۷۹۴ تا ۱۱۹۲ میلادی
۱۹	۱ - شعر
۲۵	۲ - خاطره نویسی و یادداشت برداری
۲۸	۳ - آثار توصیفی - داستانی
۴۰	فصل سوّم - فرون وسطی از ۱۱۹۲ تا ۱۶۰۳ میلادی
۴۱	۱ - حفظ میراث
۴۳	۲ - نوسازی قالبها
۴۶	۳ - ظهور یک فرهنگ نوین
۵۷	فصل چهارم - عصر «نوکوگاوا» ۱۸۶۷-۱۶۰۳
۶۰	۱- رمان
۷۱	۲ - شعر
۷۶	۳ - تأثر «جوروری»
۸۱	۴ - تأثر «کابوکی»
۸۹	فصل پنجم - عصر «مبجی» (۱۹۱۲-۱۸۶۸)
۱۰۹	فصل ششم - از «تایشو» تا پایان جنگ جهانی دوم
۱۳۳	فصل هفتم - دوران معاصر (۱۹۸۱ - ۱۹۴۵)





## قرن «نارا» (Nara)

از ۷۱۰ تا ۷۸۴ میلادی

اگر «ادبیات» را مجموعه‌ای از «متون مکتوب» یک زبان بدانیم. در آن صورت تعیین تاریخ تولد ادبیات ژاپون آسان خواهد بود. به این حساب تاریخ ظهور ادبیات ژاپون به قرن هفتم میلادی برمی‌گردد. در ابتدای این قرن بود که تعدادی آثار منثور و اولین مجموعه شعری تولّد یافت. معه‌ذا، نمی‌توان مسأله را به همین سادگی تلقی کرد زیرا، واضح است که همین آثار اولیه نیز «از هیچ» به وجود نیامده‌اند بلکه وجود آنها، ادامه یک سنت طولانی ادبی است که در پیچ و خم تاریخ گم شده و سابقه‌ای از آن برجای نمانده. سنتی که بدون شک در قرن هفتم به مرحله‌ای از شکوفایی رسیده بوده است. در قرن هفتم بود که ژاپون به عنوان یک کشور شکل جغرافیائی مشخصی به خود گرفت. پس از آن که، امپراتوری ژاپون در سال ۵۶۲ مجبور شد از تصرفات خود در کره دست بکشد، به فکر تشکیل یک قلمرو مشخص ملی در مجمع‌الجزایر محدود خود افتاد، یک نظام سیاسی و اداری تمرکز یافته بنا کرد که در آن، همه قدرتها به یک منشأ، یعنی امپراتور منتهی می‌شد. سازمانهای ثبت املاک و ثبت احوال به وجود آمد، قوانین و مقرراتی بر مبنای تعالیم کنفوسیوس تدوین و تصویب شد، در حالی که هنوز تعالیم مذهب بودا به صورت رسمی و رایج

حاکم بود. در گرماگرم ایجاد و استحکام این نظام سیاسی نوین، ژاپون، از نظر فرهنگی و ادبی به چین چشم دوخته بود. کشوری که زبانش را به وام گرفته بود، زبانی که در ابتدای کار فقط در متون رسمی و مدارک و اسناد اداری به کار گرفته شده بود اما به تدریج به زبان شعر و ادب نیز تبدیل شد. به این زبان، آثاری ادبی به وجود آمد که بعدها یعنی در سال ۷۵۱ میلادی در مجموعه‌ای به نام کای-فو-سو<sup>۱</sup> گردآوری شد.

از طرفی، در همین قرن هفتم بود که نوعی شعر درباری به زبان ژاپونی ظهور یافت که، اگر چه تحت تأثیر هنر و زیباشناسی ادب چین بود. معهذ، ریشه در یک نهضت فرهنگی و هنری ژاپونی داشت. نهضتی که سابقه آن به چند قرن پیش از آن بازمی‌گشت، قرونی که آثار باستانی آن به دست آمده، اما آثار ادبی آن تقریباً از میان رفته است. وجود این آثار تقریباً به اثبات رسیده زیرا در قرن هشتم، نویسندگان و دانشمندان، در نوشته‌های خود به مجموعه‌های شعری و قصه‌هایی بسیار قدیمی اشاره کرده و حتی آنها را در ضمن آثار خود نقل کرده‌اند. بدیهی است که در کار نقل و بازآفرینی این اشعار و قصص، به وضوح تحت تأثیر هنر رایج و ذوقیات حاکم بر زمانه خود بوده‌اند. وانگهی، این نویسندگان، ضمن نقل آثار شفاهی گذشتگان که به زبان ژاپونی بوده است، چون مجبور به ثبت آنها به زبان چینی بوده‌اند ناگزیر در ارزش معناشناسی نشانه‌ها تغییرات عمده ایجاد کرده‌اند. قرن‌ها طول کشید تا ژاپن توانست الفبای چینی را به نسبت نیازهای بیانی زبان ملی خود دستکاری کند. این خلأ (فقدان یک الفبای مناسب برای بیان ژاپونی)، موجب شد که آثار قدیمی یا از میان بروند و یا با تغییرات عمده به الفبای چینی، توسط نویسندگان شهرنشین ابتدای قرن هشتم، ثبت شوند. نویسندگانی که در مراکز مجلل پایتخت یعنی شهره‌یجو-کیو<sup>۲</sup> و تحت حمایت ملکه گه-مه-ئی<sup>۳</sup> به فعالیتهای هنری اشتغال داشتند.

## از آواز تا شعر

اگرچه گردآورندگان اولین مجموعه شعری ژاپونی — که اکنون تحت عنوان مان- یو- شو<sup>۴</sup> در اختیار است — فقط اشعاری را ثبت کرده‌اند که شکل ثابت و معینی داشته‌اند. اما شواهدی نیز در دست است که در اعصار پیشتر، نوعی شعر بی وزن رواج داشته که تنها به صورت آواز خوانده می‌شده. امروزه نیز از آن نوع شعرهای کهن با اصطلاح «کایو»<sup>۵</sup> نام می‌بریم. از این نوع شعر، هم اکنون ۲۷۰ قطعه باقی مانده است که قدیمی‌ترین آنها به قرن ششم میلادی بازمی‌گردد. این آوازا در نوشته‌های منثور نظیر کوچی کی<sup>۶</sup> درج شده‌اند و اگرچه آنها را به شخصیت‌های گوناگونی نسبت داده‌اند اما ظاهراً همه آنها یک مجموعه‌ای از آوازهای توده‌ای و ملی را تشکیل می‌دهند که در مناسبت‌های گوناگون به صورت دسته جمعی خوانده می‌شده است (نظیر جشن خرمن، عروسیها، ضیافت‌های بزرگ، فعالیت‌های دسته جمعی، جنگها و مراسم عزاداری) اشعار این آوازاها، اگرچه وزن و قافیه مشخصی ندارند، اما ترکیب کلمات و اصوات آنها به گونه‌ای است که می‌توانسته‌اند به شیوه‌ای آهنگین ادا شوند. در این اشعار ترکیبات توصیفی کارسازی وجود داشته که به زبان ژاپونی ماکورا- کوتوبا<sup>۷</sup> به معنای «کلمه متکا» نامیده می‌شد. معنای بعضی از این ترکیبات هنوز هم مبهم باقی مانده است نظیر «شب مورد فام» (نوبا تاما- نوبو) یا «ایسه، وزشگاه نسیم الهی» (کاموکازه- نو- ایسه).

کم کم، مشاهده می‌شود که دو قالب شعری بر تمام آثار منظوم کلاسیک مسلط می‌شود: شعر هفت هجایی و پنج هجایی که به صورتهای مختلف در کنار یکدیگر قرار می‌گرفته‌اند. اما سه صورت مشخص رواج عام می‌یابد که در مجموعه اشعار موسوم به «مان- یو- شو»<sup>۸</sup> معرفی شده‌اند. این سه نوع شعر عبارتند از:

۱ — وزن موسوم به سه- دو- کا<sup>۹</sup> که از دو مصرع و هر کدام متشکل از ۵ و ۷ و ۷ هجا است.

۲ — وزن موسوم به چوکا<sup>۱۰</sup> یا شعر بلند که مشتمل بر تعداد متغیری از

4. Man-yō-shū 5. Kayo 6. Koji-ki 7. Makura-Kotoba

8. Man-yō-shū 9. Sedōka 10. Chōka

مصراع‌های ۵ و ۷ هجایی است اما آخرین مصراع باید ۷ هجا داشته باشد.  
 ۳- وزن موسوم به تانکا<sup>۱۱</sup> که ترکیبی از یک مصراع ۵-۷ هجایی و یک مصراع ۷-۷ هجایی است. این نوع به شعر کوتاه هم موسوم است.  
 نوع اول و دوم استعمال کمتری داشته اند اما نوع سوم از رواج گسترده‌ای برخوردار بوده، به طوری که نه فقط در شعر کلاسیک، قالب مسلط بوده بلکه تا قرون معاصر هم رواج خود را حفظ کرده است.  
 در هر حال، شعر ژاپنی در هر شکلی که ظاهر شود دارای دو خصیصه است: بی‌اعتنایی به «قافیه» و اغماض در ترتیب «وزن».

### مجموعه شعری «مان-یو-شو»

قطعات مجموعه شعری «مان-یو-شو» که قبل از سال ۷۵۹ سروده شده و شکل شعری یکنواخت دارد و در عین حال معتبرترین منبع شعر کلاسیک ژاپن به شمار می‌آید، ابهامات زیادی از جنبه‌های مختلف دارد: به عنوان مثال می‌توان پرسید که عنوان این مجموعه دقیقاً به چه معنا است؟ گردآورنده آن کیست؟ منابع و زمینه‌های این اشعار کدامها هستند؟ (آیا پیش از آن مجموعه‌هایی در دست بوده که از میان رفته است؟) این اثر دقیقاً چه تاریخی به اتمام رسید؟ منتقدین هنری در مورد همه این مسائل عقاید و نظریات متناقض ابراز کرده‌اند، همچنانکه در زمینه‌های دستور زبان، شأن آنها، نکات تاریخی و مسائلی از این قبیل نیز اتفاق نظر وجود ندارد. گاهی مشکلات درک اشعار و مانع اصلی در راه تجزیه و تحلیل آنها آنست که شعر ژاپونی به خط چینی، آنهم به شیوه ویژه‌ای ثبت و ضبط شده به طوری که نه فقط فهم آنها بلکه قراءت ساده آنها نیز دشوار است. این مجموعه شعری به مثابه توده‌ای از اشعار ناهماهنگ به چشم می‌خورد که نه انسجام دارند و نه از یک طرح و خط معین پیروی می‌کنند. از نظر جلوه‌های زیباشناسی هم، هماهنگی ندارند: گاهی برخی از اشعار مربوط به ایالات شرقی آزوما-اوتا<sup>۱۲</sup> که مفاهیم عامیانه و

11. Tanka    12. Azuma-uta

ترکیبات محلی و منطقه‌ای دارند، در کنار اشعار درباری آمده‌اند که از معانی بلند و ترکیبات هنری پیچیده برخوردارند. و یا در کنار سرودهای حماسی مرزبانان ساکی موری- نو- اوتا<sup>۱۳</sup> اشعاری آمده‌اند که فقط بیان عواطف و احساسات فردی است. محکم‌ترین اشعار این مجموعه از نظر هنرهای بدیعی و ترکیبات ادبی آنهایی هستند که به شعر بلند (چوکا) مشهورند. مضامین این اشعار غالباً توصیفهای مناظر طبیعی باشکوه می‌باشند. در این نوع شعر قرینه‌سازی، سجع و استعاره به وفور استعمال شده و نیز آنچه را که قبلاً بنام «کلمه متکا» یاد کردیم، در این اشعار با مهارت و ظرافت و در اوزان منظم به کار گرفته شده. برخی از این اشعار از نوع خطابی بوده و به صورت شاهکارهای بی‌مانندی جلوه می‌کند که متأسفانه از رواج افتادند. سرنوشت این اشعار شباهت به سرنوشت هنرهای دیگر سنتی ژاپون دارد، زیرا هنر بدیع سفال‌سازی، تزیینات و نقش‌ونگارهای باشکوه عصر هنر جومون<sup>۱۴</sup>، دیگر باره احیا نگردید و به فراموشخانه تاریخ سپرده شد. مضامین اشعار این مجموعه متعدّدند هر چند که به نظر بعضی منقدین، همه آنها واجد دو مضمون کلی هستند: مراثی و تعزیه یا «بانکا»<sup>۱۵</sup> و عشق. غیر از این دو مضمون عمده، سایر مضامین موجود در این اشعار را تحت عنوان مضامین متفرقه یا «زاکا»<sup>۱۶</sup> یاد کرده‌اند از قبیل: توصیف مناظر، شرح سفرها، ستایش می‌خوارگی و مستی، ترانه‌های عامیانه و غیره... سرایندگان این اشعار متعلق به همه طبقات بوده‌اند: امپراطوران، ملکه‌ها، صاحب‌منصبان، سربازان، کشیشان و زنان درباری. نامهای سرایندگان این اشعار را به ترتیب تاریخی می‌توان به شرح زیر یاد کرد:

— نوکادا- نو- اوکیمی<sup>۱۷</sup>. این زن شاعره که یکی از زنان حرمسرای امپراطوران تنجی<sup>۱۸</sup> و یَمو<sup>۱۹</sup> بود، سراینده اولین قطعات شعری این مجموعه است که قبل از سال ۶۷۲ سروده شده‌اند.

13. Sakimori no-uta

۱۴ - جومون Jamon. نوعی از هنر سرامیک پر نقش و نگار بود که در ژاپن از حدود ۷۵۰ تا ۳۰۰ قبل از میلاد رواج داشته است.

15. banka      16. Zoka      17. Nukada no ôkimi      18. Tenji      19. Temmu

— تاکچی- نو- کورو هیتو<sup>۲۰</sup> ستایشگر لذات سفر و جهانگردی و بخصوص شاعر نابغه کاکي نوموتو نوهیتومار و<sup>۲۱</sup> که حدود صد قطعه شعر از وی باقی مانده. «تاکچی» که شاعری درباری بود مرثیه‌هایی سروده است که از محکم‌ترین و شکوهمندترین اشعار ژاپنی به شمار می‌آیند (از وی ۱۶ مرثیه برجای مانده است) اشعار این دو شاعر عمده<sup>۲۲</sup> بین سالهای ۶۷۲ و ۷۱۰ سروده شده‌اند.

— یامابه- نو- آکی هیتو<sup>۲۳</sup> شاعر دیگری است که با سبکی بلند و والا به نقاشی طبیعت پرداخته است.

— یامانوه- نو- اوکورا<sup>۲۴</sup> که در سروده‌های خود به بیان عواطف فردی خویش پرداخته.

— اوتومو- نو- تایتو<sup>۲۵</sup> که با سبکی آزاد به ستایش شراب پرداخته.

— تاکاهاشی- نو- موشی مارو<sup>۲۶</sup> چهار شاعر فوق سرایندگان بخش سوم اشعار این مجموعه می‌باشند که بین سالهای ۷۱۰ و ۷۳۳ سروده شده است.

اشعار بخش چهارم مجموعه فوق‌الذکر که بین سالهای ۷۳۳ و ۷۵۹ سروده شده‌اند بیشتر اشعار زنانه‌ای هستند که توسط شاعران چندی گفته شده‌اند که از میان آنان شهرت شاعره‌ای بنام اوتومو- نو- یاکاموچی<sup>۲۷</sup> نام سایر سرایندگان را تحت الشعاع قرار داده است. می‌توان احتمال داد که مجموعه اشعار «مان- یو- شو» توسط همین زن گردآوری شده. از آثار خود وی حدود پانصد قطعه شعر باقی مانده است که همه آنها از حد اعلای ظرافت و استحکام برخوردارند.

### متون توصیفی و داستانی

در همین مجموعه «مان- یو- شو» است که می‌توان قدیمی‌ترین نمونه‌های ادبیات توصیفی و داستانی را یافت: از جمله به افسانه‌هایی برخورد می‌کنیم که توسط شاعری مانند تاکاهاشی- نو- موشیمارو، به نظم درآمده است و قطعات کوتاه منظوری

20. Takechi no Kurohito 21. Kakinomoto no Hitomaro

22. Yamabe no Akihito 23. Yamanoue no Okura 24. Ōtomo no Tabito

25. Takahashi no Mushimaro 26. Ōtomo no Yakamochi

که غالباً برای تفسیر و شرح اشعار و یا موقعیت و شرایط سرودن آنها آمده است. اما دواثری که از نظر قصه و داستان عنی هستند دارای عنوان «قصه های کهن» هستند که به دستور امپراتور «تمو»<sup>۲۷</sup> و ملکه «گمه ئی»<sup>۲۸</sup> جمع آوری شده اند. یکی از این دو کتاب که توسط شخصی به نام «او- نو- یاسومارو»<sup>۲۹</sup> در سال ۷۱۲ تألیف شده به شرح و بیان سرگذشت و تاریخ ژاپون از قدیم ترین ازمنه تا پایان دوران حکمرانی ملکه «سویکو»<sup>۳۰</sup> یعنی سال ۶۲۸ است. یک سوم این کتاب دارای عنوان «عصر خدایان» است:

این کتاب که عنوان ژاپونی آن «کوجی- کی»<sup>۳۱</sup> است، تاریخ کشور را از روزی که آسمان و زمین از هم جدا شدند بیان می کند و به طور اختصار به هفت نسل از خدایان ژاپن اشاره می کند سپس از دو خدا نام می برد. یک خواهر و یک برادر به نامهای «ایزانامی»<sup>۳۲</sup> و «ایزاناگی»<sup>۳۳</sup> که دست به دست هم دادند و ژاپن را آفریدند. این دو خداوند از آسمان فرود آمدند، به کیفیت و صلت و باروری پی بردند و از ازدواج آنان تعداد زیادی خدایان به وجود آمدند: خدایان جزایر مختلف ژاپن، خدای درختان، خدای کوهها و غیره... اما چنین اتفاق افتاد که زن، یعنی ایزانامی به هنگام به دنیا آوردن یکی از کودکانش که خدای آتش بود، فوت کرد. همسر وی، ایزاناگی، غمزه و مضطرب به جستجوی وی پا به سرزمین مردگان می نهد، اما زن خود را به صورت کالبدی گندیده و متعفن بازمی یابد. وحشت زده از آن دیار دهشت زار می گریزد و در حین فرار نزدیک بود خود نیز به چنگ دیوان و شیاطین جهنم بیفتد. در بازگشت از دیار مردگان به آداب و مناسک عبادی می پردازد که در جریان آن، خدایان دیگری از وجود او پدید می آیند: یکی آلهه خورشید بنام «آماتراسو»<sup>۳۴</sup> و دیگری آلهه ماه به نام «سوسانوو»<sup>۳۵</sup> آلهه خورشید از چشم چپ ایزاناگا و آلهه ماه از بینی وی به وجود آمدند. این دو آلهه، دو شخصیت اصلی یکی از افسانه های مهم ژاپن هستند. در این افسانه آمده است که «آماتراسو» (آلهه خورشید) و خواهرش هر کدام به سرزمینی که برایشان معین شده رهسپار گردیدند (اولی به دیار آسمان و

27. Temmu      28. Gemmei      29. O- no- yasumaro      30. Suiko      31. Koji — Ki  
32. Izanami      33. Izanagi      34. Amaterasu      35. Susanoo



دیگری به دیار شب) اما «سوسانو» از این که از مادر خود جدا شده و باید به تنهایی به میان تاریکهای دریا برود گریه سر می‌دهد. پدر وی، از گریه و زاری او به ستوه می‌آید و او را از خود می‌راند. «سوسانو» عاقبت به آسمان می‌رود تا با خواهر خود «آماتراسو» وداع کند، اما خدایان، از این طغیان و گردنکشی وی به خشم می‌آیند و حتی خواهرش نیز، با تنفر از وی دور می‌شود و به یک غار سنگی در آسمان پناه می‌برد و خود را پنهان می‌سازد و لاجرم جهان در تاریکی فرو می‌رود. ناگزیر، خدایان، برای این که بار دیگر جهان را از نور خورشید بهره‌ور سازند، «سوسانو» را دوباره به زمین تبعید می‌کنند و آلهه خورشید از غار بیرون می‌آید. آلهه ماه، وقتی به زمین بازمی‌گردد، کشور را از دست یک دیوهشت سر و هشت دم که تازه پیدا شده و هستی همه را تهدید می‌کند نجات می‌دهد، پس از آن، به سرزمین «ایزومو»<sup>۳۶</sup> می‌رود و از وی دودمانی پدید می‌آید.

یکی از اعقاب «سوسانو» بنام «اوکونی نوشو»<sup>۳۷</sup> آلهه مهربانی است که بعد از تحمل مرارت‌های زیاد موفق می‌شود سلطه خود را بر «ایزومو» تحمیل کند. همین رب النوع بود که هنر طبابت و شکار را به انسانها آموخت. بعدها آلهه خورشید یکی از نوادگان خود به نام «نی - نی - گی»<sup>۳۸</sup> را به سرزمین «تسوکوشی»<sup>۳۹</sup> اعزام نمود و از نی نی گی اولین امپراتور ژاپن به نام «جی مونتنو»<sup>۴۰</sup> تولد یافت و این امپراتور بر سرزمین «یاماتو»<sup>۴۱</sup> حکمروایی نمود ولی دودمان حاکم بر «ایزومو» همچنان سلطه خود را بر «امور اسرارآمیز» حفظ نمودند و قدرت مذهبی را در دست خود نگاه داشتند.

ما در این جا نمی‌توانیم همه اساطیر مربوط به خدایان و اولین امپراتوران ژاپن را یکایک برشماریم. تنها به سلسله حوادث و رویدادهای مربوط به «یاماتوی» شجاع اشاره می‌کنیم. وی فرزند دوازدهمین امپراتور، یعنی «کایکوتننو»<sup>۴۲</sup> بود. این شاهزاده شجاع برای به دست آوردن اعتماد هر چه بیشتر پدر خود به مأموریت‌های مخاطره‌آمیز می‌رود و با آرام کردن مناطق وحشی و سرکش مملکت ژاپن از بوته

36. Izumo      37. Okuninushu      38. Ninigi      39. Tsukushi

40. Jimmu — Tinnô      41. Yamatu      42. Keikô — Tennô

آزمایش سربلند بیرون می‌آید، اما در یکی از این سفرهای خطرناک، به هنگام بازگشت به خانه، از پای درمی‌آید، اما حتی یک لحظه از وفاداری و ارادت به امپراتور دست برنمی‌دارد و در حالی که از غم دوری از وطن، شعرهای جانسوز می‌سراید چشم از جهان فرو می‌بندد.

کتاب «عصر خدایان» یا «کوجی-کی» در طول سالهای هیجانهایی ناسیونالیستی قبل از جنگ، مثل کتاب مقدس مورد توجه بود به حدی که دستگاه سانسور دولتی چاپ بخشهایی از آن را که مربوط به توطئه‌ها و دسیسه‌های ضد امپراتوران بود ممنوع ساخت، اما امروزه نیز، در عین آن که ارزش خود را به عنوان یک اثر اسطوره‌ای حفظ کرده است، از جهات مختلف تاریخی، مذهبی، مردم‌شناسی و رمزشناسی مورد نقد و بررسی مجدد قرار می‌گیرد. از نظر ادبی و سبک نگارش این کتاب دارای ترکیب ناهمبستگی است: برخی از قسمتهای آن به زبان خالص ژاپنی نوشته شده و بعضی قسمتهای دیگر بشدت تحت تأثیر سبک و فرهنگ چین می‌باشند. در عین حال این مجموعه، در نظر ژاپنیها به مثابه یک سلسله داستانهایی کوتاه اساطیری که بر همه آثار ادبی بعد از خود تأثیر گذاشته مورد توجه است.

در اینجا باید اضافه کنیم که «کوجی-کی» به قصد اعتبار بخشیدن به امپراتوران گذشته، در عین حفظ حرمت قبیله‌ای تألیف شده و پس از این اثر هم، نوشته‌های دیگری پا به عرصه وجود گذاشت، از جمله کتاب «نیهون-شوکی»<sup>۴۳</sup> که به قصد زنده نگه داشتن افتخارات ژاپن در مقابل امپراطوری چین نگاشته شده. این اثر به زبان چینی است و کمتر از «کوجی-کی» به اساطیر و افسانه‌ها پرداخته و بیشتر به واقعیات با دیدی معقول و علمی نگریسته. بعد از این کتاب که در سال ۷۲۰ تألیف شد، اثر دیگری در ۷۹۷ به وجود آمد به نام «شوکو-نیهونگی»<sup>۴۴</sup> که در ضمن یادآوری وقایع و حوادث گذشته تعداد ۶۲ فرمان رسمی امپراتوران ژاپنی را ثبت نمود. این فرامین سلطانی چه از نظر تاریخی و چه از نظر زبان‌شناسی اسناد و مدارک با ارزشی به شمار می‌آیند.

اما از لحاظ تاریخ و ادبیات ژاپن باید به یک اثر بسیار عمده دیگر بنام «فودوکی»<sup>۴۵</sup> اشاره کنیم. این کتاب که باز هم به دستور ملکه «گیمه‌ئی» تألیف شد، شامل یادداشتها و بررسیهای دقیقی دربارهٔ جغرافیا، تاریخ، آب و هوا، منابع و آداب و رسوم و ریشه‌های زبانی و لهجه‌ای ایالات مختلف کشور ژاپن است. این اثر محتوی داستانهای شیرین و آموزنده‌ای است که متأسفانه ظاهراً بخش عمده‌ای از آنها از میان رفته است.

---

45. Fudo — k;

عصر هیان (Heian)  
از ۷۹۴ تا ۱۱۹۲ میلادی

انتقال پایتخت به منطقه ای در چهل کیلومتری شمال «نارا»<sup>۱</sup> در ۷۹۴ و بنای شهر جدید «هیان کیو»<sup>۲</sup> به عنوان مقرّ امپراطوری نقطه عطف بسیار مهمی در تاریخ این کشور به شمار می آید. این شهر که تا امروز هم به نام «کیوتو» باقی مانده، تا سال ۱۸۶۸ میلادی پایتخت و مقرّ امپراطور بوده است. در فاصله سالهای ۷۹۴ و ۱۱۹۲ که به عصر «هیان» مشهور است، امپراطوران بخصوص خاندان شمالی آنان به نام «فوجی-وارا» تلاش زیادی برای آبادانی و پیشرفت مملکت انجام دادند. آنان برای حفظ ثبات و نظم و تضمین آینده امپراطوری به آداب و رسوم ملی احترام می گذاشتند و توجه زیادی به برگزاری هرچه با شکوه تر جشنها، و مراسم سالانه مبذول می داشتند. در دربارهای مجلل و پرزرق و برق آنان، هنرهای نقاشی، رقص، موسیقی و شعر پا گرفت و شکوفا شد به گونه ای که هنوز هم از آن دوران (یعنی حدود اواخر قرن دهم و قرن یازدهم میلادی) به عنوان «عصر شکوهمند» تاریخ ژاپن نام می برند.

---

1. Nara      2. Heian-Kyô

علاوه بر شعر، بخش بزرگ دیگری از هنرهای ادبی که امروزه به نام «ادبیات هیان» مشهور است اثر زنان هنرمندی بود که متعلق به طبقات کوچک و متوسط نجبا بودند که در دربارهای امپراتوران خدمت می‌کردند. این سخن نه بدان معنی است که در آن عصر زنان از قدرت و اعتبار بهره‌مند بوده باشند، برعکس در آن دوران زنان درباری حتی همسران امپراتور، بازیچه‌ای در دست پدران و عموهای خود بودند. دلیل تأثیر زنان در خلق آثار هنری در جای دیگری است:

در این عصر درس خواندگان امپراتوری شعر ژاپنی می‌سرودند و یا آثار منثور خود را به زبان چینی یا مخلوطی از چینی-ژاپونی می‌نوشتند و متفکران و دانشمندان به کار تألیف کتب تاریخ، اخلاق، خاطرات و فقه اللغه می‌پرداختند و حتی کشیشان در تلاش نوشتن تفاسیری بر متون مقدس مذهبی بودند و آثار قلمی خود را به زبان چینی می‌نگاشتند. در زمانی که تفکر بودایی در عین شکوفایی بود آنان به پایه‌ریزی یک نظام فکری ویژه ژاپن پرداخته بودند و کشیشهای مشهوری نظیر «کوکائی»<sup>۳</sup> (۷۴۴-۸۳۵) «گنشین»<sup>۴</sup> (۹۴۲-۱۰۱۷) و نویسندگانی نظیر «سوکاوارانو می چی زانه»<sup>۵</sup> (۸۴۵-۹۰۳) یا اوئه نوماسافوسا<sup>۶</sup> (۱۰۴۱-۱۱۱۱)، اندیشه‌ها و نظریات خود را به این زبان مصنوعی اما ظریف و غنی یعنی زبان چینی ادبی بیان می‌کردند.<sup>۷</sup> با تمام این احوال، آثاری که آنان تألیف کردند و در عصر خود از اهمیت فوق‌العاده برخوردار بود، امروزه به عنوان آثار درجه دوم و کم‌اهمیت بشمار می‌آید، در مقابل آنچه را که به عنوان گوه‌رهای درخشان ادبیات و هنر عصر «هیان» نام می‌برند، همان آثار تفتنی، بدیهه‌سازی و سرگرمیهای است که از زیر دست زنان حرمسراها بیرون آمده است و با حروف چینی، خطی ساده و بی‌پیرایه، دور از تصنع و وسواس هنری بر صفحات کاغذ نقش بسته و آثاری کودکانه، به دور از قرینه‌سازی و سجع و قافیه، به شیوه‌ای طبیعی و روان و بی‌تعقید آفریده شده است.

3. Kukai 4. Genshin 5. Sugawara no Michizane 6. Ôe no Masafusa

۷ - در این عصر بود که بتدریج نوعی خط متناسب‌تر برای زبان ژاپنی رواج یافت. خطی که در آن حروف چینی از نظر شکل و ترکیب ساده‌تر شده بود.

## ۱ - شعر

دربار «هیان» محیط کوچک اما بسیار مساعدی برای رشد و پرورش هنر شعر بود. سرودن نوعی شعر به نام «واکا»<sup>۸</sup> که شعر سی و یک هجایی است. در آن محیط از اواخر قرن نهم به صورت فعالیت خلاق و روزمره درآمد بود. در آن عصر، همه مکتوبات درباری (نامه های عاشقانه، تبریک، تسلیت، درخواست ارتقاء منصب، نامه های عذرخواهی، یادداشت همراه با هدایا، ادعیه، نعت خدایان و بودا) همه و همه در قالب شعر سی و یک هجایی «واکا» نوشته می شد. در همه نوع مراسم، اعم از جشنهای رسمی یا خانوادگی و خصوصی، این نوع شعر خوانده می شد و اهمیت و جایگاه خاص خود داشت. رواج و اهمیت شعرسرایی تا بدانجا رسید که سازمانی به نام «دفتر شعر» تأسیس شد و هر ساله مسابقاتی عمومی زیر نظر همین دفتر برگزار می شد. در این مسابقات، یک مضمون واحد به همه شرکت کنندگان ارائه می شد و سروده های آنان از نظر زیبایی، استحکام و عمق به دقت سنجیده می شد و سپس بهترین آثار انتخاب و معرفی می شدند و او را می بایست دلایل قانع کننده ای برای انتخاب خود عرضه کنند. شعر کلاسیک «واکا» دارای قواعد دقیق و منسجم بود. مضامین اشعار بدقت جمع آوری و فهرست بندی می شد «مضامین عمده عبارت بودند از: وصف فصول سال بخصوص بهار و پاییز، عشق، تبریک و تسلیت، شرح سفر و جهانگردی و همچنین مضامین مذهبی و آیینی. هر کدام از این مضامین اصلی به مضمونهای محدودتر تقسیم می شد، مثلاً در مضمون پاییز، به شاعر توصیه می شد که به زمینه های محدودتر بپردازد: ماه تمام، شاخ و برگ درختان، رنگها، غازهای وحشی و غیره. در عوض در شعر «واکا» بسیاری از مضامین رایج شعری وجود نداشته است: حماسه های جنگی، هجو و هزل، شراب، زیبایی جسمانی انسان. در این شعر واژگان مجاز و نیز استعارات و تشبیهات مقبول، محدود هستند. شعر «واکا» در

فضای خاصی جریان دارد، عواطف و تأثرات بشری می‌باید در قالب توصیف مظاهر طبیعت بیان شود. از آنجایی که شعر «واکا» از قراردادهای معین و ویژه پیروی می‌کند و استعارات معین و محدودند (مثلاً شبنم برای بیان ناپایداری پدیده‌های جهان و یا اشک پاک و لطیف عشاق به کار گرفته می‌شود) از شاعر خواسته می‌شود که هر نوع ابتکار و بدعت را در چهارچوب همین قراردادها عرضه کند. بر این مبناست که کشیش «سایگیو»<sup>۹</sup> (۱۱۱۸ — ۱۱۹۰) که یکی از شاعران به نام و مقبول ژاپن است و اشعار زیادی به سبک «واکا» نوشته، در آثار خود جوهر و عمق احساسات مذهبی و ایمانی را در قالب وصف و ستایش ماه و گل بیان کرده است (رجوع کنید به اثر وی تحت عنوان «سانکاشو»<sup>۱۰</sup>). در آثار وی تشبیهات و استعارات بروشنی خود را نمی‌نمایند. خصلت ایجاز و اختصار در شعر «واکا» شاعر را مجبور می‌سازد که برای بیان و تحلیل احساسات درونی خود به استعاره متوسل شود، آن هم در مبهم‌ترین و موجزترین شکل، همچنین در شعر «واکا» بدعتهای فنی و جناسهای لفظی نیز به صورت قراردادهای معینی درآمده‌اند و تابع برخوردی صوتی غیرمنتظره می‌باشند مثلاً در این نوع شعر ژاپنی، شاعر نباید تعمداً دو بیت را که با قافیه یکسان خاتمه می‌یابند در کنار هم قرار دهد بلکه باید آنها را به گونه‌ای تنظیم کنند که خواننده معانی گوناگون از آن ادراک کند. مثلاً در شعر ذیل، در زبان ژاپنی با استفاده از کلمات نسبتاً مشابه کیکو (شنیدن و گل بابونه) و اوکو (نشستن — برای اشیاء و برخاستن — برای انسان) و با توجه به معانی دوگانه هر کدام از این کلمات ترکیبی غریب ایجاد شده که البته قابل ترجمه به زبان دیگر نیست. به هر حال ترجمه آزاد شعر چنین است:

#### آوازه

من از تو بسیار شنیده‌ام  
و گل بابونه را دیده‌ام با نمی از شبنم زلال

شب می‌نشیند و من برمی‌خیزم  
چه، عشق اندرون مرا می‌کاود و می‌خورد  
باید، یکی از ما، از میانه برخیزد.

سوسه‌ئی<sup>۱۱</sup> متوفی به سال ۹۰۹  
(مجموعه شعر «کوکین شو»<sup>۱۲</sup> شماره ۴۷۰)

در مقابل، شاعرانی دیگر با امتناع از تراکم مفاهیم و معانی در یک شعرسی و  
یک هجایی «واکا»، احساس خود را مستقیم و بی‌پرده بر زبان می‌آورند:  
پاییز فرا رسیده  
اما هنوز بروشنی خود را نشان نمی‌دهد  
با وزش نسیمی سرد  
بر خود لرزیدم

فوجی وارا نوتوشیوکی<sup>۱۳</sup> (متوفی ۹۰۷)  
مجموعه شعر «کوکین شو» شماره ۱۶۹

بعضی شعرها بیان خالص و بی‌پرده عواطف است:

موهای من آشفته گشته‌اند  
و من از پای درآمده‌ام  
کجاست آن دستی که پیش‌تر  
بر آن شانه می‌زد  
دلم در هوای آن دست می‌طپد.

مجموعه شعر ایزومی شی کوپوشو<sup>۱۴</sup> شماره ۵۸

اما واقعیت آنست که اگر چه وسواس سرایندگان شعر «واکا» برای نشان  
دادن هر چه بیشتر تصنیعات شعری و تخیلات پیچیده و پرتعقید، حاصل کار را  
بی‌معنی و متظاهر ساخته اما در پاره‌ای موارد، فشردگی و تحرک بیانی اثر کم‌نظیر

11. Sosei 12. Kokin-Shū 13. Fujiwara no Toshiyuki 14. Izumi Shikibu-shū



است، صرفنظر از جناسها و بازیهای صوتی و ترکیبات متناظر که در عین زیبایی و شکوه، متأسفانه قابل برگردان به زبان دیگر نیست.

### مجموعه های شعری

در اینجا باید از یک تلاش پر ارج گذشتگان یاد کنیم و آن جمع آوری آثار شعری به صورت دواوین و مجموعه ها است. دو قطعه شعر اوئی که در صفحات قبل آورده شد برگرفته از مجموعه شعر عظیمی است بنام «کوکین شو»<sup>۱۵</sup> یا «منتخب اشعار کهنه و نو». این مجموعه در سال ۹۰۵ به دستور امپراطور «دیه گو» تدوین شد و به توسط چهار شاعر بزرگ عصر گردآوری شده است. این چهار شاعر عبارتند از:

— کینوتسورایوکی<sup>۱۶</sup>

— اوشی کوچی نومیتسونه<sup>۱۷</sup>

— کینو تومونوری<sup>۱۸</sup>

— می بونو تادامینه<sup>۱۹</sup>

این مجموعه در برگیرنده ۱۱۱۱ شعر متعلق به ۱۲۲ شاعر است که ۲۶ نفر آنان زن هستند و بیشترین تعداد اشعار اثر چهار گردآورنده فوق می باشد. اشعار به نسبت مضامین آنها دسته بندی شده نه به نسبت نام شاعر یا تاریخ تألیف آنها. در عصر «هیان» به دنبال مجموعه فوق الذکر، شش مجموعه دیگر به شرح زیر گردآوری شد:

— مجموعه «گوسن شو»<sup>۲۰</sup> در ۹۵۱ میلادی.

— مجموعه «شوئی شو»<sup>۲۱</sup> در ۱۰۰۵ میلادی.

— مجموعه «گوشوئی شو»<sup>۲۲</sup> در ۱۰۸۶ میلادی.

— مجموعه «کین یوشو»<sup>۲۳</sup> در ۱۱۲۷ میلادی

— مجموعه «شیکا شو»<sup>۲۴</sup> در ۱۱۵۱ میلادی.

15. Kokin-shū 16. Ki no Tsurayuki 17. Ōshikōchi no Mitsune

18. Ki no Tomonori 19. Mibu no Tadamine 20. Gosen-shū 21. Shūi-shū

22. Goshūi-shū 23. Kin yō-shū 24. Shika-shū

— مجموعه «سین زائی شو»<sup>۲۵</sup> در ۱۱۸۷ میلادی.

وجود شعر، هر شاعری در یکی از این مجموعه ها علاوه بر آن که افتخاری بزرگ برای صاحب اثر به شمار می رفت، به منزله مهر تأییدی بر ارزش و اعتبار اثر بود.

### درباره اشعاری از نوع «واکا»

«واکا» به عنوان یک اثر ادبی به منزله خمیرمایه زندگی ادبی یک عصر است و مسأله جمع آوری و تدوین مجموعه های ادبی که مشتمل بر آثار کهن باشد و بخصوص بررسی سنتها و سوابق شعر ملی — میهنی همواره محتاج به کار و زحمت طاقت فرسایی بوده که فقط ادبا و دانشمندان بزرگی نظیر «میناموتو نو شیتاگاؤ»<sup>۲۶</sup> جرأت پرداختن به آن پیدا می کردند. «واکا» در آن عصر تنها نوع ادبی ملی ژاپن بود که از نظر اهمیت و اعتبار با ادبیات مجلل چینی برابری می کرد و آنچنان مورد توجه قرار می گرفت که بسیاری از شاعران دانشمند به بررسی و پژوهش درباره واژگان شعری پرداختند و از این طریق به یک نظام زبانی شعری خاص ژاپن دست یافتند. شاعران این عصر که در جستجوی آفرینش یک سنت اصیل شعری ژاپنی بودند همه توجه خود را به هنر «واکا» معطوف نمودند و در رساله های مجزا یا در مقدمه دواوین یا در برگزاری مسابقات شعرسرایی با جدیت از آن سخن می گفتند. از رساله های مستقلی که درباره هنر «واکا» نگاشته شده می توان به چند رساله ذیل اشاره نمود:

— رساله «شین سن- زوینو»<sup>۲۷</sup>

تألیف «فوجی وارا نو کینتو»<sup>۲۸</sup>

— رساله «توشی یوری- زوینو»<sup>۲۹</sup>

تألیف «میناموتو نو توشی یوری»<sup>۳۰</sup>

— و رساله های متعددی نیز به قلم «فوجی وارا نو کیوسوکه»<sup>۳۱</sup> و برادر

ناتانی اش «کنشو»<sup>۳۲</sup>.

25. Senzai-shū

26. Minamoto no Shitagau

27. Shinsen Zuinō

28. Fujiwara no Kintō

29. Toshiyori Zuinō

30. Minamoto no Toshiyori

31. Fujiwara no Kiyosuke

32. Kenshō

### کی نوتسورایوکی

در اینجا لازم است به نام این ادیب بزرگ اشاره کنیم که همگام با عده‌ای از ادبای دیگر در دفاع از ادب ملی و اعتبار بخشیدن به آن تلاشی شایسته کردند. «کی نوتسورایوکی» (متوفی به سال ۹۴۵) که خود از سرایندگان عمده اشعار «واکا» بوده است، در گردآوری مجموعه شعری «کوکین شو» نیز مشارکت فعالانه داشته است و مقدمه‌ای که بر این مجموعه نگاشته به منزله دفاعیه معتبر از اصالت و هویت شعر ژاپنی است. این شاعر و ادیب برجسته اثر دیگری با عنوان «توسانیکی»<sup>۳۳</sup> نگاشته است که به صورت خاطرات یک مسافرت است اما در عین حال به مثابه رساله‌ای عمیق اما ساده و جذاب درباره شعر ژاپن می‌باشد. در این اثر، اشعار زیادی از خود وی با همسفران وی آمده است که درباره آنها نظرهای تحقیقی و انتقادی ابراز شده است. این اثر، در عین اهمیت و اعتبار توانست به صورت یک نوع ادبی و یک نمونه قابل تقلید جای خود را باز کند و این نوع سفرنامه نویسی به زبان ژاپنی فقط در اواخر عصر «هیان» بود که توسط زنان ادیب رواج یافت.

### شعر «ترانه و آواز»

سلطه اشعار نوع «واکا» در دربار «هیان» نباید ما را از توجه به سایر انواع شعری غافل سازد. انواعی که بسیار رایج و مقبول بود، از جمله «شعر ترانه» یا «کایو»<sup>۳۴</sup> که همراه فلوت، سیتار یا عود خوانده می‌شده. از میان این نوع شعری می‌توان به آوازهای ملی یا «سایبارا»<sup>۳۵</sup> اشاره کرد و یا سرودهای آیینی (کاگورا)<sup>۳۶</sup> که در مراسم مذهبی خوانده می‌شد و بالاخره سرودهای بودایی یا «واسان»<sup>۳۷</sup> در کنار این نوع اشعار، نوع دیگری به نام «شعر چینی» رایج بود که توسط سرایندگان چینی یا ژاپنی گفته می‌شد اما به شیوه ژاپنی همراه با موسیقی خوانده می‌شد. نمونه‌های زیادی از این نوع اشعار در کنار «واکا» های موزیکال و آهنگین توسط

33. Tosa — Nikki

34. Kayô

35. Saibara

36. Kagura

37. Wasan

«فوجی وارا نو کیتو» در حدود سال ۱۰۱۳ گردآوری شد.

در اواخر عصر «هیان» بود که ترانه‌هایی به سبک امروزی بنام «ایمایو»<sup>۳۸</sup> رواج یافت که در آنها، هم مضامین ملی بود و هم مضامین مذهبی. این نوع ترانه‌ها را (که هر کدام از چهار مصرع هفت و پنج هجایی ترکیب می‌شد) از طریق یک مجموعه شعری با عنوان «ریوجین هیشو»<sup>۳۹</sup> متعلق به حدود سال ۱۱۸۰ به دست ما رسیده است. شعرترانه یا «کایو» با هر مضمونی که باشد دارای این خصیصه است که از بدایع شعری و تعقیدات فاضلانه عاری است و در عوض سادگی لحن و قریحه هنر عوام در آن موج می‌زند.

## ۲ — خاطره نویسی و یادداشت برداری

همچنان که اشاره رفت، نوع شعری «واکا» رایج‌ترین و معتبرترین شیوه بیان ادبی دربار «هیان» بود. اما برای آگاهی از آداب و رسوم، سلیقه‌ها و زیباشناسی این محیط درباری، هیچ مدرک و اثری گویاتر از یادداشت‌ها و خاطراتی نیست که در اواخر قرن دهم میلادی توسط عده‌ای از زنان درباری نگاشته شده. این زنان که از خانواده‌های اشراف و نجبای متوسط بودند در دربارها به خدمات مختلف گماشته شده بودند. یکی از این آثار، کتابی است با عنوان «کاگرونیکی»<sup>۴۰</sup> به معنای «خاطرات یک خدمتکار موقت» که به سال ۹۸۰ تحریر شده است. نویسنده کتاب که یکی از زنان حرمسرای «فوجی وارا»ی قدرتمند بود، به خاطرات بیست سال همدمی با وی اشاره می‌کند.

زن دیگری که به نگاشتن «دفتر خاطرات» خود پرداخته، زنی است که به نام «موراساکی شی کیبو»<sup>۴۱</sup>. این زن، که دختریکی از صاحب منصبان دولتی بود و برای تربیت هنری و ادبی او کوشش زیادی شده بود، اندکی بعد از ازدواج، شوهر خود را از دست داد و در حالی که صاحب دختری هم بود وارد خدمت دربار ملکه

38. Imayô 39. Ryôjin — hishô

40. Kagerô Nikki 41. Murasaki Shikibu

«آکیکو»<sup>۴۲</sup> شد و مدت ۱۳ سال در آنجا ماند پس از آن تاریخ دیگر کسی از سرنوشت او خبردار نشد. کتاب وی که با عنوان «مورساکی شی کیبونیکی»<sup>۴۳</sup> مشهور است، خاطرات سه ساله وی را از ۱۰۰۸ تا ۱۰۱۰ دربردارد. در این اثر، مراسم درباری، فضای پر مسکنیت دربار، و چهره برخی از زنان ستمگر درباری توصیف شده است. همین زن اثر دیگری از خود باقی گذاشته است با عنوان «گنجی مونوگاتاری»<sup>۴۴</sup> که در صفحات بعد دوباره به آن اشاره خواهیم نمود.

در سال ۱۰۶۰ دفتر خاطرات یک زن دیگر، تحت عنوان «دفتر خاطرات ساراشینانیکی»<sup>۴۵</sup> منتشر شد. وی که دختر «سوغاوارا نو تاکاسوئه»<sup>۴۶</sup> است در این کتاب، سرگذشت چهل سال از زندگی خود را بخصوص شرح چندین سفر تفریحی و زیارتی را روی کاغذ آورده است. همچنین باید از کتاب دیگری نام ببریم با عنوان «جوجین نازاری نوهاها نوشو»<sup>۴۷</sup> که به سال ۱۰۷۳ تحریر شده و در آن یکی از زنان وابسته به دربار، دختر فوجی وارا نو تاشیکاتا، رنج و مرارت خود و درد جدائی از فرزندش «جوجین» را (که برای تحصیل وی را ترک کرده و به چین رفته بوده) بیان می‌کند. این کتاب به همه جنبه‌ها و زوایای عواطف مادری پرداخته است. در سال ۱۱۰۹، دختر «فوجی وارا نو آکیتسونا»<sup>۴۸</sup> خاطرات خود را تحت عنوان «سانوکی نوسوکه نونیکی»<sup>۴۹</sup> به اتمام می‌رساند. وی که به عنوان خدمتکار خاصه در دربار انجام وظیفه می‌کرده در کتاب خود آخرین روزهای حکومت امپراتور «هوریکاوا»<sup>۵۰</sup> و ماههای اولیه حکومت شاهزاده جوان «توبا»<sup>۵۱</sup> را توصیف می‌کند. همه این کتابهای خاطرات که با قطعات شعری لطیف و گویای عواطف و احساسات آدمی زینت شده است، از نظر سبک بیان، از انشایی ساده و آزاد و به دور از پیچیدگی برخوردار است.

از میان همه این گزارشهای مربوط به عصر «هیان» یک کتاب بویژه

42. Akiko      43. Murasaki Shikibu Nikki

44. Genji Monogatari      45. Sarashina Nikki      46. Sugawara no Takasue

47. Jōjin — Azari no haha no shū      48. Fujiwara no Akitsuna

49. Sanuki no suke nonikki      50. Horikawa      51. Toba

درخشندگی خاصی دارد و آن کتابی است با عنوان «ماکورا نوسوشی»<sup>۵۲</sup> که مورخین ادبی کنونی، آنرا یک اثر سنگین و تحلیلی به شمار می‌آورند. درباره نویسنده این اثر که گویا نامش «سئی شوناگون»<sup>۵۳</sup> و دختر دانشمندی به نام «کیوهارا نوموتوسوکه»<sup>۵۴</sup> بوده است، اطلاع چندانی در دست نیست. همین قدر می‌دانیم که در حدود سال ۹۹۳، زمانی که به سن سی سالگی رسیده بوده، به عنوان ندیمه به خدمت ملکه «ساداکو»<sup>۵۵</sup> درآمده و تا آخر عمر ارباب خود (سال ۱۰۰۰) در آنجا ماند. پس از آن دیگر اثری از وی سراغ نداریم. در مورد شرایط تدوین این اثر هم (که بعدها چندین نسخه مختلف و بسیار متفاوت از آن دیده شد) اطلاع روشنی نداریم. این کتاب مجموعه سیصد گزارش کوتاه و بلند مربوط به زندگی درباری، ماجراهای عاشقانه و بخصوص شرح مراسم مختلف درباری است. تقریباً نصف کتاب به صورت فهرست و واژه‌نامه پرندگان و حشرات و «سِه‌ئی» این نامهارا مبنای استخراج یک دسته از واژگان شعری قرار داده و تفاسیر شخصی خود را به آنها افزوده است.<sup>۵۶</sup> حتی فهرستهایی در این اثر به چشم می‌خورد که به نظر ما عجیب می‌نماید از قبیل: فهرست چیزهای ناخوش آیند، چیزهای شرم‌آور، چیزهای آزاردهنده، چیزهای آرامبخش... بطوری که افراط در این زمینه موجب تحریر ترکیبات و بدیهه‌سازهای سخیف شده است. در عین حال کتاب «ماکورا نوسوشی» به خاطر لحن شخصی و صادقانه و بی‌پیرایه‌ای که دارد، اثری گیرا است که در آن، خواننده با تصاویر و صحنه‌های گاه مضحک و شوخ و گاه دل‌آزار و تأسف بار و برومی‌شود. زبان طنز و شوخی، قضاوت‌های شخصی بی‌شائبه، سبکی زیبا که خارج از قواعد متعارف می‌نماید، همه این ویژگیها موجب شده که این اثر بعد از ششصد سال هنوز جلوه و تأثیر خود را حفظ کرده است.

52. Makura nô Sôshi      53. Sei Shônagan

54. Kiyohara no Motosuke      55. Sadako

۵۶ - شاید بتوان گفت که بر همین مبنای کلمه ژاپنی «ماکورا» (Makura)، هم به معنای «بالش و متکا» و هم به معنای «سرفصل و عنوان» گرفته شده است. واژه‌نامه شعری را «اوتاما کورا» Uta Makura می‌گفتند.

### ۳- آثار توصیفی - داستانی

اولین آثار داستانی - اگر چه از آثار مختصر و محدود داستانی قرن هشتم، قطعات پراکنده ای برجای مانده اما، آثار داستانی به معنای کاملتر آن، از قرن دهم با داستانهای معروف به «مونogatari»<sup>۵۷</sup> شروع می شود. این کلمه ژاپنی دقیقاً به معنای هر آن چیزی است که کسی حکایت کند، قصه ای که کسی برای دیگری نقل کند. ریشه این نوع داستان سرایی، یک حکایت کهن است که به زبان ژاپونی «تاکتوری مونogatari»<sup>۵۸</sup> به معنای «قصه دروکنندگان خیزران». البته گویندگان اولیه این قصه قدیمی و تاریخ رواج آن روشن نیست. مضمون آن چنین است:

از شاهزاده خانم ماه، «کاگویا هیমে»<sup>۵۹</sup> خطایی سر می زند که قادر به توجیه آن نیست. ناگزیر به زمین می آید و به صورت انسانی مجسم می شود و در یک خیزران سکونت اختیار می کند. پیرمردی که مشغول بریدن خیزران بوده، او را - که به شکل کودکی بسیار کوچک است - کشف می کند. پیرمرد و همسر سالخورده اش با محبت او را در دامن خود بزرگ می کنند تا وقتی که شمایل دختر بسیار زیبایی به خود می گیرد و خواستگاران زیادی به سراغ او می آیند، اما وی، با آزمایشهای سختی دست رد بر سینه همه آنها می زند و عاقبت، دیگر باره، به جایگاه اصلی خود یعنی ماه بازمی گردد.

این قصه که مشتمل بر بسیاری از اساطیر ژاپونی است در عین حال محتوی مضامین طنزآمیز بسیاری نیز هست.

این نوع ادبی ظاهراً چنان سرعت رواج یافت و مورد علاقه همگان قرار گرفت که «میناموتو نو تومینوری»<sup>۶۰</sup> تصریح کرده است که: در سال ۹۸۴ شمار این نوع قصه، یعنی «مونogatari» از عدد ریگهای ساحل آریزو<sup>۶۱</sup> بیشتر است. از طرفی در مقطع سالهای قبل از قرن یازدهم یعنی چند سال قبل از سال ۹۸۴، مورد اشاره

57. Monogatari      58. Taketari Manogatari      59. Kaguya — HiMe

60. Minamoto no Tomenori      61. Ariso

«میناموتو» به عناوین حدود ۳۰ رمان هم اشاره شده است که باستانی دوتای آنها همه از میان رفته است و متأسفانه از روی این دو رمان هم نمی‌توان بروشنی از اختصاصات این نوع ادبی آگاه شد: یکی از این دو رمان با عنوان «اوچی گویو-مونوگاتاری»<sup>۶۲</sup> — تاریخ تحریر حدوداً بین ۹۶۰ و ۹۷۰ — است. این رمان به یکی از مضامین ادبی مقبول ژاپن کهن یعنی سخت‌گیریها و بدجنسیهای نامادری و مکافات متعاقب آن پرداخته است. رمان دیگر با عنوان «اوتسوهو-مونوگاتاری»<sup>۶۳</sup> — تاریخ تحریر حدوداً بین ۹۷۰ و ۹۸۰ — که رمان بسیار مفصلی است شرح ماجراهای عشقی پرحادثه مربوط به چهار نسل است و قهرمانان بسیار متعدّد دارد و رشته پیوند اصلی همه این ماجراهای پرتول و تفصیل وجود آهنگ یک ساز به نام «کوتو»<sup>۶۴</sup> (سازی شبیه رباب) است که به صورتی فوق‌طبیعی و در ضمن یک سفر دریایی بر «کیوهارانتوشیکا-که»<sup>۶۵</sup> مکشوف می‌شود و از لابلای بسیاری حوادث غیر مترقبه به نسلهای بعد منتقل می‌شود.

### رمان و شعر

این سه نوع قصه در یک چیز مشترکند و آن چاشنی شعری است که در سراسر داستان متناوباً آنرا ترین می‌کند به عنوان مثال در رمان «اوتسوهو» حدود هزار قطعه شعری آمده است و این یک خصیصه بارز در رمان ژاپنی است و وجود این ویژگی آمیزش شعر و رمان ناشی از عوامل گونه‌گون است: قبل از هر چیز تأثیر واقعیت‌گرایی (رنالیسم) عصر است زیرا همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، مبادله اشعار و توجه به بیان شعری در دربارها رواج وسیع داشته و همین خصیصه به قلمرو رمان هم نفوذ پیدا کرده؛ عامل دوم جنبه تاریخی دارد زیرا، همان‌گونه که اشاره رفت شعر و نثر، همزمان و توأماً در ژاپن به عنوان دو شیوه بیانی مکمل یکدیگر به صورت یک سنت ملی مورد قبول واقع شد و این ویژگی قرن‌ها دوام یافت. و بالاخره عامل سوم را باید در این واقعیت جستجو کرد که شعر، یکی از سرگرمیهای عمده زنان درباری بوده، لذا رمان‌نویسان برای اعتبار بخشیدن به اثر داستانی خود اشعار و قصاید مشهور به «واکا»

62. Ochikubo — monogatari      63. Utsuho — monogatari

64. Koto      65. Kiyohara no Toshikage



در آن می‌آمیختند. به هر حال، یکی از آثار داستانی قرن دهم که به عنوان یک شاهکار مطلق و مسلّم شناخته شده، دارای این خصیصه (یعنی همگامی شعر و داستان) است به طوری که مورخین ادبی گاهی آن را در ردیف آثار شعری طبقه بندی می‌کنند. نام این اثر «قصه های ایسه» یا «ایسه مونوگاتاری»<sup>۶۶</sup> است که شامل ۱۲۵ حکایت کوتاه است و همه آنها به قطعات شعری ختم می‌شوند. هم نام مؤلف و هم تاریخ تألیف این اثر مورد اختلاف است اما به احتمال قوی می‌توان گفت که در سالهای آخر قرن نهم و سالهای نیمه قرن دهم تألیف شده و مؤلفین متعدّد داشته است. اکثر حکایات این کتاب محتوی ماجراهای عاشقانه مردی است که بعدها هویت او را در وجود شاعر عاشق پیشه به نام «آریهارا نوناریهیرا»<sup>۶۷</sup> متوفی به سال ۸۸۰ یافتند. مجموعه این حکایات را می‌توان یک دستورالعمل ادب و نزاکت، اخلاق خوش، زبان آوری، و نکته سنجی و مهارت در برخورد های عاشقانه دانست که مجموع این معانی به زبان ژاپنی در کلمه «میابی»<sup>۶۸</sup> آمده است. برخی از داستانهای تمثیلی و پندآموز این کتاب که با لحنی شیرین و آموزنده بیان شده چنان مقبولیت عام یافت که نویسندگان بعد در نوشته های خود مکرراً از آنها نقل قول می‌کنند و این یکی از جنبه های مهم این اثر است. همین سبک نگارش داستانی (یعنی قصه های مختوم به شعر) در آثار بعدی — که نویسندگان آنها نیز ناشناخته مانده اند — تعقیب شده بخصوص در دو اثر با عنوانهای «یاماتو مونوگاتاری»<sup>۶۹</sup> مربوط به نیمه دوم قرن دهم و «هیچو مونوگاتاری»<sup>۷۰</sup> مربوط به اواسط قرن دهم. اثر اول مشتمل بر حکایات بسیاری از شخصیت های عمده است که با یک سلسله افسانه های قدیمی آمیخته شده اند و اثر دوم مجموعه حکایاتی است که به شرح ماجراهای عاشقانه مردی به نام «تایرا نوسادابومی»<sup>۷۱</sup> می‌پردازد. منتقدین و ادب شناسان، هر چند که در تعبیین مرز بین نوع «داستان — شعر» و سایر انواع ادبی مرددند لیکن دو اثر فوق الذکر را به طور قاطع در شمار نوع ادبی «اوتا — مونوگاتاری» دانسته اند. («اوتا»<sup>۷۲</sup>

66. Ise — monogatari 67. Arihara no Narihira

68. miyabi 69. Yamato — monogatari

70. Heichū - Monogatari

71. Taira no Sadabumi

72. Uta

به معنی شعر است). به طور کلی طبقه بندی آثار کلاسیک ژاپنی در چهار چوبهای روشن «داستان»، «شعر»، «تاریخ» و «شرح حال» همچنان به صورتی مبهم و غیرقطعی باقی مانده است.

### «گنجی - مونوگاتاری»

حدوداً یک قرن بعد از ظهور نوع داستانی «مونوگاتاری» ناگهان یک اثر ادبی اعجاب آور به نام «گنجی - مونوگاتاری»، (به معنای گفته های «گنجی»<sup>۷۳</sup>) رواج می یابد. البته رواج این نوع ادبی را نباید ناشی از کساد و افول خلاقیت داستان نویسی آن عصر دانست بلکه، فی نفسه از ارزش و اهمیت ویژه برخوردار است. اگرچه، این نوع ادبی از آثار داستانی پیش از خود تأثیر پذیرفته و مایه گرفته است (بخصوص نوع ادبی «ایسه - مونوگاتاری»)، نوع «گنجی» اساساً مقوله دیگری است و نشانی از نبوغ به شمار می آید. در مورد نویسنده این کتاب یعنی خانم «موراساکی شیکیبو»<sup>۷۴</sup> قبلاً اشاره ای مختصر، در همان حدودی که آگاهی داشته ایم، شده است و اما بافت داستان فوق الذکر به شرح زیر است:

قهرمان اصلی داستان یک «گنجی» است یعنی فرزند یا یکی از اخلاف امپراتور، اما از مزایای یک شاهزاده برخوردار نیست. اسم این شاهزاده بی مزیت و اعتبار «هیکارو»<sup>۷۵</sup> است به معنی «درخشان». این پسر که فرزند امپراتور «کیریتسوبو»<sup>۷۶</sup> از یک زن صیغه است و لذا مادر وی که از طبقات پست بوده، در دربار مورد آزار رقبای دیگر حرمسرا قرار می گیرد و فوت می شود در حالی که فرزندش هنوز کودک سه ساله است. پادشاه، این طفل محروم از مادر را تحت توجه قرار می دهد و طولی نمی کشد که به خاطر زیبایی، شخصیت، تیر هوشی و زبان آوری، هنر موسیقی و رقص و شعر و خطاطی انگشت نمای همگان می شود. در دوازده سالگی او را مجبور به ازدواج با «آئوئی نواوئه»<sup>۷۷</sup> دختر وزیر دست چپ پادشاه می کنند. اما خود او دلباخته یکی از زنان حرمسرای پدر خود است. معشوقه که شش سال از وی بزرگتر

73. Genji

74. Murasaki Shikibu

75. Hikaru

76. Kiritsubo

77. Aoi — no — ue

است به طور اعجاب آوری به مادر مرحومش شباهت دارد. نام او «فوجیتسوبو»<sup>۷۸</sup> است. این زن عاقبت تسلیم عشق شاهزاده جوان می‌شود و از وی فرزندی به دنیا می‌آورد که دیگران او را فرزند امپراتور می‌دانند. اما عاشق و معشوق هر دو مطمئن هستند که این پیوند به شکست و ناکامی می‌انجامد. «گنجی» دیوانه وار به ماجراهای عاشقانه کشیده می‌شود که برخی از آنها، مثلاً با «یوگائو»<sup>۷۹</sup> به عاقبت غم انگیزی منتهی می‌شود و برخی نیز حاصلی جز دلزدگی و کسالت برای او به بار نمی‌آورد. زن قانونی و رسمی وی یعنی «آئوئی-نو-اوه» که قربانی توطئه یکی از رقبای عشقی می‌شود، فوت می‌کند «فوجیتسوبو» هم تارک دنیا می‌شود و به خدمت مذهب روی می‌آورد. از سوی دیگر آن قبیله ای که او را به دامادی پذیرفته بودند، در صحنه سیاست برتری پیدا می‌کند و «هیکارو» در سن ۲۵ سالگی از زندگی درباری روی برمی‌گرداند و خود را به سرزمین دوردستی تبعید می‌کند و در آنجا، برای تخفیف رنج تنهایی و یأس خود با دختری به نام «آکاشی»<sup>۸۰</sup> ازدواج می‌کند. طولی نمی‌کشد که سرنوشت به گونه ای دیگر رقم می‌خورد و بار دیگر بخت و اقبال به او روی می‌آورد بدین معنی که دوباره به دربار دعوت می‌شود و او را غرق در تمجید و ستایش و مدالهای افتخار می‌کنند. طولی نمی‌کشد که به اوج افتخار می‌رسد. آنگاه دستور می‌دهد یک قصر باشکوه برای او بنا کنند و در آن همه زنان مورد علاقه خود را جمع می‌کند — کاری که در فرهنگ و جامعه او نشانه لطف و وفاداری است. — سوگلی این حرمسرا «موراساکی نوآوه» است یعنی همان زنی که در اوایل جوانیش به او دل باخت و او نیز هیچگاه از توجه و اعتماد به آن زن نکاست. اوج پیروزی وی زمانی است که دخترش (که از «آکاشی» به دنیا آمده) وارد حرمسرای ولیعهد می‌شود و بزودی عنوان همسر شاه را کسب می‌کند. اما با مرگ «فوجیتسوبو» این دوران درخشان شادکامی و افتخار به پایان می‌رسد. در این هنگام امپراتور بازنشسته (سوزاکو) «گنجی» را مجبور می‌کند که دختر سیزده ساله او را «اونا سان نومی یا»<sup>۸۱</sup> را به زنی بگیرد و از او مراقبت نماید. همسر تازه شاهزاده که با حضور خود

78. Fujitsubo      79. Yugao      80. Akashi

81. Onna — san — no — miya

«موراساکی نوآئه» را به انزوا و بیماری سوق می‌دهد، چند سال بعد دل‌باخته جوانی به نام «کاشی واگی»<sup>۸۲</sup> می‌شود و خود را تسلیم وی می‌نماید و فرزندى از او به دنیا می‌آورد به نام «کائورو»<sup>۸۳</sup> شاهزاده دل‌آزده که به یاد خطاهای گذشته خود می‌افتد، از روی ناچاری این فرزند نامشروع را فرزند خود معرفی می‌کند و وجود وی را تحمّل می‌نماید. اکنون «گنجی» به سن پنجاه سالى رسیده، همسر جوانش «اونا سان نومی یا» راه زندگیش را عوض کرده و به خدمت مذاهب درآمده. «موراساکی نوآئه» رخت از جهان برمی‌کشد و پادشاه نیز به گنج عزلت پناه می‌برد و دور از جنجال دربار به صورتی منزوی و تنها به زندگی ادامه می‌دهد. از این جای داستان را نویسنده، مسکوت گذاشته است. در ربع آخر کتاب قهرمان داستان «کائورو» فرزند «اونا سان نومی یا» و «کاشی واگی» است که شخصیتی اسرارآمیز و رنج‌دیده است: او نیز از عشق دختران «اوجی» سرخورده و پشیمان می‌شود زیرا می‌بیند چگونه همسر سوگلی جوانش به نام «اوکی فونه»<sup>۸۴</sup> با دیگری نرد عشق می‌بازد و فاسق وی نیز در این ماجرا سرخورده، ابتدا خود را به رودخانه پرتاب می‌کند تا به زندگی خود خاتمه دهد، اما نجات می‌یابد و عاقبت در صومعه‌ای پناه می‌گیرد.

از لابلای تمام این ماجراهای عشقی که به صورتی درهم و پیچیده حکایت شده، سرنوشت «گنجی» — که به عنوان درس عبرتی به خواننده القا می‌شود — بسیار عبرت‌آموز است؛ چگونه، یک انسان هوسران که پا از مرز قانون بیرون می‌گذارد و خود را به راه زنا سوق می‌دهد، عاقبت شاهد تجاوز دیگری به حریم خود می‌شود و چنان آزرده‌خاطر و دلخسته می‌شود که راه انزوا و اعتکاف را در پیش می‌گیرد.

این رمان، علاوه بر کیفیت انشایی آن (روان و طبیعی بودن عبارات) از نظر کلّ ترکیب داستانی، اثر قابل توجهی است. نویسنده، در این اثر، حدود ۳۰۰ شخصیت را به صحنه آورده که ۳۰ نفر آنها از نظر اصل و نسب، تربیت، خلق و خو و تاریخچه زندگی خود کاملاً با یکدیگر اختلاف دارند. اگرچه «موراساکی شی کی بو»<sup>۸۵</sup> به تبع سنت قصه‌نویسی ژاپن به توصیف دقیق شخصیتها نمی‌پردازد

82. Kashiwagi

83. Kaoru

84. Ukitune

85. Murasaki Shikibu

اما به تدریج با سخن گفتن از شیوه لباس آنها و سخنها و دردل‌هایشان و بخصوص با اشعاری که بر زبان آنها جاری می‌شود، شخصیت و هویت آنان را نشان می‌دهد.

وحدت و یکپارچگی اثر، مدیون وجود یک قهرمان اصلی و مرکزی در طول داستان است اول «هیکارو» و بعدها «کائورو» که با وجود تقابل تحریکها و برخورد‌ها و تضاد بین رخدادها و وقایع، در مرکز داستان باقی می‌مانند.

هر چند ماجراهای عاشقانه کتاب که پی در پی حکایت می‌شود، نظر خواننده را به خود جلب می‌کند، معه‌ذا، نویسنده، هم در توصیف شخصیت‌های داستانی رقیب و هم در شرح و توصیف زمینه‌های داستان (جشنهای درباری، تنهایی و انزوای آدمها، دسیسه‌چینیهای داخل حرمرسا و حالت غم و اندوه در انزوای صومعه) توجه و دقت ویژه به خرج داده است. و بالاخره باید گفت که لذت و گیرایی داستان تا حد زیادی مربوط به لحن نویسنده است که با صمیمیت، به درون وجود قهرمان نفوذ می‌کند و گویی با نزدیک‌ترین کسان خود سروکار دارد، همه اسرار و عواطف آنها را برملا می‌سازد و مرتباً، هم درباره آنها به قضاوت می‌پردازد و هم بر سرنوشت آنها لبخند می‌زند. نویسنده با حساسیت زیباشناسانه و روان‌شناسانه و با نکته‌سنجی و قضاوت بی‌پرده با قهرمانان روبرو می‌شود و برای آن که خواننده را خسته و کسل نکند، به صورتی ماهرانه با وی همچون یک محرم رفتار می‌کند و ناگفتنیها را در گوش او می‌گوید.

لازم به یادآوری است که نویسنده، در این کتاب به دو نکته جدی اجتماعی و هنری نیز می‌پردازد: اول مسأله شرایط سخت زندگی زنان (در فصل «هاها کیگی»)<sup>۸۶</sup> و دیگری دفاع از قالب رمان به عنوان یک وسیله قوی برای بیان واقعیت زندگی انسانها. و نسل‌های بعد، از این تصاویر دقیق طبیعت، زندگی درباری، قهرمانهای گونه‌گون و جنبه‌های پرهیجان حوادث بهره‌ها گرفتند و با وجود آن که این رمانها، قرن‌ها، به عنوان آثار ضد اخلاقی و ضاله تحت فشار سانسور بوده، معه‌ذا همواره به منزله یک سرمشق ادبی مورد توجه بود و از آنها به عنوان بیان

حساسیت شدید انسان در مقابل «زیبایی افسون کننده چیزهای لطیف و شکننده» (مونونو آواره)<sup>۸۷</sup> یاد شده است و نوع داستانی «مونوگاتاری» بعد از این نسل از «گنجی مونوگاتاری» تأثیر پذیرفت: شاعرانی همچون «شونزه ئی»<sup>۸۸</sup> از غنای شاعرانه آن و تأثر «نو»<sup>۸۹</sup> از چهره های قهرمانان آن بهره گرفتند. این آثار داستانی، در طول قرون موجودیت خود را حفظ کرد، به خط و زبان جدید ژاپن بازنویسی شد و بالاخره با ترجمه انگلیسی که توسط «آرتور ویلی»<sup>۹۰</sup> انجام شد اعتبار جهانی یافت و به صورت بخشی از میراث بشری باقی ماند.

### آثار بعدی

اگرچه «گنجی» مقبولیت فراوان یافت و امروزه نیز تنها رمان کلاسیک پرخواننده ای است که سراغ داریم اما نمی توان گفت این نوع ادبی منحصر به همین «گنجی مونوگاتاری» است و یقیناً در اواخر عصر «هیان» حدود صد رمان از این دست تألیف شده که از عنوان شصت تای آنها خبر داریم و چند اثر زیر نیز باقی مانده است.

— ساگورومو مونوگاتاری<sup>۹۱</sup>

— یووا نو نزامه<sup>۹۲</sup>

— هاماماتسو شوناگون<sup>۹۳</sup>

— توریکا ابایا<sup>۹۴</sup>

که نه نامهای مؤلفان آنها و نه تاریخ تألیف هیچکدام در دست نیست. همه این داستانها مثل سلسله داستان «گنجی» مربوط به محیط و وقایع و شخصیت های درباری و ماجراهای عشقها، کینه ها و درگیریهای آنهاست. ظاهراً جلوه و اهمیت این داستانها برای خواننده عصر ما، در توصیف دقیق احساسات و تصویر ماجراهای پیچیده آنست.

87. Mono no aware

88. Shunzei

89. no

90. Arthur Waley

91. Sagoromo — mon

92. Yowa no nezame

93. Hamamatsushūnagon

94. Torikaebaya

### رمانهای تاریخی

سه اثر باقی مانده از گذشته که نه تاریخ تألیف و نه نام دقیق مؤلفان آنها معلوم است از دو جهت مورد توجه است: اولاً به خاطر آن که مضمون و موضوع آنها عشق شاعران مشهور است و دیگر آن که در ضمن این آثار تعداد زیادی از اشعار آنها ثبت شده است. از جمله کتاب «مونوگاتاری ایزومی شیکیبو»<sup>۹۵</sup> این شاعره که قبلاً نیز یک شعر از وی آوردیم معاصر «گنجی» بوده است. دیگری کتاب «تونامین شوشو»<sup>۹۶</sup> که قهرمان اصلی آن بنام «فوجیوارا نوتاکی مبتسو»<sup>۹۷</sup> در قرن دهم می زیسته و بالاخره کتاب «مونوگاتاری تاکامورا»<sup>۹۸</sup>، نویسنده این اثر به نام «اونو نوتا کامورا»<sup>۹۹</sup> بین سالهای ۸۰۲ و ۸۵۲ می زیسته است.

این رمان، کمتر به عنوان «مونوگاتاری» و بیشتر به عنوان «نیکگی»<sup>۱۰۰</sup> شناخته شده بود «نیکگی» در زمانهای گذشته به هر اثری اطلاق می شد که دارای حوادث یا قهرمانان تاریخی باشد، اما بعدها، این نوع آثار را هم در شمار «خاطره نویسی» و سرگذشتهای خصوصی طبقه بندی نمودند.

بسیار بجا خواهد بود اگر از میان این نوع آثار داستانی — توصیفی، کتاب «ایگانومونوگاتاری»<sup>۱۰۱</sup> را مجزا کنیم. این اثر را مورخین ادبی قرن بیستم تحت عنوان «داستانهای تاریخی» یا «ریکی شی مونوگاتاری»<sup>۱۰۲</sup> طبقه بندی کرده اند. این کتاب جنبه سالنامه و شرح وقایع دارد و دوران ۱۵ پادشاه را در برمی گیرد: از دوران «اوداتو»<sup>۱۰۳</sup> تا زمان «وریکاواتو»<sup>۱۰۴</sup> یعنی از سال ۸۹۷ تا ۱۰۹۲ میلادی و مؤلف (یا مؤلفین این کتاب) از سبک ویژه خاطره نویسی که معمولاً به زبان مخلوط «چینی — ژاپنی» نوشته می شد تجاوز کرده و به سبک داستان سرایی مونوگاتاری گراییده و معتقد است که با این روش بهتر توانسته است از عهده توصیف احساسات و مافی الضمیر قهرمانانش برآید. نویسنده که ظاهراً بشدت مسحور شکوه و جلال

95. Izumi shikibu

96. Tônamine Shôshô

97. Fujiwara no Takimitsu

98. Takamura

99. Ono no Takamura

100. Nikki

101. Eiga monogatari

102. Rikishi

103. Uda tennô

104. Horikawa tennô

شاهزاده «فوجی وارا نومی چی ناگا»<sup>۱۰۵</sup> شده که از ۴۰ فصل کتاب خود، ۲۴ فصل را به سرگذشت وی اختصاص داده است و به شرح وقایع دربار وی پرداخته و همین روش را در مورد سلاطین دیگر بکار برده یعنی ضمن شرح مورخانه وقایع دربار، به نوشته خود جنبه توصیفی - داستانی می‌دهد و بدین ترتیب از نظر سبک به «مونوگاتاری» نزدیک می‌شود.

اما آثار تاریخی محض در قرن ۱۱ و ۱۲ به وجود آمدند از جمله دو اثر عمده با عناوین: «اوکاگامی»<sup>۱۰۶</sup> و «ایماکاگامی»<sup>۱۰۷</sup> که اطلاع روشنی از نام مؤلفان و تاریخ تحریر آنها در دست نیست. این دو کتاب منحصرأ به شرح احوال امپراطوران و صاحب منصبان عمده دربارهای ژاپن می‌پردازد و بخصوص روی حوادث عجیب و یا تأثروری که بر زندگی قهرمانان کتاب تأثیر گذاشته تکیه می‌کند.

### یک مجموعه از قصه‌های هزل آمیز

این اثر که عنوان «تسوتسومی شوناگون مونوگاتاری»<sup>۱۰۸</sup> را بر خود دارد. مجموعه ده قصه است که نام مؤلفها و تاریخ تحریر آنها روشن نیست (اگر چه به قرینه می‌توان فهمید که یکی از آنها در حدود ۱۰۵۵ نوشته شده است و بقیه بدون شک بعد از این تاریخ تألیف شده‌اند). با این که زمینه اصلی این قصه ترسیم زندگی بطالت آمیز و ماجراهای عاشقانه طبقه اشراف است، معهدا جنبه هزل و طنز آن اهمیت زیاد دارد. به عنوان نمونه می‌توان به قصه «هایزومی»<sup>۱۰۹</sup> اشاره کرد که در آن قهرمان داستان از معشوقه خود قهر می‌کند چون، در فرصتی که به دیدار او می‌رود، معشوقه را می‌بیند که دستپاچه شده، به حدی که به جای سفیداب، خاکستر بر صورت می‌مالد. و یا در قصه دیگری تحت عنوان «هانازاکورا اور و شوشو»<sup>۱۱۰</sup> این بار قهرمان عاشق پیشه در کار خود دستپاچه می‌شود و در نیمه‌های شب به بالین معشوقه به خواب رفته می‌رود و او را می‌دزدد، اما وقتی چراغ را روشن می‌کند می‌بیند اشتباهاً

105. Fuji wara no Michinaga 106. Ôkagami

107. Imakagami 108. Chûnagon Tsutsumi

109. Haizumi 110. Hanazakura oru shôshô



مادر بزرگ معشوقه را ربوده است. در بعضی دیگر از داستانها، با تصویر شخصیت‌های عجیب و مضحک روبرو می‌شویم مانند قصه «دوشیزه‌ای که از حشرات می‌ترسید» با عنوان ژاپنی «موشی مزورو هیমে گیمی»<sup>۱۱۱</sup>. قهرمان داستان دختری است که وسواس اصالت در همه چیز دارد و به همین جهت از زیورآلات و ادا و اطوار رایج بین زنان امتناع می‌کند و تصمیم می‌گیرد خود را با پرورش پروانه سرگرم کند، او در این کار نیز برای حفظ اصالت به پرورش لار و پروانه می‌پردازد.

### قصه‌های تمثیلی کوتاه

بدیهی است که آثار داستانی عصر «هیان» منحصر به داستانهای مشهور به «مونوگاتاری» نیست و منتقدین معاصر، نوعی از داستانهای تمثیلی کوتاه (آنکدوت)<sup>۱۱۲</sup> را که از قرن هشتم باقی مانده تحت عنوان «سِت سووا»<sup>۱۱۳</sup> طبقه‌بندی کرده‌اند. مشهورترین مجموعه این نوع قصه تمثیلی عنوان «فودوکی»<sup>۱۱۴</sup> برخوردار دارد. این اثر مجموعه داستانهای پندآموز است که توسط مبلغان بودایی نقل شده (شامل معجزات، ایمان آوردن گمراهان، اعمال و خوارق عادات کشیشان مشهور) و نیز افسانه‌هایی که در اطراف بعضی امکان، زندگی برخی شخصیت‌های تاریخی یا افسانه‌ای و حوادث عجیب و تکان‌دهنده بر زبانها جاری بوده است. این نوع قصه‌های تمثیلی در مجموعه‌های متعدد گردآوری شدند از قبیل:

— مجموعه «ینهون ریوئی کی»<sup>۱۱۵</sup> که توسط کشیشی به نام «کی-کای»<sup>۱۱۶</sup>

در ۸۲۲ به زبان چینی تألیف شده است.

— مجموعه «سامبوئه کوتوبا»<sup>۱۱۷</sup> اثر شخصی به نام «میناموتو نوتامنوری»<sup>۱۱۸</sup>

که در سال ۹۸۴ تألیف شده. این مجموعه منحصرراً قصه‌های مذهبی و اخلاقی بودایی است.

111. Mushi mezuro himegimi      112. Anecdote

113. Setsuwa      114. Fudo — ki      115. Nihon ryôî — ki

116. Kei — Kai      117. Sambôe kotoba

118. Minamoto no Tomenori

— مجموعه «گودان شو»<sup>۱۱۹</sup> اثر «اوئه نوماسافوسا»<sup>۱۲۰</sup> که در سال ۱۰۰۴ تألیف شده و منحصرأ داستانهای غیرمذهبی است.

— مجموعه «کنجا کو مونوگاتاری شو»<sup>۱۲۱</sup> به معنای «قصه‌هایی که دیگر متعلق به گذشته‌اند». این اثر که مربوط به اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم می‌باشد ظاهراً توسط شخصی به نام «میناموتو تاکا کونی»<sup>۱۲۲</sup> تألیف شده و مشتمل بر هزار قصه است که ماجرای آنها در هند، چین و بیشتر در ژاپن اتفاق می‌افتد و مخلوطی از داستانهای مذهبی بودایی و تمثیلهای غیرمذهبی است.

در اواخر قرن ۱۲ دو مجموعه دیگر از داستانهای تمثیلی بودایی به وجود آمد با عنوانهای: «هوموتسو شو»<sup>۱۲۳</sup> و «سنجو شو»<sup>۱۲۴</sup> این دو مجموعه مشتمل بر حکایات بسیار کوتاه است که به سبکی ساده و بی‌پیرایه و بدون توصیفات دقیق پیچیده یا چاشنی اشعار مشکل، مفاهیم و معانی ساده‌ای را به خواننده می‌رساند. معهذا، همین داستانهای ساده سرشار از وقایع، نکات اخلاقی، دستورات عملی و مضامین ادبی است که الهام‌بخش نسلهای بعد و حتی نویسندگان عصر کنونی شده است. در این دو مجموعه، با همه نوع آدم از شهری و روستائی و از همه طبقات اجتماعی روبرو می‌شویم و در کنار آنها موجودات فوق‌طبیعی، شیاطین، اشباح و کشیشان رؤوف بودایی را می‌بینیم که در یک دکور و فضای رنگارنگ و متنوع، در گیرودار حوادث و وقایع گونه‌گونه در جنبش و حرکتند. این دو اثر، بیش از هر منبع دیگری تصویر واقعی زندگی روزمره و پر رمز و راز سرشار از تخیلات و اعتقادات عجیب و غریب ژاپنیهای قرون گذشته را نشان می‌دهد.

119. Gôdan — shô      120. Ôe no Masafusa      121. Konjako Monogatari shû

122. Mina moto no takakuni      123. Hômotsu shû      124. Senjû — shô

## قرون وسطی

(از ۱۱۹۲ تا ۱۶۰۳ میلادی)

قرون آرام عصر «هیان»، آرامشی که بدون شک با خشونت‌ها و درگیری‌های محدود محلی همراه بوده، عاقبت با شورش‌ها و عصیان‌ها و جنگ‌های فراگیری به پایان رسید. از ابتدای قرن ۱۱، قبایل نیرومندی در گوشه و کنار مملکت سر برآوردند که هم ثروتمند بودند و هم صاحب لشکر وحشم و زمینهای فراوان هم که در اختیار داشتند از مالیات معاف بود. دولت مرکزی، در مقابل این معافیت مالیاتی وظیفه امنیت ملی و سرکوب کردن شورش‌های محرومین را در شهرها و بنادر برعهده آنها گذاشته بود اما طولی نکشید که همین قبایل بر علیه قدرت دولت مرکزی قیام کردند. جنگجویان قبایل محلی یا «بوشی»<sup>۱</sup> با پشتیبانی از امپراتور و حکام «فوجیوارا»<sup>۲</sup> و خونریزی‌ها و رقابت‌های بین قدرتهای محلی، «میناموتو نو یوری تومو»<sup>۳</sup> توانست عنوان نظامی «شوگون»<sup>۴</sup> را احیا کند و به آن معنای سیاسی ببخشد. بدین ترتیب کم کم تشکیل حکومت داد. حکومت او که به «حکومت چادر» یا به اصطلاح ژاپنی با کوفه مشهور بود، در شهر «کاما کورا»<sup>۵</sup> نزدیک «کیوتو»<sup>۶</sup> شکل گرفت ولی مزاحم

---

1. Bushi      2. Fujiwara      3. Minamoto no yoritomo      4. Shōgun  
5. Bakufu      6. Kamakura      7. Kyōto

امپراطور و دربارش (که بکلی قدرت و نفوذ خود را از دست داده بودند) نشد.

## ۱ - حفظ میراث

دربار امپراطوری فریاد شورش و طغیان را در پشت دروازه‌های پایتخت می‌شنید اما برای مقابله با آن فاقد هرگونه قدرتی بود. لذا، اکنون که شاهد افول قدرت خود در زیر ضربات جبر تاریخ بود، ارزشهایی را سراغ نداشت که برای بقای خود بر آن تکیه کند جز خاطره یک گذشته درخشان و نویسندگان و ادبا اقدام به حفظ میراث این گذشته درخشان و غنی ساختن آن نمودند.

از آثار علمی پژوهشی این دوره می‌توان به آثار فقه اللغه «فوجیوارا نوتایکا»<sup>۸</sup> و فرزندش «تامئی یه»<sup>۹</sup> و یا «آسوکائی ماساآری»<sup>۱۰</sup> اشاره نمود. همچنین نویسندگان مجموعه‌های ادبی «مونوگاتاری» دوباره مضامین، فضای داستانی و قهرمانان رمانهای قدیمی را مطرح می‌سازند.

## «واکا»

واضح است که معتبرترین فعالیت ادبی عصر، توجه به شعر بود. لذا به سرعت مسابقات شعرگویی مجدداً رواج یافت و در سال ۱۲۰۱ امپراطور بازنشسته «گوتوبا»<sup>۱۱</sup> که خود شاعری صاحب قریحه بود کانونی بنام «دفتر شعر» تأسیس نمود و هشتمین «مجموعه شعر» را فراهم آورد. این مجموعه که به امر امپراطور تدوین شد و در سال ۱۳۰۵ خاتمه یافت، عنوانی با مسما داشت: «شین کوکین شو»<sup>۱۲</sup> به معنای «کوکین شوی»<sup>۱۳</sup> جدید. (کوکین شوی یک مجموعه شعری مربوط به قرن دهم بود). معهذ این مجموعه جدید یک سوم ۱۹۷۹ قطعه شعر مجموعه‌های قبلی را نیز شامل می‌شد. «تیکا»<sup>۱۳</sup> یکی از گردآورندگان این مجموعه عقیده دارد که این اثر، نسخه

8. Fujiwara no Teika

9. Tameie

10. Asukai Masaari

11. Gotoba

12. Shinshūkokin

13. Teika

دیگری از اثر قبلی یعنی «کوکین شو» به شمار می‌آید و حتی می‌توان عنوان این اثر را «افکار نوین در قالبهای کهن» ترجمه نمود. در این مورد لازم به یادآوری است که تعداد زیادی (نزدیک به ۱۵) شعر از این مجموعه اشعار موسوم به «هونکا»<sup>۱۴</sup> می‌باشند. «هونکا» نوعی شعر اصیل و مبنایی بود که مورد توجه استادان گذشته بود، اما در این مجموعه، همان قالبها با مضامین نوین ظاهر می‌شوند. بر این قیاس است که «فوجی وارا نوشونزئی»<sup>۱۵</sup> یک شعر از مجموعه «کوکین شو» را با مضمونی دیگر تکرار می‌کند.

کوکین شو	شین کوکین شو
مثل هر سال	بهار
رودخانه «تاتسواتا» <sup>۱۶</sup>	دامن بر چیده و رفته
شاخ و برگهای سرخ را	نمیدانم
با خود می‌برد	با کدام بندر دیدار خواهد کرد
آیا، در مصب	از کوهستان «اوجی» <sup>۱۷</sup>
با پاییز دیدار خواهد کرد <sup>۱۸</sup>	از میان مه غلیظ
	قایقهای مملو از شاخ و برگ مرده
	سرازیر می‌شوند.

در هر دو شعر، تصاویری از زیبایی طبیعی غمناک به چشم می‌خورد. اگرچه برخی، «شین کوکین شو» را آخرین مجموعه بزرگ از نوع ادبی «واکا» به شمار آورده‌اند. اما در واقع آخرین مجموعه نیست بلکه ۱۳ مجموعه دیگر، به دستور امپراتور، تا سال ۱۴۳۹ گردآوری و فراهم شده است. علاوه بر مجموعه‌های شخصی دیگری که با دربار امپراتوری مرتبط نبوده است.

14. Honka 15. Fujiwara no Shunzei

16. Tatsuta 17. Uji

۱۸ - در عین اشتراک درباره‌ای تعبیرات و مضامین، مقابله این دو شعر قدیم و جدید بیشتر برای بیان شباهت در قالب شعری است که بدیهی است، در ترجمه به زبان دیگر پوشیده می‌ماند.

## ۲ - نوسازی قالبها

### «رنگا»<sup>۱۹</sup>

در این زمان، شعر «واکا» جای خود را به یک نوع ادبی دیگر داد: در واقع شعر «واکا» با درهم شکسته شدن اوزان، بخصوص تغییر در بندها (یا به زبان ژاپنی «کو») قالب جدیدی به دست آمد که شاعران، آنرا نوعی «نیمه واکا» نامیدند و از آن استقبال کردند. این وزن جدید را که تعداد هجاهای آن به صورت (۷-۷/ ۵-۷/ ۵-۷) بود «رنگا» نامیدند. همین وزن جدید نیز در مصرعهای طولانی تر نیز بکار رفت و کم کم به صورت یک زنجیره مطولی از بندهای متشکل از سه «کو» نیز رواج یافت. «رنگا»ی بلند از «چورنگا»<sup>۲۰</sup> و «رنگا»ی زنجیره ای را «کوساری رنگا»<sup>۲۱</sup> نامیدند.

اگرچه قالب جدید (رنگا) در ابتدا، توسط اساتید بزرگ به عنوان سرگرمی و تفریح مورد استفاده قرار گرفت، اما در سایه توجه شخصی بنام «نيجو یوشیموتو»<sup>۲۲</sup> که در فاصله های سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۸۰ می زیسته، به تدریج اهمیت و تشخیص کافی کسب کرد. این شخص، جنبه های زیباشناسی این قالب نوین را تبیین نمود، و خود نیز اولین مجموعه شعری «رنگا» را فراهم آورد. بعد از تدوین این مجموعه که عنوان «تسوبوکا شو»<sup>۲۳</sup> را داشت، شعر «رنگا» - که در ابتدا تنها نوعی بازی و تفریح تلقی می شد - رواج فوق العاده یافت و طولی نکشید که ادیبان و کشیشان، به نوعی شعر «رنگا»ی منسجم و عمیق دست یافتند و عاقبت، با تدوین قواعد و ضوابط دقیق برای این نوع ادبی، به صورت منظم ترین قالب شعری ادبیات ژاپن درآمد و از آن برای توصیف و تصویر طبیعت استفاده شد.

### یادداشت. خاطره نویسی. مقاله نویسی

در این عصر هم زنان درباری عادت نوشتن و تنظیم دفتر خاطرات را از دست

ندادند. کتبی که در این زمینه برجای مانده است زیاد است از جمله:

— «میگتسو-کی»<sup>۲۴</sup> اثر «تیکا»<sup>۲۵</sup> (به زبان مخلوط چینی ژاپنی) ۱۲۳۵.

— «ساگا نو کویوجی»<sup>۲۶</sup> اثر «ماساآری»<sup>۲۷</sup> ۱۲۶۹.

— «کینشون مون این نیکی»<sup>۲۸</sup> اثر دختر «شونزهئی»<sup>۲۹</sup> ۱۲۱۹.

— «بن نونایشی نیکی»<sup>۳۰</sup> ۱۲۵۲.

— «ناکاتسوکامسا نونایشی نیکی»<sup>۳۱</sup> بعد از ۱۲۹۲.

و بخصوص کتاب «تووازوگاتاری»<sup>۳۲</sup> به خاطر شخصیت ویژه مؤلف آن «نیجو»<sup>۳۳</sup>. این زن که یکی از زنان حرمسرای امپراتور «گوفوکاکوزا»<sup>۳۴</sup> است. پس از سالها زندگی پر جنجال، به لباس رهبانیت درمی آید و از این معبد به آن معبد و از این کلیسا به آن کلیسا بخشهای عظیمی از ژاپن را زیر پا می گذارد و دیده ها و شنیده ها و سرگذشت خود را با صداقت بیان می کند.

در این دوران، سفرنامه های مزین به ادبیات شعر که به زبان ژاپنی «کیکو»<sup>۳۵</sup> می گویند رواج تام داشت اما لازم به یادآوری است که مؤلفین این نوع کتب، بیش از آن که به فکر گزارش واقعی سفر باشند، با ملاحظه خرابه های گذشته، از بی وفایی دنیا و گذشت عمر و ناپایداری حیات آدمی سخن به میان آورده و از حزن و اندوه و تلخ و شیرین سفر یاد کرده اند و قصدشان از سیر و سیاحت، کشتن وقت بوده است. شاید سیر و سیاحت تنها وسیله ای برای فرار از دیار بوده است زیرا، در این دوران، افول و ازهم پاشیدگی تمدن درخشان «هیان»، مبارزه ها و درگیریهای گسترده برای کسب قدرت و برخی بلیات طبیعی، در هنرمندان و متفکران نوعی احساس بی ثباتی و توجه به ناپایداری جهان (یا «موجو»<sup>۳۶</sup>) ایجاد نمود، چیزی که مؤید تعلیمات صدها ساله «بوداییان» بود. برخی از نویسندگان، نه سیر و سیاحت بلکه کنج عزلت را برگزیدند و حاصل تفکرات و اندیشه های خویش را در

24. Meigetsu — ki      25. Teika      26. Sago no koyoji      27. Masaari

28. Kenshunmon in nikki      29. Shunzei      30. Ben no naishi nikki

31. Nakatsukasa no naishi nikki      32. Towazugafari      33. Nijō      34. Gofukakusa

35. Kikō      36. Mujō

خلوت انزوای خود نوشتند از جمله «کامو نوچه مه ئی»<sup>۳۷</sup> متوفی به سال ۱۲۱۶. این شخص که فرزند دوم کشیشی در معبد «کامو» بود، از جانشینی پدر امتناع کرد و به عزلت روی آورد و کتابی به نام «کوجوکی»<sup>۳۸</sup> نوشت<sup>۳۹</sup>. این کشیش زاده، در کتاب خود، بعد از شرح تیره روزیهای خود، نحوه استقرار خود را در معبد و شیوه زندگی روزمره خود را بر مبنای میل به اعراض از جهان مادی شرح می‌دهد. انسجام مطالب کتاب، استحکام و شفافیت نثر آن، آنرا به صورت کتاب زیبا و دلپذیری درآورده است که در ادبیات ژاپن، اثری شاخص به شمار می‌آید.

یک قرن بعد، اثر دیگری از این دست به وجود آمد. کتابی تحت عنوان «تسورزوره-گوسا»<sup>۴۰</sup> نوشته «اورابه کینگو»<sup>۴۱</sup> «کنکو» نیز که به سال ۱۳۵۰ وفات یافت. فرزند یک خانواده روحانی از فرقه مذهبی «شینتو»<sup>۴۲</sup> بود و به لباس کشیشی درآمد. اثر وی با عنوان «ساعات فراغت» که بدون شک تحت تأثیر «کوجوکی» قرار داشته، مجموعه‌ای از ۲۴۳ پاراگراف است و در آن علاوه بر یادداشتهای گونه‌گون (از قبیل نام گیاهان، مراسم و آداب) و احوال زندگی قبیله خود، نکات اخلاقی فراوانی را همراه با تمثیلات و قصه‌های متنوع مطرح می‌سازد. «کنکو» ضمن بیان تحسّر خود از افول عصر «هیان»، نشان می‌دهد که به هیچ نوع با تجدد و اصلاح زمانه میانه‌ای ندارد و به مسائلی از قبیل روابط زن و مرد، سازمانهای اجتماعی و اعتقادات مردم با نظر شکاکیت و تمسخر برخورد می‌کند. این نویسنده اگرچه می‌بینیم که به کشیشان احمق و از خودراضی می‌تازد و اگرچه شور و هیجان جستجوی هنر زندگی را بر ریاضت ترحیح می‌دهد، در عین حال، اعتقاد راسخ و مطلق به مسلک بودایی دارد و در کتاب خود مکرراً مسأله مرگ را پیش می‌کشد و به انسانها هشدار می‌دهد که زندگی را به بازی و لهو نگذرانند و به فکر نجات روح خود

37. Kamo no Chōmei      38. Kōjō — ki

۳۹- این کتاب تحت عنوان «یاداشتهایی از کلبه یک کشیش عزلت گزیده» ( Notes de ma Caban de moine ) به زبان فرانسه ترجمه شده است.

۴۰- این کتاب با عنوان «ساعات فراغت» ( Heures Oisive ) به زبان فرانسه ترجمه شده است.

41. Urabe Kenkō

42. Shintō



باشند. از نظر زیباشناسی، معتقد به وقار، سادگی و بی‌پیرایگی هنر است و خود بر این قاعده پای بند است. اثر او یکی از جاذب‌ترین آثار ادبی کلاسیک ژاپن به شمار می‌آید.

### ۳ - ظهور یک فرهنگ نوین

فاصله جغرافیایی که پایتخت قدیمی «کاماکورا»<sup>۴۳</sup> مقرر «شوگون»ها را از پایتخت حکومت جدید جدا می‌کرد، آشفتگیهای سیاسی که گاهی امپراتوران را در برابر قبایل «شوگون» قرار می‌داد، موجب دوقطبی شدن ژاپن و تقسیم قدرت در این کشور گشته بود. اما آیا، فرهنگ هم تجزیه شد و به دو گونه مختلف درآمد؟ پاسخ منفی است در زمینه ادبیات، در همه جای این سرزمین آثاری نظیر «کوکین شو»، «ایسه مونوگاتاری» و «گنجی مونوگاتاری» به عنوان شاهکارهای بلا معارض مورد قبول بودند به طوری که در منطقه نفوذ و حکومت قبایل «بوشی» نیز، مردم سعی می‌کردند که آنها را بخوانند و بشناسند.

«شوگون» سوم به نام «میناموتو نوسانه تومو»<sup>۴۴</sup> که در ۱۲۱۹ در سن ۲۷ سالگی به قتل رسید، خود را شاگرد و پیرو «فوجیوارا» و «تایکا» می‌خواند و در اثر خود تحت عنوان «کین کای شو»<sup>۴۵</sup> با حساسیت و تعصب خاصی از آثار شاعران دربار «هیان» شاهد مثال می‌آورد و نقل قول می‌کرد. خاندان «هوجو»<sup>۴۶</sup> که تحت نام و عنوان «شیکن»<sup>۴۷</sup> قدرت را بدست گرفت، ادبیی نظیر «سانه توکی»<sup>۴۸</sup> را پرورش داد، کسی که مجموعه بسیار ارزشمند خطی «کانازاوا بونکو»<sup>۴۹</sup> را فراهم آورد. بدیهی است اکثر این «بوشی»ها از نظر محتوا، نه فرهنگ، نه اخلاقیات و نه مشغولیات درباری را داشت. لذا، این آثار که ترکیبی از ادبیات عصر «هیان» و فرهنگ و هنر توده‌ای بود، به وجود آمد و مقدمه ظهور انواع ادبی نوین شد، از جمله

43. Kamakura 44. Minamoto no sanetomō

45. Kinkai-shū 46. Hōjō 47. Shikken

48. Sanetoki 49. Kanazawa bunko

نوع مشهور به «سوکا»<sup>۵۰</sup> یا «انکی یوکو»<sup>۵۱</sup> که ضمن استفاده از مایه های ادبی هنری «واکا» به بیان مضامین نوین با اشکال ساده تر پرداختند.

### داستانهای حماسی

هیچ اثری، بیش از آثار ادبی مشهور به «هیکه مونوگاتاری»<sup>۵۲</sup> به معنای «گفتار هیکه» نشان دهنده تنوع مضامین ادبیات نوین نیست. در این آثار شرح مبارزات و جنگهای رؤسای قبایل در اواخر قرن ۱۲ به رشته تحریر کشیده شده است.

منشأ و منابع اولیه این آثار معلوم نیست؛ دهها اثر از این نوع در دست است که قدیمی ترین آنها متعلق به ابتدای قرن ۱۳ و جدیدترین آنها متعلق به قرن ۱۴ میلادی است. معتبرترین این متون، نسخه ای است که گویا توسط «کاکوچی»<sup>۵۳</sup> کشیش بودایی (متوفی به سال ۱۳۷۱) سروده شده. بعضی از این آثار به قصد خواننده شدن همراه با نوعی عود (به زبان ژاپنی «بیوا»<sup>۵۴</sup>) سروده شده اند. از این نوع ادبی نسخه های ویژه ای هم برای مطالعه فردی فراهم آمد که در ضمن آن داستانها با تفصیل بیشتر و شاخ و برگ گسترده تر طرح می شوند. بهترین کتاب از این دست، کتابی است به نام «گمپئی جوسوی-کی»<sup>۵۵</sup> متعلق به اواخر قرن ۱۳. همچنین کتاب «هیکه مونوگاتاری»<sup>۵۶</sup> که اثری متعلق به سال ۱۴۴۰ می باشد از شهرت فراوانی برخوردار شد. گفته اند که داستانهای حماسی این اثر را پانصد تا ششصد نقال و شاعر دوره گرد به زبان ژاپونی «بیوا-هوشی»<sup>۵۷</sup> در سرتاسر مملکت منتشر نموده و رواج دادند. کتاب «هیکه-مونوگاتاری»، شرح حال و عاقبت کار سلاطین «تایرا»<sup>۵۸</sup> را بیان می کند:

فصول یک تا پنج کتاب شرح اعتلای این خاندان و رسیدن آن به ذروه افتخار است. سپس بزرگی از این خاندان، «تایرا نو کیوموری»<sup>۵۹</sup> که بین سالهای

50. Sōka 51. Enkyoku 52. Heike-monogatari 53. Kakuichi

54. biwa 55. Gempei Jōsui-ki 56. Heike-monogatari

57. biwa-hōshi 58. Taira 59. Taira noki yomori

۱۱۱۸، ۱۱۸۱ می‌زیسته، وقتی در ۱۱۶۷ به اوج اقتدار رسید، به عنوان «وزیر امور مالیه» دست یافت و دخترش را به عقد امپراتور «تاکاگورا» درآورد. در زمان خود، دو شورش توده‌ای را بیرحمانه سرکوب کرد و معابر «نارا» را به آتش کشید. فصل پنجم کتاب مربوط به سال ۱۱۸۱ است که در طی آن هم امپراتور و هم «کیاموری» از جهان می‌روند. در همین سال اولین پیروزیهای جنگجوی «ژاپن مرکزی» به نام «کیسویوشیناکا»<sup>۶۰</sup>، از خاندان «میناموتو» ثبت شده است و قهرمان اصلی فصول هفتم تا نهم کتاب همین جنگجو است. وی با کسب پیروزیهای پی در پی، خاندان «تایرا» را مجبور به عقب‌نشینی به سوی غرب می‌کند، اما این جنگجوی کم‌نظیر، فرصت بهره‌گیری از فتوحات خود را پیدا نمی‌کند زیرا یکی از عموزادگانش به نام «میناموتو نو یوری تومو»<sup>۶۱</sup> به مقابله او برمی‌خیزد. بعد از سازش با امپراتور بازنشسته «گوشی را کاوا»<sup>۶۲</sup> و کسب عنوان «شوگون»، برادر کوچکتر خود «یاشی تسونه»<sup>۶۳</sup> را به جنگ او می‌فرستد و او را در حدود اوائل سال ۱۱۸۴ از میان می‌برد. فصول ۱۰ تا ۱۲ شرح فتوحات «یاشی تسونه» و قلع و قمع کامل خاندان «تایرا» است به طوری که معدود باقی‌ماندگان این خاندان توقیف و اعدام می‌شوند و بعد از کسب این فتوحات است که «میناموتو» برای حفظ موجودیت خود، برادرش «یاشی تسونه» را از میان برمی‌دارد. در آخرین فصل این کتاب حماسی با آخرین بازمانده این خاندان «تایرا» روبرو می‌شویم که با لحنی مسحورکننده از سرنوشت و عاقبت کار خاندان خود سخن به میان می‌آورد و این فرد باقی‌مانده خاندان «تایرا» دختری بود بنام «کریمون»<sup>۶۴</sup> و بالاخره، این اثر حماسی با مرگ همین دختر در ۱۲۱۳ به پایان می‌رسد.

این اثر به شکل یک سلسله حوادث یا به اصطلاح ژاپونی «دان»<sup>۶۵</sup> ارائه شده است: داستان جنگهایی که تحت عنوان «خاطرات جنگی» به طور شفاهی نقل شده است؛ داستانهای تخیلی که به سبک داستانهای «مونوگاتاری» عصر «هیان»<sup>۶۶</sup> تحریر شده و قصه‌های تمثیلی و اخلاقی که شباهت به «سیتسوا»<sup>۶۶</sup> دارد و همه این

60. Kiso Yoshinaka 61. Minamoto no Yoritomo 62. Goshirakawa

63. Yashitsune 64. Kenreimon 65. dan 66. Setsuwa

حوادث و سرگذشتها به ترتیب تاریخ وقوع نقل شده است. جملات همیشه کوتاه و بی ابهام و روشن بیان شده و گاهی از نوعی آهنگ و وزن ۵ تا ۷ هجایی برخوردار است و بالاخره مجموعه اثر تحت تأثیر یک دیدگاه و تلقی ویژه عرضه می‌شود، دیدگاهی که در مقدمه مشهور کتاب به آن اشاره شده است و آن این که: غرور و سرمنشأ همه ویرانیهاست؛ فکر بودایی «ناپایداری دنیا» که از عاقبت کار خاندان «تایرا» و «یوشیناکا» و «یوشی تسونه» بخوبی ادراک می‌شود؛ روابط انسانیایی که تحت حکومت مشتی حکمران مغرور و مشغول به بازیهای سیاسی، گاه به عملیات قهرمانانه دست می‌زنند و گاه خاضعانه. مراتب وفاداری خود را نسبت به فرماندهان به منصفه ظهور می‌رسانند و بدین سان، در کنار صحنه‌های جنگ و پیکار، ابعاد انسانی از محبت و وفا و علو روح می‌بینیم.

به احتمال قوی در میان سالهای ۱۲۲۰ و ۱۲۵۲ یعنی در زمانی که طراح کتاب «هیکه» ریخته می‌شود، دو اثر دیگر به دست مؤلف همین کتاب به وجود می‌آید. اما آثاری کوتاه‌تر و با دامنه‌ای محدودتر؛ و آن دو کتاب عبارتند از «هوکُن مونوگاتاری»<sup>۶۷</sup> و «هیجی مونوگاتاری»<sup>۶۸</sup> که در آنها به ترتیب شرح احوال و عاقبت کار دو سلسله از حکمرانان به نام «هوکُن» و «هیجی» آمده است.

همراه با آثار حماسی «میناموتو» به دو کتاب دیگر برمی‌خوریم با عنوانهای «سوگا- مونوگاتاری»<sup>۶۹</sup> و «گی کای کی»<sup>۷۰</sup> که نویسندگان آنها شناخته نشده‌اند اما تاریخ تألیف آنها در حدود نیمه دوم قرن ۱۴ است. برخلاف کتابهای سابق الذکر، در این آثار، احوال و سرنوشت شخصیتهای منفردی مطرح است: در کتاب اول مسأله عمل انتقامی دو برادر بنام «سوگا» مطرح است این دو برادر، در سال ۱۱۹۳ بر قاتل پدرشان دست می‌یابند و او را می‌کشند اما خود نیز در این راه از پای درمی‌آیند. کتاب دوم یعنی «گی کای کی» شرح زندگانی جالب و پرنشیب و فراز «میناموتو نو یوشی تسونه» است که در آن بیش از آنچه به فتوحات نظامی این قهرمان پرداخته شود، ذکر وقایع دوران طفولیت و سالهای آخر عمر قهرمان به میان

67. Hōgen... 68. Heiji...

69. Soga... 70. Gikei-ki

می‌آید، زمانی که از دست مأموران برادر خود «یوری موتو»<sup>۷۱</sup> هر روز به گوشه‌ای فرار می‌کرد. این اثر که بسیار پرهیجان و جذاب است، الهام بخش چندین اثر داستانی و نمایشنامه شد.

در این اوضاع و احوال، وقایعی که در مملکت اتفاق افتاد، مایه خلق آثار جدیدی شد. به این معنا که کشور ژاپن، بعد از حدود یک قرن آرامش نسبی تحت حکمفرمایی خاندان «هوجو»<sup>۷۲</sup>، در قرن ۱۴ دوباره صحنه جنگها و نزاعهای سختی شد که داستان آنها در کتاب «تای‌های کی»<sup>۷۳</sup> آمده است. این کتاب که توسط یک یا احتمالاً چند نفر تالیف شده (چون از نام مؤلف یا مؤلفین آن اطلاعی در دست نیست). عنوان عجیب «یادداشت‌های صلح بزرگ» را دارد. این سلسله جنگها، توسط امپراطور «گودایگو»<sup>۷۴</sup> آغاز شد، زیرا، برای باز پس گرفتن قدرت از دست «هوجو» به جنگ متوسل شد. این امپراطور که بین سالهای ۱۲۸۸ و ۱۳۳۹ می‌زیسته، از دست رقیب شکست خورد و تن به تبعید داد. اما طولی نکشید که فرار کرد و به کوهستانهای «یوشینو»<sup>۷۵</sup> پناه برد. در آنجا عده‌ای از طرفداران باوفا و شجاع وی، به او ملحق شدند و بعد از کسب قدرت کافی بر حریف تاخت و در سال ۱۳۳۳ «هوجو» را از تخت به زیر کشید. اگر چه در این موفقیت، دو سردار باوفا به نامهای «نیتا یوشی سادا»<sup>۷۶</sup> و «کوسونوکی ماساشیگه»<sup>۷۷</sup> نقش اساسی داشتند اما در عاقبت کار همین سردار اخیر، علیه ارباب خود قیام می‌کند اما پس از چند جنگ سخت از پادشاه شکست می‌خورد و به قتل می‌رسد. کم‌کم آتش جنگ و فتنه همه را خسته می‌کند و از میان جنگ و ستیزها «یوشی میتسو»<sup>۷۸</sup> با عنوان «شوگون» به پادشاهی می‌رسد و از ۱۳۶۸ عصر جدیدی آغاز می‌شود.

کتاب «تای‌های کی» با نظری از روی امانت به تاریخ عصر خود، توصیفی واقع‌گرایانه از آداب و رسوم جنگجویان و در عین حال چهره و حشمتناک جنگ را توصیف می‌کند. سبکی مستحکم دارد و در آن، مؤلف با ظرافت از اصطلاحات چینی بهره گرفته است. این کتاب مورد اقبال وسیع قرار گرفت و علت این توجه عام

71. Yorimoto 72. Hôjô 73. Taihei-ki 74. Godaigo

75. Yoshino 76. Nitta Yoshisada 77. Kusunoki Masashige 78. Yoshimitsu

بدون شک آن بود که قهرمانان داستان غالباً نمونه‌هایی برجسته از وفاداری و شجاعت بودند که در خوانندگان روحیه شهامت، شرف و حمیت می‌دمیدند. یک نوع نظام اخلاقی و فکری که بعدها مایه و زمینه آثار مشهور به «بوشیدو»<sup>۷۹</sup> شد.

در طول مدت حکمفرمایی خاندان «آشیکاگا»<sup>۸۰</sup> که از سال ۱۳۳۸ تا ۱۵۷۳، یعنی قریب دویست و پنجاه سال طول کشید، شورشهای خشونت‌آمیز متعددی اتفاق افتاد که همه آنها به ضرب شمشیر سه سردار فاتح بزرگ یعنی «اودانبونگا»<sup>۸۱</sup>، «تویوتومی هیده‌یوشی»<sup>۸۲</sup> و «توکوگاوا ای‌یاسو»<sup>۸۳</sup> سرکوب شد. داستان این جنگها و شورشها و عملیات قهرمانانه سرداران این دوران از تاریخ در آثار متعددی حکایت شده است. غالب این داستانها زمینه و مایه سریالهای تلویزیون و سینما شده است. اما به صورت مکتوب خیلی رواج نیافت و تنها مورد استفاده متخصصین ادبیات و تاریخ قرار گرفت.

### رواج و مقبولیت عام «رمان»

در کنار این نوشته‌های تاریخی، ادبیات تخیلی جایگاه مخصوص خود را حفظ می‌کند اما در آشکالی نوین که برای گروه عظیمی از خوانندگان قابل دسترسی باشد. آثار داستانی دوره «موروماچی»<sup>۸۴</sup> را در یک طبقه بندی مبهم تحت عنوان ژانری «اوتوگی زوشی»<sup>۸۵</sup> نام برده‌اند. این نوع آثار باستانی، ظاهراً گاهگاهی توسط نقالان حرفه‌ای اعم از زن یا مرد برای عموم در ملاعام حکایت می‌شده. و آنها، برای القاء هر چه پرهیجان‌تر حکایت از تصاویر و پرده‌هایی استفاده می‌کرده‌اند. از این نوع نوشته‌ها، حدود ۵۰ داستان در دست است که مؤلف و تاریخ تألیف اکثر آنها هنوز معلوم نشده، داستانهایی با مضمونها و محتواهای متنوع. بعضی از آنها به سبک مونوگاتاریهای قبلی نوشته شده‌اند، تعدادی دیگر به نقل داستان گونه افسانه‌های «شینتو» و بودایی پرداخته‌اند. پاره‌ای نیز از مضمون قصه‌های عامیانه بهره گرفته‌اند. برخی از این داستانها بسیار غم‌انگیز است (مانند داستان «یاکوبوئه»<sup>۸۶</sup> همچنین، در

79. bushidō 80. Ashikaga 81. Oda Nobunga 82. Toyotomi Hideyoshi

83. Tokugama Ieyasu 84. Muromachi 85. Otogi-zōshi 86. Yakobue

میان آنها داستانهایی مربوط به عشق بی سرانجام کشیشهای معابد نسبت به نوجوانان تحت تعلیم است و هکذا داستانهای اخلاقی، داستانهای پندآموز. در پاره‌ای از آنها، قهرمانان داستان حیواناتند (مانند کتاب «داستان نوسه»<sup>۸۷</sup> میمون). در بعضی از این حکایات سخن از قهرمانانی است که از میان مردم عوام برخاسته و با زرنگی و ذکاوت و گاهی به کمک بخت و اقبال، خود را بالا کشیده و به صورت افراد ممتازی درمی‌آورند. وجه مشترک همه این داستانهای متنوع، سادگی نسبی آنها، هم از نظر وقایع اتفاقیه و هم از نظر روان‌شناسی قهرمانان است که در یک چهارچوب اجتماعی و فرهنگی، به دور از پیچیدگیهای شخصیتی فردی به زندگی خود ادامه می‌دهند.

از طرف دیگر، در این عصر، گروههای زیادی از نقالان حرفه‌ای وجود داشته‌اند که هر گروه در نوعی از بیان و حکایت و نقلی دست داشته است و اگرچه از تاریخ ظهور و تحول این نوع ادب شفاهی و میزان گستردگی آن اطلاع روشنی در دست نیست اما اشاره‌های تاریخی مربوط به شمایل ساریها و پرده‌داری در گذشته ژاپن خبر از این مقوله می‌دهد و متون حماسی متنوع مورد استفاده این نقالان نیز تا حد زیادی باقی مانده است از قبیل

— متون مشهور به «اوتوگی-زوشی»<sup>۸۸</sup>

— انواع داستانی مشهور به «کوواکا-بوکی یوکو»<sup>۸۹</sup>

— حکایات مشهور به «سکی یوبوشی»<sup>۹۰</sup>

— نوع داستانی «جوروری»<sup>۹۱</sup>

بخصوص نوع اخیر از رواج بیشتر برخوردار بود و نام آن یعنی «جوروری» از نام معشوقه زیبای یک قهرمان داستان عاشقانه به نام «یوشی تستونه»<sup>۹۲</sup> گرفته شده است.

با وجود ابهاماتی که در نحوه فعالیت این گروههای نقلی وجود دارد، اما نقش عمده و سرنوشت ساز آنها را نباید ناچیز شمرد، زیرا، در واقع از طریق کار آنان

87. Nose 88. Otogi-Zōshi 89. Kōwaka-bukiyoku

90. Sekkyō-bushi 91. Joruri 92. Yoshitsune

بود که توده‌های عظیم مردم عادی با ادبیات سنتی وطن خود آشنا شدند.

### ادب نمایشی «نو»

ریشه این نوع ادبی نمایشی را (که مغرب زمین به عنوان هنر اصیل و درعین حال پیچیده ژاپن شناخته شده است) باید در سنت ادب توده‌ای جستجو کرد. در واقع از عصر «کاماکورا»<sup>۹۳</sup> به بعد با گروههایی از بازیگران دوره گرد روبرو می‌شویم که نوعی تأثر را به نام «ساروگاکو»<sup>۹۴</sup> روی صحنه می‌آوردند که اساساً ریشه چینی داشت. این هنر نمایشی مخلوطی از رقص، آواز و پانتومیم همراه با صورتک بود. از یکی از این گروههای نمایشی به نام «یوزاکی-زا»<sup>۹۵</sup> سخن رفته است که در آن بازیگر بسیار ماهری به نام «کیوتسوگو»<sup>۹۶</sup> (۱۳۳۳ — ۱۳۸۴) هنرنمایی می‌کرده و کار او چنان مورد توجه امپراتور «آشیکاگا-یوشی میتسو»<sup>۹۷</sup> قرار گرفت که ثروت زیادی به او بخشید. شرح زندگی و هنر این هنرمند بزرگ را فرزند خود وی به نام «موتوکیو»<sup>۹۸</sup> حکایت کرده است. این شخص نیز که بین سالهای ۱۳۶۳ و ۱۴۴۳ می‌زیسته گویا، در هنر تأثر «نو» از پدر خود نیز پیشی گرفته بود. در هر حال آنچه مسلم است این که همین «موتوکیو» (که بیشتر با لقب وی یعنی «زآمی»<sup>۹۹</sup> شهرت دارد) که به تأثر سنتی «ساروگاکو»<sup>۱۰۰</sup> فرم و سبک نهایی بخشید و آنرا «ساروگاکونونو»<sup>۱۰۰</sup> نامید که امروزه به اختصار از آن با تأثر «نو» یاد می‌کنند. همچنین، تدوین حدود صد نمایشنامه (یعنی تقریباً نصف آثار بجا مانده از این نوع را) به او نسبت داده‌اند. همچنین، این هنرمند بزرگ در بیست مقاله و رساله، مسائل و روشهای صحنه‌پردازی و انتخاب موسیقی را مورد مطالعه قرار داده است. بعد از وی نیز، فرزندش به نام «موتوماسا»<sup>۱۰۱</sup> چندین نمایشنامه تدوین کرد اما ادامه دهنده واقعی و فعال راه «زآمی» دامادش یعنی «کومپارو زنجیکو»<sup>۱۰۲</sup> بود که بین سالهای ۱۴۰۵ و ۱۴۶۹ می‌زیسته، «زنجیکو» هم به شکل و محتوای تأثر «نو» غنا بخشید و

93. Kamakura 94. Sarugaku 95. Yūzaki-za 96. Kiyotsugu

97. Ashikaga Yoshimitsu 98. Motokiyo 99. Zeami

100. Sarugaku no nô 101. Motomasa 102. Komparu Zenchku



هم چندین رساله درباره این هنر نگاشت. کار تحریر و اجرای تأثر «نو» همچنان با رونق تا عصر «میجی» ادامه داشت اما از تعداد حدود ۲۵۰ نمایشی که امروزه موجود است و به وفور اجرا می‌شود، بخش اعظم آن مربوط به عصر «موراماچی»<sup>۱۰۳</sup> است.

ما در اینجا فقط به جنبه ادبی تأثر «نو» می‌پردازیم و حال آن که دو عامل موسیقی و رقص از پایه‌های عمده این هنر به حساب می‌آیند. متن گفتاری این تأثر که اصطلاحاً کتابچه یا «یوک یوکو»<sup>۱۰۴</sup> می‌نامند در واقع بر مبنای قطعات موسیقی اولیه تألیف شده‌اند و در کل نمایش از درجه دوم اهمیت برخوردارند. و همچنین این تأثر، مانند نمایشهای متعارف نیست که در آنها قهرمانان گونه‌گون درگیر مسائل و مشکلات و گره‌گشایی آنها باشند. تأثر «نو» در اطراف یک شخصیت واحد یا «شیت»<sup>۱۰۵</sup> دور می‌زند که در تقابل با شخصیت درجه دومی، ظرفیت و ماهیت خود را آشکار می‌سازد. البته ممکن است آدمهای دیگری، بی‌کلام و صامت در طول نمایش به دلایل مختلفی ظاهر شوند که آنها را «واکی»<sup>۱۰۶</sup> می‌نامند. همین قهرمان مرکزی واحد است که در طول نمایش، در حالی که همیشه صورتی بر چهره دارد، بر طبق موسیقی متن تعیین شده، آواز می‌خواند و نمایش را با رقص خود به پایان می‌رساند. در تأثر «نو» مانند تراژدیهای یونان قدیم گروه همسرایان (گر) نیز وجود دارد اما نقشی در معرفی خلیقات قهرمانان نمایش ندارد و در بازیهای آنها نیز دخالتی نمی‌کند. وظیفه گر در این تأثر فقط تغییر لحن آواز و کلام قهرمان و یا عمق بخشیدن به آن است.

نمایشنامه‌های «نو» مدتها بعد از مرگ «زامی» به پنج نوع طبقه‌بندی شدند و هر اجرای نمایشی کامل «نو» باید یک قطعه کامل از هر یک از این انواع را شامل باشد و ترتیب اجرای آن نیز ثابت و تغییرناپذیر است:

۱ — قطعاتی با آهنگ تند برای بیان شکوه و جلال در شروع نمایش که محتوای آن ستایش یکی از خدایان است. این بخش را «تاکاساگو»<sup>۱۰۷</sup> می‌نامند. این قطعات نمایشی که تعدادشان اندک است گاهی از متن نمایش حذف می‌شوند.

۲ — قطعاتی حماسی — پهلوانی به نام «شورامونو»<sup>۱۰۸</sup> که محتوای آنها غالباً از «هیکه مونوگاتاری» اقتباس می‌شود. بسیاری از قطعات این بخش به ترتیب زیر اجرا می‌شود:

کشیشی دوره گرد یا «واکی»<sup>۱۰۹</sup> به مکانی می‌رسد که صحنه نبردی قهرمانانه بوده است. در این هنگام مردی از اهالی آن ناحیه سر می‌رسد و ماجرایی آن نبرد را حکایت می‌کند، اما به تدریج که سخن می‌گوید آشکار می‌شود که این مرد همانا روح مضطرب و رنجیده همان پهلوانی است که در نبرد کشته شده است. در بخش دوم نمایشنامه. همین شخص با سلاح و لباس رزم آشکار می‌شود و حرکات نمایشی نبرد را تا مرحله مرگ خود بازسازی می‌کند. در این بخش، رقص قهرمان به سبکی نسبتاً پرهیجان و پر قدرت اجرا می‌شود. مراحل این رقص نمایشی را به ترتیب «آتسوموری»<sup>۱۱۰</sup>، «یاری ماسا»<sup>۱۱۱</sup> و «تادانوری»<sup>۱۱۲</sup> می‌نامند.

۳ — قطعات مربوط به شخصیتهای زنان یا «کاتسورامونو»<sup>۱۱۳</sup> که در ضمن آن شخصیتهای افسانه‌ای: «هاگورومو»<sup>۱۱۴</sup> زنان شاعره دربار «هیان» و یا شخصیتهای رمانهای تاریخی مانند «ایزوتسو»<sup>۱۱۵</sup> و «یاگانو»<sup>۱۱۶</sup> ظاهر می‌شوند. در این مرحله این شخصیتهای را می‌بینیم که در زیر بار خاطرات عشقهای بی سرانجام خود شکنجه می‌شوند. رقص بازیگران در این بخش آرام و دلپذیر است.

۴ — قطعات مشهور به «این جهانی» یا «گنزایی مونو»<sup>۱۱۷</sup> که از نظر شکل بیش از سایر بخشها به تأثیر غربی شباهت دارد و از نظر جست و خیز و حرکات مخصوص قابل توجه است. حرکات این بخش نامهای خاص خود دارد مانند «آتاکا»<sup>۱۱۸</sup> و «دوجوجی»<sup>۱۱۹</sup>. جزو همین بخش، تکه‌های کوتاهی مشهور به «قطعات زنان دیوانه» یا «کیوجومونو»<sup>۱۲۰</sup>. در این بخش زنی قهرمان داستان است که او را از فرزند یا شوهرش جدا کرده‌اند و او مثل دیوانه‌ها هذیان می‌گوید و به جستجوی او همه جا را زیر پا می‌گذارد. این حالت جنون و سرگردانی و هذیان گویی

108. Shura-mono      109. Waki      110. Atsumori      111. Yarimasa      112. Tadanori  
113. Katsura-mono      114. Hago-romo      115. Izutsu      116. Yūgao  
117. Genzai-mono      118. Ataka      119. Dōjōji      120. Kyōjo-Mono

را «سومیدا گاو»<sup>۱۲۱</sup> می‌نامند.

۵ — قطعات مشهور به شیاطین یا «کی چی کو»<sup>۱۲۲</sup> این قطعات تأثری غالباً بسیار باشکوه و مفصل است و در ضمن آن یکی از چهره‌های شیطانی موجود در باورهای عامه را می‌بینیم این بخش با رقصهای بسیار باشکوه و پرهیجان همراه است. تأثر «نو»، از واقعیت‌گرایی بسیار فاصله دارد: لباسها، ابزار صحنه، حرکات، همه قراردادی است و بازیگران، همه باید مرد باشند. از نظر متن نمایشی، بخصوص بخشهای غنایی آن به زبانی بسیار ظریف و دقیق نوشته شده است. هدف این نوع تأثر آنست که در ذهن تماشاگر دنیایی صاف و بی درد مجسم کند که وی را مسحور نماید، دنیای پرتلاؤلوی که «زآمی»، در رساله‌های هنری خود آنرا «یوگن»<sup>۱۲۳</sup> یعنی «اعماق سایه‌ها» می‌نامد.

### هنر «کیوگن»

همزمان با تأثر «نو»، تأثر سنتی «ساروگاکو» موجب ایجاد نوعی نمایش کمیک به نام «کیوگن» شد. از این نوع نمایش حدود ۳۶۰ قطعه باقی مانده و نویسندگان آنها معلوم نیست. برخلاف تأثر «نو»، «کیوگن» برمبنای مکالمه و دیالوگ استوار است و در آن تپهای گوناگون اجتماع با طنز و تمسخر تصویر می‌شوند و شخصیت‌های آن شباهت به آدم‌های نمایشی کم‌دیه‌های قرون وسطی دارد: اربابها و فئودال‌های کندذهن ابله، خدمتکارهای زیرک و حقّه‌باز یا زودباور و ساده... اما برخلاف تأثر کمیک قرون وسطی، جنبه طنزآمیز و خنده‌آور تأثر «کیوگن» کمتر در رفتار و خُلقیات قهرمانان و بیشتر در کلمات و نکته‌های زبانی، موقعیتها و حرکات منعکس شده است.

## عصر «توکواوا» (Tokugawa)

۱۸۶۷ - ۱۶۰۳

سردار جنگجوی مشهور «توکواوا ایاسو»<sup>۱</sup> پس از آنکه در اوایل قرن هفده، فنودالهای شورشی را سرکوب کرد، توانست حاکمیت سیاسی ژاپن را در انحصار خود بگیرد. آنگاه در ۱۶۰۳ با کسب عنوان «شوگون»<sup>۲</sup>، یک سلسله امپراطوری را بنیان گذاشت و اخلاف او توانستند تا اواسط قرن ۱۹ همچنان قدرت خود را حفظ کنند. در زمان سلطه این سلسله امپراطوری، پس از چند جنگ داخلی بین حکومت مرکزی و ملاکین بزرگ، بالاخره کنترل کامل امپراطور بر همه نواحی مملکت تحقق یافت. در این شرایط بود که برای اولین بار یک نظام ایدئولوژیکی منسجم اخلاقی، اجتماعی و سیاسی بر مبنای تعالیم کنفوسیوس شکل گرفت و دولت به اشاعه و تعلیم آن همت گماشت. نظامی عقیدتی - سیاسی که در آن هم مسائل جامعه و هم وظیفه یکایک افراد جامعه بروشنی مطرح شد. با تقویت این نظام فکری، ایدئولوژیهای وارداتی بیگانه به تدریج از صحنه اجتماع و آموزش ملی طرد شد و مرزهای جغرافیایی و فرهنگی، بر روی نفوذ بیگانه بسته شد. اگرچه این جامعه بسته

---

1. Tokugawa. 2. Shōgun

و منزوی می‌بایست منطقاً به مرور زمان دچار تحجر و عقب افتادگی و زوال شود، برعکس، چنین نشد و جامعه نوین در سایه وجود دو عامل زیر، بسوی ترقی و پیشرفت، گام برداشت و خود را برای عصر فعال و پرتحرک «میجی» آماده نمود. این دو عامل عبارت بودند از:

- پیشرفت اقتصادی در سایه ایجاد امنیت ملی.
- وجود قطب‌های غیرسیاسی رقیب در داخل (مثلاً تقابل ناحیه «کامیگاتا»<sup>۳</sup> به عنوان یک کانون درخشان فرهنگی و اقتصادی و ناحیه «ادو»<sup>۴</sup> که مرکزی پرتحرک و محل تمرکز قدرت سیاسی «شوگون»<sup>۵</sup> ها بود).
- وجود دو قطب مخالف در حوزه سیاسی (از یک طرف جنگجویان و نظامیان که قدرت سیاسی را در دست داشتند و سرمایه داران غیرنظامی که قدرت اقتصادی را به خود منحصر کرده بودند).

در این زمان با استفاده از صنعت چاپ و اجرای برنامه‌های وسیع سوادآموزی، سطح آموزش عمومی بسرعت بالا رفت، به طوری که، سواد عمومی و آموزش، در اواخر قرن هجده تمام کشور را زیر سلطه خود گرفته بود. آنگاه است که می‌بینیم ژاپن به صورت صحنه پرجوش و خروشی از برخورد آراء سیاسی و مذهبی درمی‌آید. علم و تفکر مغرب زمین با جدیت مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد (نهضت «رانگاکو»<sup>۶</sup>) و حتی می‌توان این مقطع را یک نوع عصر روشنگری<sup>۷</sup> در تاریخ ژاپن به شمار آورد با این تفاوت که در ژاپن، مانند اروپا مبانی قدرت و ساختار جامعه زیر سؤال نرفت زیرا آن دسته از روشنفکران پیش‌تاز انقلابی که قابل مقایسه با اصحاب دائرةالمعارف<sup>۸</sup> در فرانسه باشند، از استقلال فکری برخوردار نبودند. بلکه خود در خدمت امپراطوران «شوگون» روزگار می‌گذاشتند، از قبیل «آرای هیاکاسه کی»<sup>۹</sup> و «هیراگا گنایی»<sup>۱۰</sup> حاصل این دوره جوشش ادبی و فکری، علاوه بر آثار متعددی به زبان مخلوط چینی — ژاپونی، تألیفات زیادی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

3. Kamigata 4. Edo 5. Rangaku 6. Siecle des Lumières

7. Encyclopedistes 8. Arai Hakuseki 9. Hiraga Gennai

— مجموعه قصه‌های عبرت‌آمیز و وصایای «یاماموتو تسونه‌تومو»<sup>۱۰</sup> تحت عنوان «هاگا‌کوره»<sup>۱۱</sup> که در سال ۱۷۱۶ تحریر نمود. اثری عمده که در حکم انجیل ادبی عصر بود و تأثیر آن روی نویسندگان بعدی تا مدت‌ها باقی ماند و حتی به قرون جدید رسید. از نویسندگان بزرگ عصر جدید که تحت تأثیر «هاگا‌کوره» قرار داشتند باید «می‌شی ما یوکیو»<sup>۱۲</sup> را نام برد.

— کتاب «خاطرات یک سیاستمدار» اثر «آرای‌ها کوسه‌کی» که قهرمان داستان در آن خود نویسنده است و در سال ۱۷۳۵ تألیف شده است. عنوان کتاب به زبان ژاپنی «اوریتاکوشیبا نوکی»<sup>۱۳</sup> است.

همچنین در این عصر باید از نهضت «پژوهشهای ملی» یاد کنیم که عکس‌العملی در مقابل موج شدید چین‌گرایی یا «کانگا‌کو»<sup>۱۴</sup> و رواج گسترده تعلیمات کنفوسیوس به شمار می‌آید. نهضت پژوهشهای ملی موجب ایجاد جریان شدیدی در زمینه تجزیه و تحلیل فلسفی آثار کلاسیک و سنتی ژاپن شد. نویسندگان وابسته و دلبسته به این نهضت یعنی «پژوهشهای ملی»، با مطالعه دقیق متون ادب کلاسیک، بر جوهر ژاپنی آنها تکیه نمودند و برخلاف جریان «پوزیتیویسم» رایج، ارزش معنوی و ذهنی شعر و رمان را. به عنوان دو وسیله‌الای بیان اندیشه، دیگر بار مطرح ساختند و تلاش نمودند که سلطه تعلیمات کنفوسیوسی و بودایی را در سنجش آثار ادبی به حداقل کاهش دهند. از میان این دسته از نویسندگان و ادبا و منتقدین می‌توان نامهای زیر را یادآور شد:

— «کیچو»<sup>۱۵</sup> ۱۷۰۱ — ۱۶۴۰

— «کادا نو آزومامارا»<sup>۱۶</sup> ۱۷۳۶ — ۱۶۶۹

— «کامونو مابوچی»<sup>۱۷</sup> ۱۷۶۹ — ۱۶۹۷

— «موتوئوری نوریناگا»<sup>۱۸</sup> ۱۸۰۱ — ۱۷۳۰

از میان این افراد، بخصوص اثر عمده «نوریناگا» تحت عنوان «گنجی»

10. Yamamoto Tsunetomo

11. Hagakure

12. Mishima Yukio

13. Oritakushiba no ki

14. Kangaku

15. Keichu

16. Kada no Azumamara

17. Kamo no Mabuchi

18. Motoori Norinaga

مونوگاتاری تامانو اوگوشی»<sup>۱۹</sup> که در سال ۱۷۹۹ به رشته تحریر کشید اهمیت ویژه دارد. این مدافعان «پژوهشهای ملی» در زمینه های زیر، با نویسندگان مدرن وجه مشترک دارند:

- توجه و حساسیت به ساختار زبانی اثر ادبی.
  - غور در ویژگی اثر ادبی
  - توجه به محتوای اثر ادبی با عنایت به مقطع و شرایط تاریخی خلق آن
  - سعی در حفظ استقلال اندیشه و رهایی از ایدئولوژیهای حاکم
  - توجه به دنیای عاطفی و عشقی و علایق مذهبی قهرمانان.
- با وجود آزاداندیشی این نسل از نویسندگان نباید از نقاط ضعف کار آنها نیز غافل بود از جمله: نوعی آرمان گرایی ساده لوحانه به همه آثار گذشتگان و یا افراط در ستایش سنتهای ژاپنی. همین دو نقطه ضعف، در نسل بعد، مورد سوءاستفاده سیاسی قرار گرفت که نمونه بارز آن را در آثار «هیراتا آتسوتانه»<sup>۲۰</sup> که بین سالهای ۱۷۷۶ و ۱۸۴۳ می زیسته مشاهده می کنیم.

## ۱ — رمان

در آخر قرن ۱۹ محققین، بخش اعظم آثار متعلق به ۶۰ ساله اول قرن ۱۷ را تحت عنوان «کانا زوشی»<sup>۲۱</sup> به معنای «کتب تحریر شده با حروف هجایی» یاد می کنند. این آثار، در زمره «اوتاگی زوشی»<sup>۲۲</sup> به شمار می آیند که شامل انواع زیربند: — آثاری با سلیقه سنتی مشتمل بر داستانهای پرهیجان عاشقانه از قبیل: «اوامی نوسوکه»<sup>۲۳</sup> و «اوسویوکی مونوگاتاری»<sup>۲۴</sup>.

— رمانهای پندآمیز مانند «شی چی نین بیکونی»<sup>۲۵</sup>

19. Genji-monogatari tama no ogushi

20. Hirata Atsutone

21. Kana zōshi

22. Otogi-Zōshi

23. Urami no suke

24. Usuyuki monogatari

25. Shichinin bikuni

— مجموعه قصه های اخلاقی (آنکدوت)<sup>۲۶</sup> مانند «ایزوپو-مونوگاتاری»<sup>۲۷</sup> که ترجمه ای است از قصه های «ازوپ» داستان سرای یونانی که مایه های کمیک آن را تقویت کرده اند و به نام های «نیهه مونوگاتاری»<sup>۲۸</sup> و «اوکی یو مونوگاتاری»<sup>۲۹</sup> داده اند.

— سفرنامه ها اعم از این که به منظور استفاده سیاحت و جهانگردی تألیف شده باشد (همراه با افسانه ها و حکایت های متنوع مربوط با اشخاص و مکانها) نظیر کتاب «توکایدو میشی کی»<sup>۳۰</sup> اثر «آسای ریویی»<sup>۳۱</sup> یا نوشته های خیالی مربوط به سفرهای دور و دراز یک قهرمان مانند کتاب «چیکوسای»<sup>۳۲</sup>.

در این نوع آثار است که بیش از پیش به مسائل دنیوی، زندگی روزمره مردم بخصوص مردم بیچاره و ستم دیده توجه شده است و دستمایه ای برای رمانهای رئالیستی بعدی قرار می گیرند.

### ظهور رمانهای اجتماعی

در اواخر قرن ۱۷ یک نوع ادبی با اختصاصات دقیق به وجود آمد که امروزه به نام «اوکی یو-زوشی»<sup>۳۳</sup> نامیده می شود. کلمه اول که یک واژه بسیار قدیمی است، یک واژه بودایی است به معانی «جهان غم زده»، «جهان موج» جهانی پر از تصورات فریبنده که مؤمن باید خود را از آن برکنار دارد. اما در عصر درخشان و باشکوه مشهور به عصر «گین روکو»<sup>۳۴</sup> یعنی در فاصله اواخر قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸، معانی مختلف این واژه متحول شد: در حدود سال ۱۶۶۰ «آسای ریویی» با تکیه بر ناپایداری جهان، به مردم زمانه خود نصیحت می کند که تردید و وسوسه ها را کنار بگذارند و از لذایذ عمر زود گذر بهره مند شوند. در این زمان بود که کلمه «اوکی یو» به معنای عشرتکده ها، تماشاخانه ها و نظایر آن به کار گرفته شد. رمانهای «اوکی یو-

26. Anécdote 27. Isopo-monogatari 28. Nise...

29. Ukiyo... 30. Tôkaidô meisho-ki 31. Asai Ryôji

32. Chikusai 33. Ukiyo-zôshi 34. Genroku



زوشتی» به این چهره از جامعه پرداخت و آنرا تصویر نمود. در همه آثار «آسای ریویی» عیاشی و هرزگی به منزله «هنر زیستن» تلقی شده و غالب آثار او به صورت صحنه های غیر اخلاقی ارائه شده اند: (روابط جنجالی عاشقانه، جنایات هوس آلود، خودکشی دسته جمعی یا دو نفره...).

در این عصر رمانهای درباری یا حماسه های کهن با طول و تفصیل و پرگویی بیشتر باز نویسی می شود. نوشته های ادبی به صورت مجموعه ای هفت رنگ خودنمایی می کنند. از نوع ادبی «واکا» استفاده می شود اما با واژه های مبتذل و بی ارزش، واژه های عامیانه مربوط به مشاغل و حرف وارد ادبیات می شود، از خطابه های رسمی مذهبی کنفوسیوس تقلید می کنند. جزوه های داستانی «اوکی یو- زوشتی» به تدریج مصور هم می شوند تا حدی که نه به صورت کتاب بلکه به صورت چیزی شبیه آلبوم عکس درمی آید.

این نوع آثار، با رمانهای «ایهارا سایکا کو»<sup>۳۵</sup> آغاز شد. از زندگی این نویسنده تقریباً هیچ اطلاعی در دست نیست جز آن که در سال ۱۶۴۲ در یکی از خانواده های ثروتمند شهر «اوزاکا» چشم به جهان گشود و در ایام جوانی به سوی نوع ادبی «های کای»<sup>۳۶</sup> روی آورد و در آن استادی و شهرت زیادی کسب کرد. ظاهراً در سن سی و چهار سالگی از امور محوله دست می کشد، و در سال ۱۶۸۲ اولین اثر منشور خود را تحت عنوان «کوشوکو ایچیدای اوتوکو»<sup>۳۷</sup> به معنای «سرگذشت مرد عیاش» اثری که به یکباره موجب ایجاد یک نوع ادبی تازه می شود. این نویسنده تا آخر عمر خویش، یعنی ۱۶۹۳، حدود بیست رمان از نوع «اوکی یو- زوشتی» به رشته تحریر درآورد که همه آنها تقریباً بر یک مضمون واحد استوار بودند.

اگر از مجموعه های داستانهای عبرت آموز (آنکدوتهای) عجیب این نویسنده، نظیر کتاب «سایکا کو مشوکوکو هاناشی»<sup>۳۸</sup>، در سال ۱۶۸۵ بگذریم، سایر آثار نویسنده را به سه گروه می توان تقسیم کرد:

۱ - داستانهای عاشقانه یا به زبان ژاپنی «کوشوکو مونو»<sup>۳۹</sup> که گاهی به

35. Ihara Saikaku 36. Haikai 37. Kôshoku Ichidai-otoko

38. Saikaku Shokoku Hanashi 39. Kôshoku-mono

تصویر و تجسم آدمهای هرزه و عیاش می‌پردازد نظیر «سرگذشت مرد عیاش» (این کتاب را در واقع نسخه بدل مبتذل و هرزه یک اثر با ارزش از ادبیات «گنجی مونوگاتاری»، یعنی کتاب «کوشوکو نیدای اوتوکو»<sup>۴۰</sup>، که در سال ۱۶۸۲ نوشته شده می‌توان به‌شمار آورد). و گاهی نیز به عشق بی‌سرانجام و پراشک و آه زوجهای جوانی می‌پردازد که در مقابل اخلاق و آداب اجتماعی رایج قد علم می‌کنند و از درِ ناسازگاری درمی‌آیند. نمونه بارز این نوع رمان، کتاب «کوشوکو گونین اونّا»<sup>۴۱</sup> به معنای «سرگذشت پنج زن دل‌باخته» نوشته شده به سال ۱۶۸۶. گاهی نیز به انحرافات جنسی در میان جنگجویان پرداخته است، که نمونه این نوع رمان، کتاب «نانشوکو اوکاگامی»<sup>۴۲</sup> به معنای «قصه عشقهای سامورایی» است که به سال ۱۶۸۷ تألیف شده است. مضمون دیگری نیز که در آثار این نویسنده مشاهده می‌شود، سرخوردگی زنانی است که در عشقبازی و کامجویی افراط می‌نمایند. نمونه آن، رمان «کوشوکو ایچیدای اونّا»<sup>۴۳</sup> به معنای «سرگذشت یک زن کامجو» (۱۶۸۶). در همه این داستانها، طیفی وسیع از عشق و کامجویی مطرح است، از عشق پاک و مقبول گرفته تا هرزگی و انحراف.

با وجود درک عمیقی که از ضمیر انسان دارد، معهذاً، این نویسنده (سایکاکو)، در آثار خود، هیچگاه یک لبخند و یا اشاره‌ای ملاطفت‌آمیز از سرغفویا توجیه اعمال انسانی بروز نمی‌دهد. در آثار وی، دقت در توصیف حالات، چالاکی در بیان حادثه، سرعت و پیوستگی در حدوث وقایع، از اختصاصاتی به‌شمار می‌آیند که پایه سبک «های کای» شد. منتقدین در این نکته متفق القولند که داستانهای «سایکاکو» در زمینه آداب و طرز تفکر جنگجویان، کمتر جذابیت دارد زیرا وی آشنایی چندانی با این طبقه سنتی ژاپن، نداشت. رمانهایی که در این مقوله نگاشته‌اند عبارتند از:

— «بودو دنرای کی»<sup>۴۴</sup> ۱۶۸۷.

— «بکه گیری مونوگاتاری»<sup>۴۵</sup> ۱۶۸۸.

40. Kôshoku midai-Otoko

41. Kôshoku gonin-onna

42. Nanshoku Ôkagami

43. Kôshoku ichidai-onna

44. Budô denrai Ki

45. Buke giri monogatari

در عوض، شناخت وی از روحیه و خلییات اشراف و ثروتمندان و مردم عادی ناحیه اوزاکا، بسیار عمیق است و موجب جاذبه و ارزش داستانهای وی شده است. دو نمونه خوب این نوع آثار عبارتند از:

— «نیون ای تای گورا»<sup>۴۶</sup> ۱۶۸۸.

— «سه کن مونه زان یو»<sup>۴۷</sup> ۱۶۹۲.

در این نوع آثار است که وی قدرت نفوذ پول، راههای کسب ثروت، چهره آدمهای کوچه و بازار، بخصوص مردم فقیر و بی پناه را با مهارت توصیف می کند و بی پرده پوشی به بیان همه عیوب اخلاقی و فکری و انحرافات آدمهای داستان می پردازد و در این کار بی اندازه دقت و وسواس دارد. تا آنجا پیش می رود که در ۱۶۸۶ جزوه ای تحت عنوان «بیست نمونه فساد در کشور ما» انتشار می دهد که عنوان ژاپنی آن «هونچونیجو فوکو»<sup>۴۸</sup> است. هیچکس بهتر از «سایاکو» دو رکن اساسی عصر خویش (یعنی سکس و پول) را توصیف نکرده است، بدون آن که مجبور به استخدام زبان و بیانی بی پروا و قبیح شود و لذا ارزش آثار وی — حتی در عصر ما — قابل اعتناست.

فعالیت های شدید برخی کتاب فروشهای ژاپن نظیر بنگاه «هاچی مونجی - یا»<sup>۴۹</sup> در شهر «کیوتو» موجب استمرار شهرت و محبوبیت آثار ادبی «اوکیو - زووشی» تا حدود سال ۱۷۶۰ شد. در اینجا لازم است از یک نویسنده بزرگ یعنی «اجیما کی سی کی»<sup>۵۰</sup> نام ببریم که بین سالهای ۱۶۶۷ و ۱۷۳۶ می زیسته است. دو اثر وی، بویژه، از نظر مهارت در تصویر مردم زمانه و قدرت مشاهده وقایع و درک و نکته سنجی و طنزیابی نویسنده حائز اهمیت است، این دو اثر عبارتند از:

— «سیکن موسوکو کاتاگی»<sup>۵۱</sup> ۱۷۱۵.

— «سیکن موسومه کاتاگی»<sup>۵۲</sup> ۱۷۱۷.

ادبیات «یومی هون»<sup>۵۳</sup> — در گیرودار شکوفایی و رواج متون داستانی که

46. Nippon citai gura      47. Seken mune zan yō      48. Honchō nijū fukō

49. Hachi monji-ya      50. Ejima kiseki      51. Seken musuko katagi

52. Seken musumekatagi      53. Yomi-hon

در خلال قرن ۱۸ و نیمه اول قرن ۱۹، به نوعی آثار ادبی بنام «یومی هون» به معنای «کتابهای خواندنی» برمی‌خوریم این عنوان به داستانها و قصه‌هایی اطلاق می‌شد که صبغه و مایه «ادبی» داشت (برخلاف کتابچه‌های مصور قصه‌ای که بعداً از آن یاد خواهیم کرد). نویسندگان این نوع آثار ادبی، به سوی ادبیات تخیلی بازگشتند، ادبیاتی ملهم از رمانهای چینی و افسانه‌های کهن ژاپنی. در این نوع ادبی، بنگاههای انتشاراتی اوزاکا آثار زیر را پخش نمودند.

— کتاب «هانا بوسا زوشی»<sup>۵۴</sup> اثر «کین رو گیوجا»<sup>۵۵</sup>

— کتاب «نیشی یاما مونوگاتاری»<sup>۵۶</sup> اثر «تاکه به آیاتاری»<sup>۵۷</sup>

— کتاب «هونچو سوی کودن»<sup>۵۸</sup> اثر همان نویسنده.

— و بخصوص آثا رمختلف «اودا آکیناری»<sup>۵۹</sup>.

نویسنده اخیر یعنی «آکیناری» (۱۸۰۹ — ۱۷۳۴) در شهر اوزاکا متولد شد. وی پسر خوانده یک تاجر بزرگ بود که بعد از مرگ ثروت و تجارتخانه عظیمی برای وی به ارث گذاشت اما نه در کار تجارت توانست لیاقتی نشان دهد و نه در تحصیل رشته پزشکی (که به مدت کوتاهی دنبال کرد). وی از همان اوان نوجوانی به سوی مطالعات ادبی روی آورد و به سوی نویسندگی گرایش پیدا کرد به طوری که در ایام جوانی چند مقاله تحقیقی درباره نویسندگان کلاسیک نوشت و نیز اشعار و نوشته‌های طنزآمیزی نیز تألیف نمود. اما آنچه مایه اصلی شهرت وی شد دو مجموعه داستان بود:

— کتاب «اوگتسو مونوگاتاری»<sup>۶۰</sup> به معنای «قصه‌های باران ماه» ۱۷۷۶.

این کتاب مجموعه ۹ قصه تخیلی است که از سنن ادبی چین و ژاپن اقتباس شده است.

— کتاب «هاروسامه مونوگاتاری»<sup>۶۱</sup> به معنای «قصه‌های بارانهای بهاری»

۱۸۰۹. این کتاب مجموعه ۱۰ قصه است که از تاریخ ادب ژاپن الهام

54. Hana Busa zōshi

55. Kinro Gyōja

56. Nishiyama monogatari

57. Takebe Ayatari

58. Honchō Suikoden

59. Ueda Akinari

60. Ugetsu monogatari

61. Harusame-monogatari

گرفته است.

این قصه‌ها، هم از نظر زبان و بیان و هم از نظر مضمون و محتوا، ارزشی پایدار و جاودانه داشته و در شمار آثار کلاسیک ادب آن عصر به‌شمار می‌آید و شایسته است به عنوان نمونه و سرمشق یک نشر شیوای داستانی همواره در مد نظر باشد.

ادبیات «یومی هون» بویژه در شهر «ادو»<sup>۶۲</sup> که در اواخر قرن ۱۸ به صورت یک مرکز فعال فرهنگی درآمده بود، شکوفا شد. یک علت شکوفایی این نوع ادبی آن بود که در همان عصر، امپراطور «کانسه ئی»<sup>۶۳</sup> دست به یک رفرم فرهنگی زد: وی با استقرار نوعی سانسور اخلاقی مانع از انتشار آزادانه کتب غیراخلاقی و رمانهای با مضامین عشق ناپاک و انحرافی شد و لذا، او با نویسندگان و هنرمندان به سوی ادبیات تخیلی روی آوردند و مضامین کلاسیک شامل فضایل اخلاقی و عملیات جوانمردان و جنگجویان مردم دوست و با تقوا را زنده نمودند. در چنین شرایطی بود که داستان نویسان، دنیای خیالی و ایدآلی خود را در قالب رمانهای بسیار بلند تصویر نمودند و دامنه تخیل و تصوّر خود را هر چه توانستند گسترش دادند و آثاری از قبیل رمان چینی «شوی هوژوان»<sup>۶۴</sup> خلق کردند که عنوان ژاپنی آن «سویی کودن»<sup>۶۵</sup> است به معنای «در ساحل». تغییر ظاهر و باطن قهرمان، عوضی گرفتن افراد به جای یکدیگر (به فرانسه کیپروکو)<sup>۶۶</sup> عملیات خارق العاده و عجیب، تغییر سریع وضع و شرایط وقوع حوادث، از اختصاصات این نوع رمانها بود که خوانندگان می‌پسندیدند زیرا در لابلای آنها قهرمانان و شخصیت‌های محبوب تأثیر اواخر قرن ۱۷، یعنی تأثیر «کابوکی» را باز می‌یافتند. نوع ادبی «یومی هون» به عنوان آثار طنز زننده، اثر خود را در سرتاسر ادبیات ژاپن برجای گذاشت و حتی اثر آن تا زمان معاصر از جمله در آثار نویسنده بزرگ «میشیما یوکیو»<sup>۶۷</sup> متوفی به سال ۱۹۷۰ باقی است. بدون آن که در اینجا به تأثیر آن در فضاها و مضامین تأثیر و سینمای معاصر اشاره کنیم، از میان بزرگان و صاحبان آثار در این نوع ادبی، نامهای زیر قابل ذکرند:

62. Edo 63. Kansei 64. Shuihuzhuan 65. Suikoden

66. Quiproque 67. Mishimo Yukio

— «سانتو کیودن»<sup>۶۸</sup> (۱۷۶۱ — ۱۸۱۶) مؤلف کتاب «ساکورا- هیمه زندن آکه بونوسوشی»<sup>۶۹</sup> تألیف شده در ۱۸۰۵.

— «کیوکوته ئی باکین»<sup>۷۰</sup> (۱۷۶۷ — ۱۸۴۸) مؤلف کتاب «چینستسو یومی هاری زوکی»<sup>۷۱</sup> تألیف شده در مدت پنج سال از ۱۸۰۶ تا ۱۸۱۰ و نیز کتاب «نانسو ساتومی هاکن دن»<sup>۷۲</sup> تألیف شده در ۱۸۱۴.

**فریحه کمدی سازی** — در قرن ۱۸ شاهد ظهور آثاری ادبی هستیم که هم مایه کمدی دارد و هم رئالیستی و مردمی است. منظور از مردم، طبقه شهرنشین است و آلا روستائیان — که در آن زمان حدود ۸۰٪ کل جمعیت کشور را تشکیل می دادند — در این آثار تصویر نشده اند و منظور از رئالیسم، نه آن هنری است که عمق جامعه و قوای محرکه تحول اجتماعی را بیان می کند، بلکه، تنها اشاره ای است به حوادث روزمره زندگی گروه های اجتماعی و بیان حرفها و دردلها و شادیهها و غمهای ظاهری آنها.

در این نوع ادبی، باید قبل از هر چیز به گروه آثار معروف «شاره- هون»<sup>۷۳</sup> اشاره کنیم. («شاره» هم به معنی «مدروز» و هم به معنای «شیرین و سرگرم کننده» است). موطن اصلی این نوع آثار ناحیه «اوزاکا» است اما در واقع، در نیمه دوم قرن ۱۸ در «ادو» شکوفا شد. مضمون عمده این آثار، که آثار کوتاه و موجز است، بیان مکالمات قهرمانان، از تیپهای مختلف اجتماعی است. فضا و محیط مراکز عیش و تفریح نقش عمده ای در این آثار دارد، نه این که نویسنده قصد شرح وقایع دور از عفت و عصمت داشته باشد. بلکه اصولاً این مراکز، از نقاط فعال تجمع و زندگی طبقات مختلف بوده است. از مردم شهرستانی به ثروت رسیده در شهر گرفته تا سامورایی که از لباس جنگجویان به درآمده است، از ثروتمندان و پیشه وران گرفته تا اداره کنندگان مراکز فساد و زنان هرجایی تیره بخت گرفتار استثمار آنان. از این وقعه آثار بزودی یک شاخه از آثار صرفاً کمیک تحت عنوان «هوکی».

68. Santô Kyoden

69. Sakura hime zenden akebono sôshi

70. Kyokutei Bakin

71. Chinsetsu Ymihari zuki

72. Nansô satomi hakkenden

73. Share-hon

هون»<sup>۷۴</sup> جدا شد که با تفصیل و دقت بیشتری به تصویر طبقات اجتماعی پرداخت. «هوکى - هون» به معنای «کتابهای خنده دار» است. یکی از مشهورترین آثار این نوع کتاب «فوریوشیدوکن دن»<sup>۷۵</sup> است که در سال ۱۷۶۳ نوشته شده. عنوان این کتاب به معنای «سرگذشت عاشقانه شیدوکن» است. مؤلف کتاب شخصی است به نام «فوری سانجین»<sup>۷۶</sup> که در واقع نام مستعاریکی از نویسندگان مشهور دائرة المعارف، یعنی «هیراگا گنای»<sup>۷۷</sup> که بین سالهای ۱۷۲۹ و ۱۷۸۰ می زیسته است. «گنای» با زبانی، هم حماسی و هم مضحک، به تألیف رمانها و قصه های اخلاقی و فلسفی دست زد که در آن همه طبقات اجتماعی را به شلاق طنز می بندند. از دانایان کنفوسیوسی و کشیشان بودایی گرفته تا اطباء بی سواد، مردم عیاش و چینیهای از خودراضی و متفرعن و غیره... آثاری که بُرد کمیک آنها قابل ملاحظه است. یکی دیگر از اساتید این نوع ادبی «جی پن شا ایکو»<sup>۷۸</sup> است که بین سالهای ۱۷۶۵ و ۱۸۳۱ می زیسته است. اثر عمده وی کتابی است تحت عنوان: «توکایدو - چوهیزاکوریگه»<sup>۷۹</sup> تحریر شده در مدت ۲۰ سال یعنی از ۱۸۰۲ تا ۱۸۲۲. ایکو، که ابتداء در «ادو» و سپس در «اوزاکا» یک زندگی آواره کولی وار داشت، ابتدا آثاری از نوع «شاره - هون»<sup>۸۰</sup> نوشت ولی بعدها آثاری از نوع «یومی - هون» نیز به رشته تحریر درآورد. در این زمان هم، «ایکو» دوباره رو به سوی قصه های سفرنامه ای می آورد، نوعی ادبی که قرنهای مورد توجه و اقبال بوده است. در داستان این سفر که به سوی شهر «توکایدو» است، با دو قهرمان کمیک مواجه می شویم به نام های «کیتا»<sup>۸۱</sup> و «یاجی»<sup>۸۲</sup>. این دو قهرمان تقریباً لورل و هاردی ژاپن به شمار می آیند، قهرمانی ساده لوح که در عین حال همه را دست می اندازند، دست به مسخرگیهای می زنند که مآلاً دودش به چشم خودشان می رود. به سبب موفقیت بسیار گسترده این اثر - که فوق العاده خنده دار است - بسیاری سعی کردند آثاری نظیر آن به وجود آورند. رواج فوق العاده آن موجب شد که خود «ایکی» هم در آثار بعدیش تحت تأثیر آن قرار گیرد.

74. Hokkei-hon 75. Fûryû shidoken den 76. Fûrai Sanjin 77. Hiraga Gennai  
78. Jippensha Ikku 79. Tôkaidô-chû hizakurige 80. Share-hon 81. Kita 82. Yaji

یکی دیگر از اساتید رمان «هوکی-هون». وی که در شهر «ادو» ابتدا به شغل کتاب‌فروشی و بعد دوافروشی اشتغال داشت. نویسنده‌ای بسیار خلاق بود که در سایر انواع ادبی نیز به شهرت رسید. وی در دو اثر خود تحت عنوانهای: «اوکی یو بورو»<sup>۸۳</sup> و «اوکی یو دوکو»<sup>۸۴</sup> قهرمانانی را تصویر می‌کند که در حمامهای عمومی یا مغازه‌های سلمانی مکرراً جمع می‌شوند و به پرگویی می‌پردازند. در این دو کتاب، نویسنده به تصویر مقاطعی از زندگی جامعه خود می‌پردازد و به آن رنگ طنز و کمدی بسیار قوی می‌زند. جاذبه همه این رمانهای «هوکی هون» مدیون دقت مشاهده، طرحها و تصاویر زنده و جان‌دار و مهارت در کاربرد لحن و زبان مناسب است.

نوع ادبی دیگری که هر چند در درجات پایین تر قرار دارد، نمی‌توان آنرا نادیده گرفت، «ا- زوشی»<sup>۸۵</sup>، «کوسا اوشی»<sup>۸۶</sup> است. چیزی شبیه همان سبکی که امروزه مورد استفاده فیلمهای کارتون قرار می‌گیرد. این نوع ادبی که در تمام طول قرن ۱۸ رواج وسیع داشته «ا- زوشی» به معنای کتابچه‌های مصور است) در ابتدای کار به قصد استفاده کودکان نوشته شد اما کم‌کم مخاطبین بی‌شماری را نیز در میان بزرگسالان یافت. به دنبال آن دو سری داستانهای دیگر رواج یافت که بنامهای «آکاهون» (به معنای کتابچه‌های قرمز)، «کورو هون»<sup>۸۷</sup> به معنای «کتابچه‌های سیاه» و بالاخره «آئوهون»<sup>۸۸</sup> به معنای «کتابچه‌های آبی» مشهورند. و بالاخره از میان مردان هنرمند باید از «کیودن»<sup>۸۹</sup> نام برد که نقاشیهای آثاری را تحت عنوان Ki-byōshi به معنای «کتابچه‌های زرد» امضاء می‌کرد و امضاء وی تا حد زیادی تضمین‌کننده موفقیت و رواج این آثار بود. اولین اثر از این سلسله آثار «کتابچه‌های زرد» کتابی است تحت عنوان «کین کین سن سئی ایگا نویومه»<sup>۹۰</sup> اثر «کوئی کاوا هاروماچی»<sup>۹۱</sup> که به سال ۱۷۷۵ تحریر شده در این اثر با مضامین شیطان، رؤیا، ثروت و فقر روبرو می‌شویم. متون مشهور به «کتابچه‌های زرد» به صورت حروف هجایی نوشته شده که این حروف در میان نقاشیها و تصاویر کتاب پخش و پراکنده هستند به گونه‌ای که نشان از قریحه استعاره، صنعت جناس،

83. Ukiyo buro 84. Ukiyo doko 85. e-zōshi 86. kusa zōshi 87. Kuro-hon  
88. ao-hon 89. Kyōden 90. Kinkin sensei eiga noyume 91. Koikawa Harumachi



کمیک چهره‌ها و موقعیتهاست و ترکیب نقش و کلام به گونه‌ای است که در هر لحظه چشمکهای معناداری به خواننده می‌زند. در این آثار گاهی نویسندگان، بدون این که هنر خود را به تصاویر و نقاشیهای مجلات عیش و عشرت محدود کنند با مضامین «شاره-هون» روبرو می‌شویم. این نویسندگان حتی جرأت کرده و وارد حوزه سیاست شدند و نویسنده با جسارتی نظیر «ماتسودایرا سادانوبو»<sup>۹۲</sup> با انتشار کتابچه‌های بی‌شماری سیاست حاکم را به باد استهزاء گرفت اما سانسور نیز کار خود را می‌کرد و لذا از سال ۱۷۹۰ نویسندگان و ادبا مجبور شدند به سوی موضوعات والا تر و عمیقتر نظیر داستانهای شوالیه‌ها و عشقها و انتقامهای آنها روی آورند.

**قرن نوزدهم:** در قرن ۱۹ هم مضامین مشابهی اما با اتریگ‌ها و پیچیدگیهای بیشتر موضوع قصه‌ها و داستانهایی شدند که غالباً به صورت جزوات کوچک مسلسل منتشر می‌شد، که آنها را «گوکون»<sup>۹۳</sup> می‌نامیدند. غالب نویسندگان بزرگ آن زمان از جمله «کیودن»، «سامبا»، «ایکو» و «باکین» از این نوع آثار نوشتند، آثاری که غالباً چیزی جز متن خلاصه و چکیده رمانها و نمایشنامه‌های مشهور نبود. استاد این نوع آثار «ریوتئی تانه هیکو»<sup>۹۴</sup> بود که بین سالهای ۱۷۸۳ و ۱۸۴۲ می‌زیسته. در همین عصر، یعنی در نیمه اول قرن ۱۹، از آنجایی که سخت‌گیریهای سانسور کم کم به نوع ادبی «شاره هون» پایان می‌بخشید. نوع ادبی دیگری به نام «رمانهای احساساتی و عاطفی» که به زبان ژاپنی «نینجوبون»<sup>۹۵</sup> می‌نامیدند رواج یافت. در این نوع داستانها، دیگر از فضای فاسد مراکز عیاشی خبری نبود، بلکه احساسات و عواطف انسانی و لطیف شخصیت‌های ساده دل طبقات مرفه مطرح بود. اما طولی نکشید که نویسندگان دوباره به سوی مضامین عشق هوس‌آلود محیط‌های درباری بازگشتند و دوران نوع ادبی «نینجوبون» در ۱۸۴۲ بسر آمد. از میان نویسندگان این نوع آثار باید از «تامیناگا شونسویی»<sup>۹۶</sup> نام برد. وی — که در ۱۸۴۳ وفات یافت — حدود ۷۰ اثر از این نوع، تألیف کرده بود.

تعداد رمانهایی که با مضامین مختلف و در انواع ادبی مختلف در عصر

92. Matsu daira Sadanobu 93. gōkun 94. Ryutei Tonchiko

95. ninjō bon 96. Tamenage shunsui

«توکوگاوا» تألیف شد سر به هزاران اثر می‌زند. معه‌ذا امروز بجز آثار چهارتن از نویسندگان آن عصر یعنی «سایکاگو»، «آکیناری»، «ایکو» و «سامبا» بقیه مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند و خوانندگان، آنها را رمانهای مدرن و نه رمانهای کلاسیک به‌شمار می‌آورند. شاید آیندگان در آثار نوع «یومی-هون» ظرایف و بدایعی پیدا کنند و به سوی آن متمایل شوند. در مورد رمانهایی که سعی داشته‌اند مصرانه همه مسائل روزمره جامعه را منعکس کنند و حتی آنچه را که در اعماق عشرتکده‌ها و مراکز فساد شهرهای «ادو» و «اوزاکا» می‌گذشته به تصویر بکشند باید گفت، آنها نیز بسیار زود منسوخ و بی‌اعتبار شدند و این سرنوشت هر اثری است که بخواهد بی‌محابا زمانه را به مثابه یک واقعیت ثابت تصویر کند. به تحول درونی آن بی‌اعتنا بماند.

## ۲ - شعر

شعر «هایکایی»<sup>۹۷</sup> - این کلمه از معدود واژه‌های ادبی است که در مغرب زمین شناخته شده است. البته در مغرب زمین چنین می‌پندارند که «هایکایی» یک قطعه شعر ۱۷ هجایی است که از سه بخش ۵، ۷، ۵ هجایی تشکیل شده است. حال آن که «هایکایی» نه یک نوع شعر بلکه در واقع یک «سبک» شعری است. اشتباه غریبها، اگر ناشی از عدم درک ریشه لغت می‌بود باز هم قابل توجیه بود اما اشتباه آنان مربوط به ادراک کلّ طبیعت و جوهر این نوع شعر است. غریبان کوتاهی مصرعها و اختصار خود قطعات شعری را از ویژگیهای شعر «هایکایی» دانسته‌اند، اما خود شاعران و منتقدان ژاپنی آنها می‌دانند که در اینجا با یک «سبک شعری» روبرو هستند اعم از آن که مصرعهای آنرا الزاماً کوتاه یا بلند بگیرند. برای بیان این نکته یادآور می‌شویم که در قرن ۱۵ نیز توجه و علاقه به یک نوع شعر سبک به نام «هایکایی نوژنگا»<sup>۹۸</sup> وجود داشت و طرفداران آن به صورتی تفتنی سعی می‌کردند

که در همان قالبها، میدان دید شعری خود را گسترش دهند و به واژه‌ها قدرت و تحرک بیشتری بدهند و لذا این سبک شعری آزادانه مورد دستکاری و تغییر قرار گرفت و کلمه «هایکایی» که به معنای «شعر آزاد» بود تا زمانه ما باقی ماند اما معنای «شعریکیارچه و منسجم» را به خود گرفت. (لازم به یادآوری است که شاعری مانند «باشو»<sup>۹۹</sup> که به خاطر اشعار کوتاهش شهرت داشت. در چهار سال آخر عمر خویش به سرودن شعر به سبک «هایکایی» روی آورد و به صورتی آزاد، اشعار خود را در مصراعهای تنها، ۱۷ هجایی، ۱۴ هجایی و حتی به صورت نثر (به اصطلاح ژاپنی به شکل «های یون»<sup>۱۰۰</sup> می‌سرود). این تغییر و تحولها به مرور زمان، اما در طول سالهای متمادی به شعرهای سه پاره یا ثلاثی منتهی شد. این نوع شعر که در واقع از قرن ۱۵ به بعد رواج یافت، تا بعد از انتشار آثار شاعر قرن ۱۹ «ماسائوکا شیکی»<sup>۱۰۱</sup> واژه اصلی خود را حفظ کرد تا زمانی که رواج شعر «هایکو» که قالب شعری آثار «شیکی» بود. آنرا از رواج انداخت.

در ابتدای عصر «توکوگاوا» شاعری به نام «ماتسونوگا تیی توکو»<sup>۱۰۲</sup> — ۱۶۵۳ — ۱۵۷۱ شعر «هایکایی» را به عنوان یک گونه مستقل مطرح و تحمیل کرد. اما، این شاعر بدون آن که از جنبه‌های تفتنی ملازم با این نوع شعر اعراض کند، شیوه بیانی نوع ادبی «واکا» را نیز مراعات می‌کرد، روشی که بعدها توسط شاعر و ادیب مشهور «نیشیاما سوئین»<sup>۱۰۳</sup> — ۱۶۸۲ — ۱۶۰۵ — مورد طعن و ملامت قرار گرفت. این شاعر که بنیان‌گذار مکتب بسیارمردمی و پرتطرفدار «دان‌رین»<sup>۱۰۴</sup> بود، سخت شیفته بیان و انشاء عامیانه بود و آثار وی از مطایبات و طنز و تشبیهات عامیانه لبریز است. پس از وی نوبت به «باشو» رسید.

«باشو» که اسم واقعی اش «ماتسوئو-مونه فوسا»<sup>۱۰۵</sup> است، در سال ۱۶۴۴ در یک خانواده متوسط دهقانی در ایالت «ایگا»<sup>۱۰۶</sup> به دنیا آمد. به اتفاق ارباب جوان خود «تودو یوشی تادا»<sup>۱۰۷</sup> به سرودن اشعار سبک «هایکایی» پرداخت. بعد

99. Bashô    100. haibun    101. Masaoka Shiki

102. Matsunaga Teitoku    103. Nishiyama Sôin    104. Danrin

105. Matsuo Munéfusa    106. Iga    107. Todo Yoshitada

از مرگ «یوشی تادا» در ۱۶۶۶ شاعر به «کیوبه تو» و سپس به «ادو» رفت و زیر نظر اساتید مختلف به کسب دانش پرداخت. در ۱۶۸۰ در صومعه‌ای به نام «صومعه درخت موز» (به زبان ژاپنی «باشو-آن»<sup>۱۰۸</sup>) مستقر شد و تخلص شاعری خود، «باشو» را به همین مناسبت انتخاب کرد. از آن سال به بعد بود که وی تصمیم گرفت به سیر و سیاحت در اطراف و اکناف ژاپن بپردازد و در این سیر و سفر طولانی عده‌ای از شاگردان و دوستان وفادار با او همراه شدند و بسیاری از اشعارش را به سبک «هایکایی» با آنان سرود تا عاقبت در ۱۶۹۴ دارفانی را وداع گفت. «باشو» به عنوان چهره‌ی یک شاعر ژمانتیک — که با جامعه سوداگری قطع رابطه نموده — شناخته شده است. آدمی که در یک دنیای متغیر و متلون المزاج، به دنبال روزگاران خوش گذشته همه جا را زیر پا گذاشت. بیشتر آثار این مرد ادیب، خاطرات مسافرت اوست که در هر صفحه آن اشعاری را به سبک «کو»<sup>۱۰۹</sup> گنجانده. تعداد این اشعار زیاد است و غالباً جداگانه در مجموعه‌های شعری نیز آمده‌اند مانند:

— مجموعه «فویونوهی»<sup>۱۱۰</sup> ۱۶۸۴.

— مجموعه «سارومینو»<sup>۱۱۱</sup> ۱۶۹۱.

سبک «باشو» که به نام سبک «شوفو»<sup>۱۱۲</sup> مشهور است، بین دو گرایش به ظاهر متضاد قرار دارد:

— از یک طرف ادراک تقریباً عرفانی از شعر

— از سوی دیگر تمایل به ادامه تماس و آشنایی با دنیای مردم عوام.

این کوشش برای حفظ ارزش و استحکام شعر درعین تماس مستمر با جامعه و واقعیات روزمره، به عقیده بعضی، ارثیه‌ای است که از آموزش «زن»<sup>۱۱۳</sup> برجای مانده است. وی با اجتناب از کاربرد استعاره و جناسهای لفظی و معنوی و مضامین شاعرانه معارف، همه هم خود را مصروف توجه به مکتب واقعیت گرا نمود. می‌گفت:

«درختان بید در زیر شلاق باران بهاری» شعر است به سبک «رنگا»

— «آن کلاغی که از میان امواج آب حلزونی صید می‌کند، شعری است به

108. Bashô-an    109. Ku    110. Fuyu no hi

111. Sarummo    112. Shôfû    113. Zen

## سبک «هایکایی»

— بگذارید واقع بین باشیم: صنوبر را صنوبر و شاخه نی را شاخه نی بینیم. این توجه فوق العاده به واقعیتها، به گونه ای که هیچ پدیده و حادثه ای را نادیده نمی گذارد حتی همه زشتیها و پستیهای مشمئزکننده، در عین حال به بیان تفکرات و اندیشه های شاعر کمک می کند، اندیشه هایی که رنگ طنز و شوخ طبعی و استهزاء نیز دارد. او، به تبع آموزش فلسفه «زن» که اتحاد انسان و اشیاء را غایتی می داند، سعی می کرد واقعیتها را عیناً و بی تصرف تصویر کند، به قول خودش، «هایکایی، یعنی هر چه به چشمان ما می آید». «باشو» با سرودن اشعار توصیفی به شهرتی عظیم دست یافت. وی معتقد بود که هر واقعه ای، هر شیئی، هر حادثه ای، اگر در قالب شعر تصویر شوند اهمیت و اعتبار پیدا می کنند. در نوشته های وی، ساده ترین حادثه ها را می بینیم که به تصویر کشیده شده اند:

«در راه، دسته های علف را می بینم که اسبم از آن می خورد»

«آبگیری کهنه... قورباغه ای در آن می جهد و صدای آب به گوش می رسد».

اگر می بینیم که بعد از شاعر، خوانندگان بی شماری اشعار وی را می خوانند و به آن اقبال می کنند. نه به خاطر محتوای فرهنگی آنهاست (که این رهگذر بسیار فقیر و تهی است) بلکه بیشتر به خاطر آنست که شاعر، با این آثار به انسانها درس می دهد که اشیاء و طبیعت را با دید بازتری بنگرند، از کنار آنها بسادگی نگذرند، تصاویر آنها را در نفس و درون خود منعکس کنند و بدانند که در واقع هر پدیده واقعی ساده نیز پر از اسرار و معماست. باید اضافه کنیم که «باشو» اشعاری نیز به شیوه «کو» سروده است که محتوی نوعی بیان کایشی است، نظیر آنچه که با مشاهده یک میدان جنگ می سراید:

«علفهای تابستانی، جای پای رؤیاها، انسانهایی سلاح بردوش»

و یا نظیر آن شعری که به هنگام مرگ نوشت:

«مسافری بیمار، رؤیاهای من در دشت، به دنبال حادثه سرگردانند».

از میان شاگردان مکتب شعری و ادبی «باشو» که به «شومون»<sup>۱۱۹</sup> معروفند

می‌توان افراد زیر را نام برد:

— «هاتوری دوهو»<sup>۱۱۵</sup> ۱۷۳۰ — ۱۶۵۷ که دستورات و آموزشهای استادش را

در اثر خود به نام «سان زوشی»<sup>۱۱۶</sup> دوباره مطرح ساخت.

— «موکائی کیورائی»<sup>۱۱۷</sup> ۱۷۰۴ — ۱۶۵۱ مؤلف یک اثر انتقادی مهم با

عنوان «کیورائی-شو»<sup>۱۱۸</sup>.

— «تاکارائی کیکاکو»<sup>۱۱۹</sup> ۱۷۰۷ — ۱۶۶۰ که اولین نفر و شاید تنها کسی

است که آثار «هایکایی» وی به فرانسه ترجمه شده است. اگرچه اشعار

«هایکایی» سروده شده در این عصر سر به هزاران مورد می‌زند، معهذا، این

نوع ادبی بزودی رنگ و رونق خود را از دست داد به طوری که در عصر جدید

فقط از دو تن از این نوع شاعران نام برده می‌شوند:

— اوّل «یوسابوسون»<sup>۱۲۰</sup> ۱۷۸۳ — ۱۷۱۶ که اشعار بسیاری در سبک

«هوکو»<sup>۱۲۱</sup> برجای گذاشت، اشعاری واجد زیبایی تصویری فوق العاده.

آثار وی بود که به شعر سه پاره یا ثلاثی به عنوان یک قالب شعری مستقل

موجودیت بخشید.

— دوم «کوبایاشی ایسا»<sup>۱۲۲</sup> ۱۸۲۷ — ۱۷۶۳. این شاعر نیز بجز اشعاری از

نوع «هوکو» چیز دیگری نسرود اما گاهی قطعات کوتاه خود را در کنار هم

به رشته می‌کشید و در نوشته‌های منشور خود می‌گنجاند: به عنوان نمونه در اثر

وی تحت عنوان «اوراگا هارو»<sup>۱۲۳</sup> نوشته شده به سال (۱۸۱۸). مصائبی

که این شاعر و نویسنده، خود متحمل شد، توجهی و ترحمی که نسبت به

موجودات ضعیف داشت (کودکان، پرندگان) و سادگی بیان، موجب

اشتهار و محبوبیت وی شد.

## واکا

شکوفایی و رواج شعر «هایکایی» نتوانست به اعتبار نوع ادبی «واکا»

115. Hattori Dohō

116. Sanzōshi

117. Mukai Kyorai

118. Kyorai shō

119. Takarai Kikaku

120. Yosa Buson

121. hokku

122. Kobayashi Issa

123. Ora ga haru

لطمه ای بزند: ادبا و نویسندگان، بخصوص «کوکوگا کوشا»<sup>۱۲۴</sup> با وفاداری بیش از حد سنتی به این نوع ادبی (واکا) روی آوردند. در اوایل قرن ۱۹ شخصیت‌های برجسته ای نظیر «ریوکان»<sup>۱۲۵</sup> — کشیشی از فرقه «ژن»<sup>۱۲۶</sup> (۱۸۳۱ — ۱۷۵۷) — ظهور کردند. آثار «ریوکان» از سادگی و طراوت خاصی برخوردار بود.

### شعر آمیخته به طنز و هجو

در این عصر شعر طنزآمیز رواج قابل ملاحظه داشت و ازدو نوع آن باید یاد کرد: یکی اشعار معروف به «کیوکا»<sup>۱۲۷</sup> — که از نوع اولی «واکا» مایه می‌گرفت — و دیگری اشعار معروف به «سین ریو»<sup>۱۲۸</sup> — که در اشعار «هایکایی» ریشه گرفته بود. این نوع اشعار مانند آثار ادبی «شاده‌هون» سرشار از مضامین عامیانه و توده‌ای و تصاویر مربوط به اعماق زندگی مردم — بخصوص زندگی در مراکز عیش و عشرت — بود و لاجرم پُر از طنزها و مطایبات کم و بیش جالب و بانمک بود.

### ۳ — تأثر «جوروری» Jôruri

یکی از انواع نمایشی بسیار ظریف و هنرمندانه که ژاپن توانسته است به گنجینه فرهنگی بشری هدیه کند نوعی «تأثر عروسکی» است که امروزه با نام «بون راکو»<sup>۱۲۹</sup> شهرت یافته. ریشه این نوع نمایش، برخلاف تأثر «نو» یا «کابوکی» منحصراً متون داستانی و توصیفی است که «مکالمه» در آن نقش بسیار ناچیزی دارد. تأثر «جوروری» را باید جزو داستانها و قصه‌های عامیانه به شمار آورد که در طول دهها سال به توسط نقالان دوره گرد به همه جا پراکنده شد. رواج این تأثر زمانی شدت یافت که این نقالان و بازیگران دوره گرد به فکر افتادند از یک آلت موسیقی به نام «شامی سن»<sup>۱۳۰</sup> هم استفاده کنند. این آلت موسیقی نوعی سه تار بود که به

124. Kokugakusha

125. Ryōkan

126. Zon

127. Kyōka

128. Senryū

129. bunraku

130. Shamisen

کممک یک مضراب نواخته می‌شد. از طرف دیگر، این نقالان کم‌کم کار خود را با نمایشهای عروسکی همراه کردند و بدین ترتیب بود که در سال ۱۶۰۰ یک نوع هنرمرگب از کلام و حرکات عروسکی با نام «آیاتسوری- جوروری»<sup>۱۳۱</sup> پا به عرصه وجود گذاشت و مورد اقبال قرار گرفت به گونه‌ای که در کوتاه مدت در سرتاسر کشور نه فقط رواج و شکوفایی یافت بلکه به نسبت مکاتب مختلف ادبی به گونه‌های متعدّد تکامل یافت. در این دوران شکوفایی بود که هنرمند مشهور «کاگانوجو»<sup>۱۳۲</sup> — که شناخت عمیقی از دو نوع نمایشی «نو» و «کابوکی» داشت کوشید تأثر «جوروری» را از خصلت داستانی و نقالی به خصلت نمایش صحنه‌ای هدایت کند و در راستای همین تلاش بود که به سفارش وی، در سال ۱۶۸۳ یک نویسنده جوان به نام «چیکاماتسو مونزاامون»<sup>۱۳۳</sup> اولین نمایشنامه‌اش را تحت عنوان «یوتسوگی سوگا»<sup>۱۳۴</sup> نوشت. از این زمان به بعد است که هنر تأثر «جوروری» وارد مرحله تازه‌ای می‌شود به طوری که پس از آن، هر وقت سخن از هنر اصلی «جوروری» شود از آن به نام «کو- جوروری» یعنی «جوروری کهن» یاد می‌کنند.

«چیکاماتسو مونزاامون» (۱۷۲۴ — ۱۶۵۳)، نویسنده‌ای استثنائی است که در کنار دو نویسنده دیگر یعنی «سایکاکو» و «باشو»، عصر درخشان ادبی «گِن روکو»<sup>۱۳۵</sup> را به وجود آوردند. از زندگی وی اطلاع اندکی در دست است: فرزند خانواده‌ای «بوشی» است که در شهر «کیوتو» بزرگ شد و در ۱۹ سالگی وارد معبد «گونشوچی»<sup>۱۳۶</sup> شد و سطح دانش خود را درباره نویسندگان کلاسیک و آیین بودایی افزایش داد. پس از آن، از راه و رسم سنت محیط و خانواده خود جدا می‌شود و قدم در راه هنر تأثر می‌گذارد. در ابتدای کار دست به تألیف نمایشنامه‌های «کابوکی» و مخصوصاً «جوروری» می‌زند. اما از سال ۱۷۰۶ که هنرمند مشهور این نوع نمایشنامه‌ها یعنی «ساکاتا توجورو»<sup>۱۳۷</sup> بازنشسته می‌شود، وی نیز دست از تحریر و تألیف می‌کشد. از سال ۱۶۸۳، آثار این نویسنده را، هنرمند برجسته‌ای به نام

131. ayatsuri-Jōruri 132. Kaganōjō

133. Chikamatsu Monzaemon 134. Yotsugi Soga 135. Genroku

136. Gonshō-ji 137. Sakata Tōjūrō



«گیدایو»<sup>۱۳۸</sup> در تأثر «تاکه موتوزا»<sup>۱۳۹</sup> در شهر «اوزاکا» و سبک خاص خود اجرا می‌کرد. «چیکاماتسو» حدود ۳۰ نمایشنامه «کابوکی» و ۱۰۰ نمایشنامه در سبک «جوروری» نوشت. تاریخ ظهور «جوروری» نوین را از زمانی به شمار می‌آورند که اثر وی تحت «شوسه کاکه گیو»<sup>۱۴۰</sup> به معنای «صعود کاکه گیو» در ۱۶۸۶ به روی صحنه آمد، تأثر «جوروری» نوین، هنری است هم غنایی و هم با ظرفیت نمایشی قابل ملاحظه. مضامین این تأثر نوین هم، مایه در ادبیات سنتی دارد و در آنها حوادث حماسی پادشاهان «تایرا»<sup>۱۴۱</sup> و «میناموتو» مطرح است. همچنین قسمت اعظم آثار «چیکاماتسو» شامل قطعات و حوادث و سرگذشت‌های تاریخی است که به زبان ژاپنی «جیدایی مونو»<sup>۱۴۲</sup> گفته می‌شود. از آن جمله باید از کتاب «هایکه نیوگو نوشیما»<sup>۱۴۳</sup> نام برد که بر مبنای یک واقعه تاریخی یعنی «تبعید شونکان»<sup>۱۴۴</sup> استوار است و یا رمان «کوکوسن یا کاسن»<sup>۱۴۵</sup> به معنای «جنگ‌های کوکوسن» که در سال ۱۷۱۵ تحریر شد و شهرت فوق العاده‌ای یافت: در این درام عجیب که سرشار از وقایع و صحنه‌های جالب است، قهرمان داستان «واتونائی»<sup>۱۴۶</sup> که از مادری ژاپنی و پدری چینی به وجود آمده، با شجاعت و جسارتی کم نظیر به دفاع از سلسله امپراطوری «مینگ» برمی‌خیزد و مثل هر داستان مشابه ارزشهای بزرگ طبقه رعایا را (که عبارتند از: قدرت جسمانی و روحیه اطاعت از ارباب) به نمایش می‌گذارد.

اگرچه، هم در تأثر عروسکی و هم در تأثر «کابوکی» درام‌های تاریخی همواره مطرح می‌شوند، اما نسل‌های بعد بیشترین و والا ترین هنر «چیکاماتسو» را مربوط به آثار وی در زمینه درام‌های بورژایی می‌داند. در واقع، در ۱۷۰۳ چیکاماتسو به فکر افتاد که وقایع تاریخی متنوع عصر خود را به صحنه بکشاند و بدین ترتیب نوع جدیدی از تأثر بر مبنای وقایع اتفاقیه یا به اصطلاح ژاپنی «سوا مونو»<sup>۱۴۷</sup> خلق نماید و اثر وی تحت عنوان «سونه زاکی شینجو»<sup>۱۴۸</sup> معنای «خودکشی دوگانه در

138. Gidayū 139. Takemoto-za 140. Shusse Kagekiyo

141. Taira 142. Jidai mono 143. Heike nyogo no shima 144. ...shunkan

145. Kokusen Yakassen 146. Watōnai 147. Sewa mono 148. sonezaki shinjū

سونه زاکی)» دقیقاً به همین قصد نوشته و اجرا شد. داستان این نمایش به شرح زیر است:

«جوانی به نام «توکوبیو»<sup>۱۴۹</sup> که به خدمت عموی خود، یک بازرگان سویا، درآمده، دلباخته یک خدمتکار به نام «اوباتسو»<sup>۱۵۰</sup> می‌شود که قرار است به یک ارباب ثروتمند فروخته شده و از آن ولایت برود. «توکوبیو» از این که عموی خود را با ازدواج این دو مخالف دیده، و از سوی دیگر، توسط یک رقیب به عدم امانت داری و حقه بازی متهم می‌شود، به اتفاق محبوبه خود تصمیم به خودکشی می‌گیرد. لذا شبانه به جنگل می‌روند، و با ایمان به این که بعد از مرگ در بهشت «آمیدا»<sup>۱۵۱</sup> به وصال یکدیگر می‌رسند، خودکشی می‌کنند و سرگذشت آنها به عنوان سرمشق یک عشق پاک و سرزنش‌ناپذیر در تاریخ باقی می‌ماند».

بعد از نمایشنامه «خودکشی دوگانه»، ۲۳ نمایشنامه دیگر از نوع «سه‌وامونو»<sup>۱۵۲</sup> نوشته شد که در سیزده‌تای آنها همین مضمون خودکشی عاشق و معشوق تکرار شده است. نمایشنامه‌های «سه‌وامونو» که معمولاً کوتاه‌تر از نمایشهای مشهور به «جیدایی مونو»<sup>۱۵۳</sup> است، شامل مضامین ساده و تصویر چهره‌های منفی (ضدقهرمان)<sup>۱۵۴</sup> نظیر تجار، خرده‌مالکین، زنانِ هرجایی و مردم بی‌سروپاست. (به عنوان نمونه رجوع کنید به نمایشنامه «یوهه‌ده‌اوناگوروشی آبورا جی گوکو»<sup>۱۵۵</sup> به معنای «مرگ زن و جهنم روغن (۱۷۲۱)» در عین توجه به رئالیسم روانی و اجتماعی (که در گفتار و مکالمه قهرمانان منعکس است) این آثار یک جنبه غم‌انگیز و دهشتناک از چنبره زندگی آدمهارا نیز تصویر می‌کند. انسانهایی را به تصویر می‌کشد که در چنگال پول و مال دنیا و قراردادهای اجتماعی از یکطرف و الزامات حیات و هوسها و امیال نفسانی از طرف دیگر، گرفتارند و راهی بجز خودکشی و مرگ و جنایت نمی‌یابند. آن بخش از نمایشنامه‌ها که به تصویر عشق عشاق و رفتن آنها به سوی مرگ می‌پردازد، از غنایی‌ترین و زیباترین قطعات نشر ادبیات ژاپن

149. Tokubyô

150. Obatsu

151. Amida

152. sewa-mono

153. Jidai-mono

154. Anti-héros

155. Yohê de Onnagoroshi obura Jigoku

به شمار می‌رود و عجباً که این قطعات اگرچه به تصویر و بیان زندگی محدود و روزمره عصر نویسندگان می‌پردازد، تا زمان ما همچنان قدرت تأثیر خود را حفظ کرده است. مایهٔ تعجب است که چه اندازه نمایشنامهٔ عروسکی در این عصر نوشته شده و حال آن که اکثر آنها آثاری ابتدایی و کم‌محتوا بوده‌اند، اما نباید فراموش کرد که در ژاپن باستان هدف تأثیر کلاً نه توجه به رئالیسم نمایشی بلکه بیشتر ایجاد امکانات وسیع‌تر برای بیان حرکت و رقص بی کلام برای اعتلای ترازوی بوده است و این خصیصه بویژه در تأثیر عروسکی بیشتر امکان تحقق دارد. و امروزه هم که به کلام و بیان لفظی اهمیت داده می‌شود باز هم کلام آهنگین و آواز است که بیش از هر چیز مورد توجه علاقه‌مندان نمایش ژاپنی است.

«چیکاماتسو» شاگردانی تربیت کرد که مشعل هنروی را به پیش برند و از میان آثار آنها نیز تعدادی نمایش به عنوان آثار برجسته و والا هنوز مورد توجه و اقبال هنرشناسان است بخصوص نمایشهایی به نام «جیدایی-موتو»<sup>۱۵۶</sup> که در آن حرکات و اطوار غیرمنتظره، حوادث ناگهانی، اشتباهات و رفع اشتباهات در شناسایی افراد، یک مجموعهٔ نمایشی را فراهم می‌کند که از خلال آنها قهرمانان نمایش به اوج هیجان و برخورد های عاطفی هدایت می‌شوند. بیشتر این آثار با همکاری سه هنرمند به نامهای «تاکیدا ایزومو»<sup>۱۵۷</sup>، «نامیکی سوسوکه»<sup>۱۵۸</sup> و «میوشی شوراکو»<sup>۱۵۹</sup> تألیف شده‌اند. مشهورترین این آثار عبارتند از:

— «سوکاوارا دنجوتارایی کاگامی»<sup>۱۶۰</sup> ۱۷۴۶

— «یوشیتسونه سیمون زاکورا»<sup>۱۶۱</sup> ۱۷۴۷

— «کانادیهون چوشینگورا»<sup>۱۶۲</sup> ۱۷۴۸

همزمان با این فعالیتها، یک هنرمند مبتکر به نام «یوشیدا بونزابورو»<sup>۱۶۳</sup> ابداعات و ابتکاراتی در شکل و هیأت عروسکهای سنتی اعمال کرد و به آنها شکل نهایی بخشید. عروسکهای ساخت او حدود یک متر قد داشتند و دستها و چشمها و

156. Jidai mono 157. Takeda Izumo 158. Namiki Sôsukey

159. Miyoshi Shôroku 160. Suga wara 161. Yoshitsune sembon Zakura

162. Kanadehon Chûshingura 163. Yoshida Bunzaburô

دهان آنها متحرک بود و در هنگام نمایش، حرکات هر کدام از آنها توسط سه نفر تأمین می‌شد. با تمام این اعتنا و علاقه به تأثر عروسکی، این نوع تأثر از سال ۱۷۶۰ رو به افول گذاشت و نتوانست در مقابل نوآوریهای هنرمند بزرگی به نام «چیکاماتسو هنجی»<sup>۱۶۴</sup> مقاومت کند. «هنجی» هنرمند بسیار با استعدادی بود که آثار وی امروزه نیز روی صحنه می‌روند. دو اثر مشهور او عبارتند از: «هونچونیجوشیکو»<sup>۱۶۵</sup> ۱۷۶۶ و «ایسوسه-یاما اوناتایکین»<sup>۱۶۶</sup> ۱۷۷۱. این تأثر نوین، با اعراض از روحیه و روش اولیه تأثر سنتی به جنبه بیانی، نمایشی و میزانشن توجه بسیار بیشتری کرده است، چیزی که در ظرفیت تأثر «کابوکی» نبود. آثار نمایشی «جوروری» نیز امروزه بیشتر به صورت آثاری دستکاری شده و اقتباساتی برای تأثر «کابوکی» و نه تأثر عروسکی، شناخته می‌شوند و ادامه حیات نوع نمایشی «جوروری» تنها مدیون «بونراکوزا»<sup>۱۶۷</sup> است.

#### ۴- - تأثر «کابوکی»

تأثر «کابوکی» بیش از تأثر «نو» و «جوروری» جنبه بیان صحنه ای داشته، معهذا متون آن هیچگاه وجه غالب و مهمترین جنبه نمایشی آن نبوده است. اگرچه تاریخچه تأثر کابوکی در این عصر مصادف با سالهای فعالیت ادبی «توکوغاوا»<sup>۱۶۸</sup> است که بین سالهای ۱۶۰۳ و ۱۸۶۷ می‌زیسته و این نویسنده، در شیوه تألیف و تخریر متون «کابوکی» تحولاتی ایجاد کرد، اما کارگردانان تأثر کابوکی همواره کمتر وابسته به متون بوده و بیشتر هم خود را صرف شکوفایی هنر صحنه ای و حرکات نمایشی بازیگران می‌کرده‌اند. تأثر «کابوکی» در شکل اولیه خود نوعی نمایش متنوع (واریته) بود شامل موسیقی و رقص که گاهگاهی در فواصل آنها قطعات کوتاه کمدی گنجانده شده بود. اما شکل نوین «کابوکی» که برای اولین بار در سال

164. Chikamatsu Henji 165. Honchō Nijūshinkō

166. Imose-Yama Onnateikin 167. Bunraku-za 168. Tokugawa

۱۶۰۳ در شهر «کیوتو» و توسط گروه رقصندگان «اوکونی»<sup>۱۶۹</sup> اجرا شد و در آن نقش هنرمندان و بازیگران واقعی بزرگتر بود خیلی زود مقبولیت عام یافت البته این رواج سریع شکل نوین تأثر کابوکی موجب ناخشنودی مقامات دولتی قرار گرفت و لذا از سال ۱۶۲۹ بازی زنان را روی صحنه ممنوع کردند و فقط اجازه دادند که نوجوانان به جای آنها نقشهای زنانه را ایفا کنند و همین اجازه هم از سال ۱۶۵۲ ملغی شد. این فرامین دولتی اثر قاطعی در شکل گیری آینده تأثر «کابوکی» برجای گذاشتند زیرا گروههای هنری را واداشت تا راههای تازه ای برای بیان هنری خویش بیابند و نگذارند گروه عظیم مشتاقان تأثر «کابوکی» نوین پراکنده شوند. بدین گونه، شکلهای تازه ای از تأثر کابوکی ظاهر می شوند: نمایشنامه های تک پرده ای کمیک که بر طبق قواعد دقیقی پشت سر هم اجرا می شد و ساعتها طول می کشید و این شکل نوین تا به جایی مقبولیت یافت که گاهی یک نمایش «کابوکی» کامل از صبح زود شروع می شد و شب یکسره ادامه می یافت.

تأثر «کابوکی» قبل از این که متحول شود، یعنی دارای متن معین دیالوگها باشد، نوشته ای مشخص نداشت بلکه ابتدا کارگردان طرح وقایع را برای بازیگران ترسیم می کرد و آنها به آفرینش نقشهای خود می پرداختند. اما با تحول جدید، «کابوکی» متن و نوشته دقیق و معین دارد که یا توسط خود نویسندگان تدوین شده و یا توسط منشیهایی با نظارت آنها تحریر شده است. به تدریج مسأله «سناریو» اهمیت ویژه کسب کرد، به صورت تخصصی درآمد و از ابتدای عصر «گنروکو»<sup>۱۷۰</sup> یعنی در فاصله سالهای ۱۶۸۸ و ۱۷۰۴، نام سناریست به عنوان یکی از عوامل عمده تأثری بر آگهیهای تبلیغاتی ظاهر شد و گاهی خلاصه داستان نمایش که قبلاً به چاپ رسیده بود در اختیار مردم قرار می گرفت. متون نمایشی نیز به نسبت نوع نمایش به دو دسته تقسیم می شدند:

۱ — متون «جیدای مونو»<sup>۱۷۱</sup> که متون تاریخی بودند.

۲ — متون «سوامونو»<sup>۱۷۲</sup> که مربوط به وقایع معاصر بودند.

نوع اول، هم به خاطر جاذبیت افسانه‌ای و داستانی و هم به خاطر نکات اخلاقی که القاء می‌نمود روز بروز غنی‌تر شد و توانست بیش از نوع دوم صحنه‌های نمایش را در اختیار بگیرد. نوع قصه‌ها و حوادث هم به گونه‌ای بودند که از ظرفیت نمایشی بیشتری برخوردار بودند از قبیل مسائل عشقی و رقابت عشاق، توطئه‌های درباری و فتوحات جنگی. یکی از نویسندگان موفق «کابوکی» «ایچی کاوا دانجورو»<sup>۱۷۳</sup> ۱۷۰۴ – ۱۶۶۰ است. این موفقیت را بیشتر مدیون مضامینی بود که برای آثارش انتخاب می‌کرد: عیوب اخلاقی سرداران و بزرگان تبعید شده و تلاش آنها برای بازیابی حرمت و آبروی خانوادگی. این نوع نمایشنامه‌ها به «آراگوتا»<sup>۱۷۴</sup> شهرت داشت و چون مقبولیت وسیع پیدا کرده بود شاگردان «دانجورو» نیز راه وی را ادامه دادند. از دو نوع پیش گفته نمایش «کابوکی» نوع اول یعنی «جیدای مونو» نمایش کابوکی را به سنتهای گذشته آن پیوند می‌داد و در واقع استمرار این سنت صدها ساله بود، اما نوع دوم یعنی «سیوامونو» که با مضامین روزمره سروکار داشت فرصت مغتنمی را برای بازسازی و نوسازی این هنر در دورانهای جدید فراهم ساخت. در نوسازی تأثر کابوکی می‌بینیم که این نمایش با قطع رابطه با دربار و نجبا و جنگها و فتوحات، به میان مردم کوچه و بازار می‌رود و با شیوه بیانی جدید خود طبقات تازه اجتماعی، بخصوص سرمایه‌داران و بازرگانان عصر بورژوازی را به تصویر می‌کشد. طبقه‌ای که با وجود شکوفایی نسبی سطح مالی و مادی، هنوز به قدرت سیاسی و حکومتی دست نیافته بودند و تأثر کابوکی به تصویر محیط زندگی نسبتاً بسته آنها می‌پرداخت: هرزگیها و عشقبازیهای آنها، رفتار فرزندان اسرافکار و ناخلف آنها و گاهی تضاد بین احساسات و عواطف پاک یک جوان که بازیچه هوسهای یک زن هرزه می‌شد. تأثر مدرن کابوکی، با این مضامین روزمره سبک و رمانتیک آغاز شد اما کم کم دردست هنرمندان و بازیگران اوزاکا صیقل خورد و سبک ملایم و عاطفی متعادل پیدا کرد و به نام تأثر «واگوتو»<sup>۱۷۵</sup> شهرت و اعتباری پیدا کرد و راه را به سوی مضامینی با مایه‌های رئالیستی باز کرد.

با وجود این تفکیک دو نوع «کابوکی» نباید گمان کرد که همواره، مرزهای مشخص خود را حفظ می‌نموده‌اند، بلکه گاهی هر دو نوع درهم می‌آمیختند. بخصوص زمانی که مسأله سانسور حکومتی به میان می‌آمد. در آن حال بود که هنرمندان سعی می‌کردند ماهرانه مسائل روزمره را در قالب افسانه‌ها و حوادث تاریخی گذشته بیان کنند. نمونه روشن این تمهید هنری، به صحنه بردن نمایشنامه‌هایی بود در زمینه مسأله و حادثه‌ای که به نام «انتقام ۴۷ رونین»<sup>۱۷۶</sup> مشهور است. در این حادثه پر سروصدای مربوط به سال ۱۷۰۳، وقتی هنرمندان و کارگردانان تأثر دیدند سانسور مانع از طرح صریح آن است، به آن یک چهارچوب تاریخی دادند و با موفقیت اجرا شد. همین‌طور وقتی حکومت نمایشنامه‌های مربوط به زندگی پر از فساد عشرتکده‌ها را ممنوع ساخت، در این مقوله هم تأثر «کابوکی» ظرفیت بیانی خود را با وجود فتنار سانسور نشان داد که نمونه روشن آن محتوای نمایشنامه مشهور «سوکروکو»<sup>۱۷۷</sup> است که در آن، قهرمان اول نمایش که مرد قدرتمند محلات بدنام بود، به گونه‌ای در قالب یک قهرمان تاریخی یعنی یکی از برادران خانواده «سوغا»<sup>۱۷۸</sup> ظاهر می‌شود، و این تغییر لباس ظاهری قهرمانان معاصر به هیچ وجه مشکلی برای فهم و ادراک متعارف تماشاچی ایجاد نمی‌کند. گاهی نیز نامها و چهره‌ها را تاریخی و باستانی انتخاب می‌نمودند اما زبان، دکور و سایر عوامل صحنه را به شکل معاصر انتخاب می‌کردند.

در طی قرن ۱۸، تأثر «کابوکی» نمایشنامه‌های خود را در دو مقوله و دو خط مفصل گسترش می‌دهد که گاهی از یکدیگر کاملاً قابل تفکیکند و گاهی، دو مقوله در یک اثر به هم می‌آمیزند. و اگر گاهی از مایه‌های تأثر «نو» یا «جوروری» بهره می‌گیرد، آنها را در چهارچوب دیدگاه خود می‌گنجاند، دیدگاهی توده‌ای تر و سرشار از تحرک و بدیهه‌سازی و ابتکار. در نیمه دوم این قرن با نام چند تن نمایشنامه‌نویس و کارگردان، روبرو می‌شویم اما نمی‌توان ادعا کرد که همه نمایشنامه‌هایی که به آنان منصوب است خود نوشته باشند و یا حتی نظارت کامل در تحریر و تدوین آنها

داشته‌اند. در حقیقت همه آثار نمایشی که از این عصر باقی مانده، آثاری هستند که متون آنها بتدریج تغییر کرده تا به جایی که به دست هر کارگردان که رسیده بخشی یا پرده‌ای از آنها حذف کرده و بخشهایی افزوده است. مکالمات نمایشنامه‌ها به نسبت سلیقه و خواست بازیگران گاهی بکلی تغییر می‌کرده تا بتوانند مسائل روزمره و مشکلات اجتماعی زمان خود را در آن بگنجانند. هر هنرمندی با بدیهه‌سازی نکاتی به آن افزوده و نکاتی از متن قبلی را حذف نموده. به عنوان مثال باید به نمایش «شیباراکو»<sup>۱۷۹</sup> به معنای «یک لحظه» اشاره نمود که متن اولیه آن مکرراً در دست بازیگران تغییرات عمده یافت به طوری که تفاوت بین متن اولیه با آخرین متنی که در دست است به اندازه تفاوت تأثر اصیل «کابوکی» با «تأثر امروزی» غرب است. از میان نمایشنامه‌های این عصر باید به اثر دیگری هم اشاره کنیم: «ناروکامی»<sup>۱۸۰</sup> که مضمون اصلی آن یک مضمون تاریخی کهن است اما یکی از حوادث زمانه را نیز در آن وارد کرده‌اند و آن مسأله رسوایی کشیش زاهدی است بنام «ناروکامی» که به دام عشق یک فتانه مبتلا می‌شود. در این نمایش وقایع تاریخی و طنز و مضامین عشقی، همه یکجا درهم آمیخته است. در فهرستی مشتمل بر (۱۸) نمایشنامه برگزیده<sup>۱۸۱</sup> که توسط بازیگر مشهور «ایچی کاوا دانجوروی هفتم»<sup>۱۸۱</sup> در سال ۱۸۴۰ تنظیم شده، نام نمایشنامه‌هایی که قبلاً ذکر کردیم وجود دارد، همچنین نام نمایشنامه‌هایی که از تأثر «جوروری» اقتباس شده بخصوص آثار دو نویسنده زیر:

— «چیکاماتسو»

— «ناکیدا ایزووهو»<sup>۱۸۲</sup> مؤلف نمایش مشهور «چوشینگورا»<sup>۱۸۳</sup> به معنای «گنج نوکران باوفا». این نمایشنامه که در ۱۷۴۸ نوشته شده شاید بهترین اثر در تأثر «کابوکی» است که در طول قرن ۱۸ به رشته تحریر درآمده.

با کوششهای «نامی کی شوزو»<sup>۱۸۴</sup> ۱۷۷۳ — ۱۷۳۰ که نمایشنامه‌نویس و بخصوص صحنه پرداز استادی بود، اقتباسهای بیشتری از تأثر «جوروری» به عمل آمد

179. Shibaraku 180. Narukami 181. Ichikawa Danjūrō VII

182. Tokeda Isemo 183. Chūshingura 184. Namiki Shōzō



و عوامل صحنه‌ای و شیوه‌های بیان نمایشی تحوّل فوق‌العاده‌ای یافت و بیش از پیش بر نوآوری تأثیری تکیه شد. بعد از وی نیز، شاگردش «نامی کی گوهِی»<sup>۱۸۵</sup> ۱۸۰۸ — ۱۷۴۷ به تلاشهای وی ادامه داد. «گوهِی» در سالهای آخر قرن ۱۸ از «اوزاکا» به «ادو» رفت و غنای تأثر «کابوکی» را در این مرکز بزرگ فرهنگی بیش از پیش به تماشا گذاشت و آثار وی تا سالهای سال علاقه‌مندان این هنر بزرگ را مجذوب ساخت.

پس از این دو، دو استاد دیگر تأثر «کابوکی» به حفظ و شکوفایی این میراث پرداختند و تلاشهای آنان همسنگ تلاشی بود که «چیکاماتسو» برای تأثر «جوروری» اعمال نمود. این دو استاد عبارتند از:

— «تسورویا نامبوکی چهارم»<sup>۱۸۶</sup> ۱۸۲۹ — ۱۷۵۵.

— «کاواتاکه موکوآمی»<sup>۱۸۷</sup> ۱۸۹۳ — ۱۸۱۶.

آن دو، مانند اسلاف خود به تمام فعالیتهای صحنه و بازیگری هنرمندان نظارت داشتند و غالباً صحنه‌هایی از نمایش را بازنویسی می‌کردند و آنها را با مسائل روزمره، ذوق تماشاگران عصر خود و علاقه و خلیقیات بازیگران گروههای خود تطبیق می‌دادند و در عین حال سعی می‌نمودند ارزش ادبی و کیفیت تأثیری آثار اجرا شده را به حدّ اعلا حفظ نمایند. آثار عمده «نامبوکی» که پا را از صحنه تأثر فراتر گذاشته و به قلمرو سینما و تلویزیون راه یافتند عبارتند از:

— نمایشنامه «ساکوراهیمه»<sup>۱۸۸</sup> به معنای «شاهزاده ساکورا» که در سال ۱۸۱۷ تحریر شد.

— نمایشنامه «یوتسویا کایدان»<sup>۱۸۹</sup> به معنای «اشباح یاتسویا» نوشته شده به سال ۱۸۲۵.

در نمایشنامه «شاهزاده ساکورا» نویسنده سرگذشت شاهزاده خانمی را تصویر می‌کند که به تبع هوسهای افسار گسیخته، قدر و منزلت خود را تا حدّ یک زن هرجایی پایین می‌آورد و در کنار وی، کشیش بزرگی را می‌بینیم. که وی نیز، برده و

185. Namik Gohei 186. Tsuruya Namboku IV

187. Kawatake Mokuami 188. Sakurahime 189. Yotsuy Kaidan

بنده نفس اماره می‌شود و همه مقامات معنویش را به خاطر عشق همان شاهزاده خانم ساقط شده به باد فنا می‌دهد و در کنار این دو قهرمان اصلی، سومورائیاها و شخصیت‌های درجه دو را می‌بینیم که باسانی و سوسه می‌شوند و دست به هر جنایتی می‌آیند.

در نمایشنامه دوم هم، نویسنده، با استفاده از عروسک‌های بسیار بزرگ و تمهیدات صحنه‌ای سقوط یکایک قهرمانانش را تصویر می‌کند: نوکران و خدمتکاران بی وفا، «ئی یمان»<sup>۱۹۰</sup> سامورایی حریص و آدمکش که بالأخره خود قربانی انتقام همسر خویش «اوایوا»<sup>۱۹۱</sup> می‌شود، در اینجا برآستی نه با انسانها، که با اشباح روبرو هستیم. با آثار «نامبوکو» تأثر «کابوکی» از خصلت اخلاقی و انسانی خود تهی می‌شود، قهرمانان وی دیگر با عشق و فداکاری تا سرحد خودکشی بیگانه‌اند، و تنها خصلتهایی که آنان را به حرکت و عمل وامی‌دارد هوسرانی، حرص و عشق به مال است که ظاهراً انعکاسی از اوضاع زمانه است.

بعد از این دوره، تأثر کابوکی، با اصلاحاتی که «تمپو»<sup>۱۹۲</sup> ۱۸۴۳ — ۱۸۴۱ در آن به عمل آورد و با کمک آثار «موکوآمی»<sup>۱۹۳</sup>، خصلت اخلاقی مقبول خود را بازیافت و توانست طی چند دهه دیگر آثار عمده‌ای برای آیندگان باقی بگذارد. آثار این دوره بار دیگر به تصویر اخلاقیات و جنبه‌های رئالیستی مردم عصر خود پرداخت. «موکوآمی» از جامعه پرازفساد و حرص و هوسرانی اشراف بیرون می‌آید و به درون توده‌های مردم می‌رود و مصائب آنها، آدمکشیهایی ناشی از استیصال و فقر را در کنار بعضی خصائل بزرگوارانه و شریف تصویر می‌کند در عین حال چهره‌عشرت‌کده‌ها و محله‌های فساد را از نظر دور نمی‌دارد، چیزی که هم با برداشت رئالیستی منطبق است و هم مورد توجه تماشاگر عصر است. البته در محتوای این تأثرنشانی از «اعتراض» یا «خصوصیت با نظام حاکم» به چشم نمی‌خورد و قصد عمده نویسنده سرگرم ساختن تماشاگران است که از دیدن قهرمانان حادثه‌جو و عشق‌ها و کامجوییها و گاهی گذشته‌ها و فداکاریهای آنان لذت می‌برند. از میان آثار عمده «موکوآمی» فقط به نمایشنامه «ایزایوئی سه‌ئی شین»<sup>۱۹۴</sup> اشاره می‌کنیم که در

سال ۱۸۵۹ تحریر شده که از نظر کیفیت بیانی یکی از جذاب‌ترین نمایشنامه‌های نوع «کابوکی» است. در واقع «موکوآمی» را باید یکی از آخرین مؤلفان بزرگ تئاتر «کابوکی» به‌شمار آورد زیرا اگرچه تئاتر «کابوکی» به‌صورتی از گرداب تحولات سریع‌نوسازی جامعه ژاپن جان سالم به‌در برد اما هیچگاه نتوانست اصالت و کیفیت نیمه دوم قرن ۱۹ خود را حفظ کند و به تدریج از سرچشمه اصلی خود که رفتار و زندگی اعماق توده‌های مردم بود به دور ماند.

### عصر «میجی» (۱۸۶۸ – ۱۹۱۲)

#### اولین قدمهای نوسازی جامعه

تولد ادبیاتی نوین که چه از نظر شکل و چه از نظر مضمون و محتوا بتواند بسرعت از سنتهای عصر «ادو» قطع رابطه کند، بعد از تحولات عمده قرن ۱۹، تحقق یافت، تحولاتی که نقطه آغاز آن ۱۸۶۸ است و به نام دوران «تجدید حیات میجی» مشهور است. اگرچه نویسندگان جوان سخت مشتاق بودند تا با خلق ادبیاتی نوین، با تحولات جامعه نوین همگام شوند، اما زود متوجه شدند که قبل از هر چیز نیاز به ابزاری نوین دارند و آن را از اسلاف خود نمی‌توانند انتظار داشته باشند. فاصله بین شروع انقلاب اجتماعی سیاسی «میجی» و زمان ظهور ادبیاتی که کمابیش همگام با آن تحول باشد، به ۲۰ سال بالغ می‌شود، فاصله‌ای که در طی آن نسل تازه‌ای که در متن فرهنگ غرب بزرگ شد و از میراث ادبیات غرب مایه گرفت. آن گروه از نویسندگان و هنرمندانی که در شروع انقلاب عصر میجی شهرت و اعتباری داشتند نتوانستند نقش عمده‌ای ایفا کنند و تحولات اجتماعی نوین انعکاس بسیار ضعیفی در آثار آنان یافت و نوشته‌های آنان عمده آثاری سطحی و کم‌رنگ هستند. در عین حال برخی از این نویسندگان به عنوان شاهدانی دقیق تحولات عصر جدید را

کمابیش تصویر می‌نمودند: رفتار مضحک بورژواهای تازه به دوران رسیده، لباسها و حرکات عجیب و غریب آنها، حرص و ولع آنها برای غذاهای غربی و شیوه حرف زدن آنها که در آن کلمات و اصطلاحات انگلیسی و آلمانی به گوش می‌رسید. این نوع نوشته‌ها اگرچه موجب تفریح خاطر نویسندگان و تماشاگران شد و از طنز قوی برخوردار بود نتوانست تولد ادبیات نوین عصر میجی را مهار کند. برجسته‌ترین این نویسندگان «کاناگاکي روبون»<sup>۱</sup> ۱۸۹۴ – ۱۸۲۹ بود که در طول دهه هفتاد قرن ۱۹، دو اثر زیر را منتشر نمود:

— «سه یو دو چو هیزا کوریگه»<sup>۲</sup> به معنای «گردشی در دیار غرب».

— «آگورانابه»<sup>۳</sup> به معنای: «اطراف یک دیس پر از گوشت».

«کاناگاکي» با استفاده از روش بیان و تصویر دو نویسنده نیمه دوم قرن ۱۸ یعنی «ایکو» و «سامبا» (رجوع کنید به صفحه ۵۵) آداب و رسوم عصر نوین را تصویر می‌کند و در عین حال عطش معاصرین خود را نسبت به تمدن مغرب زمین و شیوه زندگی آن دیار تسکین می‌دهد.

در حوزه تأثر نیز، کارگردان بزرگ عصر «موکوآمی» که در واقع آخرین خالق بزرگ تأثر «کابوکی» بود، با همکاری چند بازیگر مشهور آثار نوینی را به صحنه آورد و با تدوین مخلوطی از دونوع نمایشی «سوامونو و زانگیریمونو»<sup>۴</sup> به انتقاد از مظاهر غرب زدگی پرداخت و مضمون عمده نمایشهای وی تمسخر روشهای آرایش به سبک غربی بود. اگرچه تأثر «کابوکی» تا تغییر چهره‌ای انفعالی و تحت عنوان تأثر «گیساکو»<sup>۵</sup> سعی کرد خود را با شرایط و الزامات مدرنیزاسیون تطبیق دهد. اما در واقع، حاصل کار، تأثیری بود بی هویت که از «کابوکی» فقط نامی داشت و به هیچ وجه نتوانست با حفظ هویت به بیان واقعیات عصر «میجی» پردازد.

در حد فاصل این دو دسته از نویسندگان یعنی نویسندگان صاحب نام در شروع عصر میجی که شعر کردند با هوشیاری و دقت آخرین جرعه‌های هنری خود را به جامعه هدیه کنند و نتوانستند خود را بازسازی کنند و دسته دوم یعنی اولین

1. Kanagaki Robun    2. Sei'yō dôchû hizakurige    3. Aguranabe

4. Sewamono & Zangirimono    5. gesaku

رمان‌نویسهای مدرن عصر «میجی» که دوره هنرنویینی را آغاز نمودند، یک دورهٔ برزخ بیست ساله مشاهده می‌شود که در طی آن یک طبقه روشنفکر آثار بی‌شماری در زمینهٔ مقاله‌نویسی، نقد ادبی و ترجمه آثار غربی در جامعه پراکنند که از شهرت و مقبولیت گسترده‌ای هم برخوردار بود. این آثار با حجم وسیعی از اطلاعات مربوط به زندگی در غرب که در اختیار خوانندگان خود گذاشت، تأثیر قاطعی در جامعهٔ نوین گذاشت. از سوی دیگر آثار هنری و ادبی نوین، بتدریج از نظر سبک و زبان کم‌کم توانست خود را از زیر سلطه و نفوذ سبک و زبان چینی رها کرده و با روی آوردن به سبکی ساده‌تر و نزدیک‌تر به زبان روزمرهٔ تودهٔ مردم خوانندگان بیشتری پیدا کند. این جدایی و رهایی از سلطهٔ زبان ادبی سنتی مقدمه‌ای بر انطباق ادب و هنر با الزامات نوسازی جامعه بود، اگرچه نتوانست بلافاصله سبک ادبی نوینی عرضه کند اما راه را برای ورود اولین گروه از آثار ادبی عمدهٔ عصر میجی هموار نمود.

یکی از مدافعان عصر نوین که به عنوان یک ادیب، نه تنها در مقابل عصر نوین مقاومت نکرد بلکه راه را برای ورود ادبیات نوین هموار نمود «فوکوزاوا یوکیچی»<sup>۶</sup> بود (۱۹۰۱ – ۱۸۳۴). وی با تألیف اثر عمدهٔ خود تحت عنوان «گاکومون نوسوسومه»<sup>۷</sup> به معنای «تعالی علوم» راه را به سوی یک بازسازی فکری گشود. این اثر که شامل ۱۷ جلد بود از سال ۱۸۷۲ در هزاران نسخه چاپ شد و در اندک زمانی به فروش رفت. در زمینهٔ نقد ادبی نیز یکی از همکاران و هم‌دوره‌های «فوکوزاوا» یعنی «نیشی آمانه»<sup>۸</sup> که بین سالهای ۱۸۲۹ و ۱۸۹۷ می‌زیسته با آثار خود، جامعهٔ نوین را از مفاهیم اساسی ادبیات اروپائی آگاه ساخت. وی در طی بیش از ۱۰۰ اثر ادبی و تحقیقی که از سال ۱۸۷۰ به بعد انتشار داد این رسالت را به انجام رساند.

در کنار این آثار ادبی و تحقیقی، ترجمه آثار غربی با سرعت رو به افزایش می‌رود، ترجمه‌هایی در همهٔ زمینه‌ها: سیاست، جامعه‌شناسی، تکنولوژی و بخصوص آثار ادبی. در این زمان بود که خوانندگان ژاپنی در اندک مدتی با «رایسنون

6. Fukuzawa Yukichi 7. Gakumon no susume

8. Nishi Amane

کر و زوئه»، «آثار ژول ورن» و «هزار و یکشب» آشنا شدند و در همین زمان توانستند با اشتیاق آثار بزرگانی نظیر والتر اسکات، آکساندر دوما، روسو، شکسپیر و بزرگان عصر ملکه ویکتوریا را بخوانند. شعر نیز از این کاروان فرهنگی عقب نماند: اولین منتخبات شعر نوین در سال ۱۸۸۲ تحت عنوان «شین تای شین شو»<sup>۹</sup> به معنای «مجموعه اشعار سبک نو» منتشر شد. اگرچه این اشعار که غالباً طولانی بودند و به ناچار در وزن کلاسیک (۵/۷) هجایی به ژاپنی ترجمه می‌شد — مثلاً شعر تینسون<sup>۱۰</sup> تحت عنوان The Charge of the light Brigade — در عین حال تأثیر چشمگیری در تحول ادبی ژاپن داشت زیرا راه را به سوی شعری نوین و رها از قید و بند شکل و مضمون رایج، نظیر نوع ادبی «واکا» یا «هایکو» باز کرد و نیز ظرفیت بیان و تصویر تحول نوین جامعه را دارا بود.

### رمانهای سیاسی:

نهضت آزادی خواهی و کسب حقوق مدنی یا به اصطلاح ژاپنی نهضت «جیومینکن اوندو»<sup>۱۱</sup> که در حدود دهه هفتاد قرن ۱۹ گسترش یافت راه را برای انتشار و رواج رمانهای سیاسی باز کرد. اگرچه هدف اصلی این رمانها تبلیغ افکار و عقاید سیاسی بود اما از نظر ادبی نیز در دوره انتقال نقش عمده ای ایفا کردند. از میان آثار عمده این نوع داستان نویسی باید به عناوین ذیل اشاره نمود:

— رمان «کیکوکو بیدان»<sup>۱۲</sup> به معنای «داستان زیبایی از کشورهای کلاسیک» اثر «یانوفومیو»<sup>۱۳</sup> ۱۹۳۱ — ۱۸۵۰. این رمان که در ۱۸۸۴ تألیف شده، برای بیان افکار سیاسی از یک چهره تاریخی به نام «ایامینونداس»<sup>۱۴</sup> استفاده نموده است.

— رمان «کاجین نوکیگو»<sup>۱۵</sup> به معنای «ملاقات تصادفی با زیبارویان» اثر «توکای سانشی»<sup>۱۶</sup> ۱۹۲۲ — ۱۸۵۲. در این رمان که در سال ۱۸۸۵ منتشر شده قهرمان داستان در طی یک سفر دریایی با افراد گوناگونی

9. Shintaishinshō

10. Tenny san

11. Jiyūminken undō

12. Keikoku bidan

13. Yano Fumio

14. Epaminondas

15. Kajin nokigū

16. Tokai Sanshi

روبرو می‌شود که هر کدام طرفدار و سخنگوی یکی از نهضت‌های استقلال طلبانه مغرب زمین است.

— رمان «سه چوبائی»<sup>۱۷</sup> به معنای «شکوفه‌های آلودر زیر برف» اثر «سوهیرو تچو»<sup>۱۸</sup> ۱۸۹۶ — ۱۸۴۹. در این رمان که به سال ۱۸۸۶ منتشر شده، نویسنده بیان افکار و عقاید سیاسی خود، تصویری تخیلی از ژاپن قرن ۲۰ ارائه می‌دهد.

همه این رمانها، با وجود آن که غالباً سطحی و کم ارزش هستند. به سبب جاذبه‌ای که در حوادث داستان هست و نیز به سبب جلوه خاص محیط و افکار زمینهای دور دست، خوانندگان فراوان داشته‌اند.

### اولین رمانهای نو

در حدود سال ۱۸۸۵، در صحنه ادبیات ژاپن نسل جدیدی ظهور می‌کند. مؤلفان و ادیبان نسل نو که خود را نه نویسندگان مبارز و یاروشنفکران مربئی بلکه فقط هنرمند می‌خوانند دست به انتشار آثاری شامل رمان و داستان، کتب تحقیقی و نقد، ترجمه از آثار بیگانه زدند و تلاش می‌کنند که مبانی ادبیات مسیحی را از نظر فکر و اندیشه، زیباشناسی، و زبان‌شناسی پی افکنند. نویسندگان نسل نو که اعتقاد راسخی به هنر محض خود داشتند هم آثار ادبی با بار آموزشی و تربیتی و هم هنر داستان‌نویسی سطحی و تخیلی عصر ادو را مطرود اعلام کردند و اندیشه‌های ادبی و هنری خود را در مقالات و کتب متعددی مطرح ساختند از جمله در یک کتاب تحقیقی با عنوان «شوسِتسو شینزوی»<sup>۱۹</sup> به معنای «جوهر رمان». در این کتاب که اثر «تسوبو اوشی شویو»<sup>۲۰</sup> ۱۹۳۵ — ۱۸۵۹ است و در طی دو سال ۱۸۸۵ و ۱۸۸۶ انتشار یافت. مبانی نوین اندیشه هنری به روشنی بیان شده است. به نظر این نویسنده هدف رمان نه «آموزش» است و نه «تفریح و سرگرمی». رمان باید بتواند به گونه‌ای رئالیستی انسان را با همه خلیات و عواطف و انگیزه‌هایش در بستر شرایط

17. Setchubai 18. Suehiro Tetchō

19. Shōsetsu shinzui

20. Tsubo ushi Shōyō



اجتماعی عصر توصیف کند تا بدین وسیله به واقعیت هنری و انسانی دست یابد. وی از رمان نویس می‌خواهد که با طرد و نفی پایه‌های هنر عصر «ادو» با دقت به تصویر قهرمانان خود و تجزیه و تحلیل و تعلیل اعمال وی بپردازد. البته این نوع اعتقاد ادبی قبلاً نیز به تفاریق مطرح شده بود اما «تسوبو اوچی» آنرا گسترش داد و به آن نظام بخشید. از نظر سبک انشائی و بیانی، «تسوبو اوچی» همچنان پایبند به زیباییهای ادب کلاسیک و کاربرد زبان روزمره در مکالمات است اما در مورد استفاده از شیوه توصیفهای طولانی و ملال آور گذشته، نظر موافقی ندارد. نظریه‌های ادبی وی با موجی از ردّ یا تأیید روبرو می‌شود، اما همه همعصران وی با او در این نکته متفق القولند که تألیف رمان به عنوان یک نوع ادبی نوین، حرفة شریفی است که باید مورد توجه روشنفکران قرار گیرد. این گونه تأیید و تجلیل از رمان موجب شد که در یکطرف با گذشته ادبی سرعت قطع رابطه شود و از طرف دیگر شمار زیادی از هنرمندان جوان و دانشگاهیان به سوی هنر رمان نویسی روی آورند و با افزایش تعداد جراید همیشه صفحات متعددی برای چاپ آثار اولیه این نسل جوان وجود داشت. «تسوبو اوچی» سعی کرد نظریه‌های ادبی خود را در اولین رمانش با عنوان «توسی شوسی کاتاگی»<sup>۲۱</sup> به معنای «چهره دانشجویان امروز» در عمل به کار بندد، اما وی که در این رمان به تصویر شخصیت و خلیات دانشجویان دانشگاه سلطنتی ژاپن پرداخت، خود در همان دامهایی افتاد که دیگران را از آنها بر حذر داشته بود. بعد از این شکست نسبی «تسوبو اوچی» باز هم کوششهایی به عمل آورد ولی، اگر چه اثر دیگر وی، داستان کوتاهی تحت عنوان «سایکون»<sup>۲۲</sup> به معنای «زوجه» نمونه خوبی برای رمان نوین به شمار می‌رفت و اثری رئالیستی، منسجم و قابل ملاحظه بود. این نویسنده بزرگ از رمان نویسی دست کشید و بقیه عمر هنری خود را صرف نقد و پژوهش ادبی کرد.

اولین رمانی که «تسوبو اوچی» خواسته بود، در سال ۱۸۸۹ توسط «فوتاباته ئی شیمه ئی»<sup>۲۳</sup> ۱۹۰۹ - ۱۸۶۴ نوشته شد این رمان، با عنوان

21. Toseishosei katagi

22. Saikun

23. Futabatei Shimei

«اوکی گومو»<sup>۲۴</sup> به معنای «ابره‌ای پراکنده» یک رمان نوین بود که هم از نظر شکل و محتوا و هم از لحاظ شیوه تصویر قهرمانان و رابطه آنها با شرایط اجتماعی، با تئوریهای ادبی «تسوبو اوچی» کاملاً منطبق بود و عملاً هیچ پیوندی با اندیشه و روح ادبی عصر «ادو» نداشت. قهرمان داستان، «بونزو»<sup>۲۵</sup> روشنفکر جوانی است که در نقش یک کارمند متوسط ظاهر می‌شود، چهره‌ای که نمایانگر طبقه متوسط شهرنشین جامعه نوین ژاپن است. شخصیتی است معمولی که بین دو گرایش دست و پا می‌زند: اخلاق سنتی و تربیت خانوادگی و ارزشهای نوین اجتماعی یعنی حرص، جاه‌طلبی و سودخواهی که در خلیقات قهرمان دیگر داستان یعنی «نوبورو»<sup>۲۶</sup> مجسم شده است. نگاه «فوتاباته‌ئی» به جامعه ژاپن عصر خود، نگاهی تند و گاهی طنزآمیز است اما بیان وی همچنان ادبی باقی مانده زیرا با اجتناب از کاریکاتورسازی و بیان ابهام‌آمیز و بدون آن که مشوق حالات نوستالژیک باشد، به تصویر قهرمانان خود می‌پردازد. شخصیتهایی که با انگیزه‌های قوی به سوی عمل گام برمی‌دارند و نویسنده ضمن تسلط بر تحول روانی قهرمانانش با دید خوشبینانه به تصویر چهره‌های آنان می‌پردازد.

از نظر زبان و شیوه بیان، در رمان «اوکی گومو» نوعی نوسازی روشن به چشم می‌خورد: هر چند برخی از بخشهای کتاب چهره‌ای با سبک و سیاق ادبیات عصر «ادو» را دارد اما نویسنده توانسته است سبکی نو ارائه کند، سبکی که در آن بین زبان کتابی و زبان محاوره‌ای نوعی اتحاد صورت گرفته، ترکیبی که به اصطلاح ژاپنی «گمبون ایچی»<sup>۲۷</sup> نامیده‌اند و این رمان، برای بیان هر چه روشنتر خود به چنین زبانی نیاز داشته است. آنچه را که سبک یا تئوری «گمبون- ایچی» می‌نامند ساخته و پرداخته «فوتاباته‌ئی» نیست، اما وی اولین کسی است که آن را به صورتی بسیار دقیق در ادبیات به کار گرفته است. این نویسنده که در طرح تئوریهای ادبی بسیار جسورتر از «تسوبو اوچی» بود، به هنگام ترجمه آثار گوگل و تورگینف با این مشکل بیانی برخورد کرد، اما از عهده برآمد و هم از طریق رمان خود و هم

ترجمه‌هایش از آثار غربی، این سبک را به عنوان ابزار بسیار کارسازی در بیان داستانی و توصیف چهره‌ها تحمیل کرد. سبکی که در عین داشتن ظرفیت هنری مانع از آن می‌شود که نویسنده به سوی ابتدال و روشهای عوام‌پسند کشیده شود علاوه بر این دو نویسنده، نویسندگان جوان دیگری نیز، با عرضه آثار با ارزش نظر جامعه را به سوی خود جلب کردند. در سال ۱۸۸۵ گروه کوچکی از نویسندگان اقدام به تشکیل اولین «کانون هنرمندان» کردند و اسم کانون خود را «دوستان قلمدان» گذاشتند. پس از آن، ایجاد این نوع کانونهای نویسندگان – که به زبان ژاپنی «بوندان»<sup>۲۸</sup> می‌نامند – رواج یافت. کانون «دوستان قلمدان» با تأسیس مجله ویژه خود نقش عمده‌ای در حیات ادبی ژاپن بازی کرد. اعضای این کانون نه در حرف دارای گرایش واحد و ثابتی بودند و نه در عمل. نظریه‌های هنری آنها گاهی در جهت آراء هنری «تسوبواچی» بود گاهی به سوی نوعی «ادب کلاسیک نوین» ارتجاعی گذشته‌گرا تمایل پیدا می‌کرد. به طور کلی می‌توان گفت که اعضای کانون «دوستان قلمدان» در مقابل غرب‌گرایی افراطی عصر خود عکس‌العمل نشان می‌دادند و علاقه به احیاء نسبی ناسیونالیسم داشتند. از نظر سبک و سیاق ادبی نیز آراء مختلف داشتند و در نشریه خود، هم آثار قلمی بسیار مدرن و هم نوشته‌هایی که به زبان و سبک کلاسیک نوشته شده بود درج می‌کردند. این اختلاف سلیقه‌ها دوام نیاورد و بالاخره موج نوگرایی همه‌را به یکسو کشاند به گونه‌ای که حتی عضو ارشد کانون بنام «اوزاکی کویو»<sup>۲۹</sup> ۱۹۰۳ – ۱۸۶۷ به تدریج خود را به دیدگاه «گمبون ایچی» و تکنیکهای رئالیستی نزدیک نمود. اگرچه امروزه اکثر داستانهای این نویسنده دیگر خواننده‌ای ندارد. (داستانهای مربوط به زنان عاشق تیره‌روز که غالباً از ادبیات «سایاکا کو» الهام می‌گرفت) در عین حال آخرین اثر وی تحت عنوان «کونجی کی یاشا»<sup>۳۰</sup> به معنای «شیطان طلایی» هنوز هم خوانندگان بی‌شمار دارد. این اثر که از سال ۱۸۹۷ به تدریج به صورت پاورقی انتشار یافت، چنان مقبولیتی یافت که نمایشنامه‌ها و فیلمها و سریالهای تلویزیونی متعددی بر مبنای آن

28. bundan

29. Ozaki Kōyō

30. Konjiki yasha

ساخته شد. این رمان که آنرا جزویکی از بزرگترین آثار ادبی میچی، باید به‌شمار آورد در باره زندگی قهرمانانی سخن می‌گوید که بین احساسات و گرایشهای متضاد دست و پا می‌زنند: عشق و عطش طلا، میل به انتقام و گرایش به هتک حرمت دیگران. این اثر، هم به جهت چشم اندازی که از جامعه عصر خود بدست می‌دهد و هم از نظر ساخت داستانی که نوعی ملودرام است، یکی از ارکان عمده ادبیات ملی (به زبان ژاپنی «تایشوبونگاکو»)<sup>۳۱</sup> به‌شمار می‌آید که از آن پس روزبروز رواج و گسترش بیشتریافت.

رمان‌نویس موفق دیگر این دوره «کودا روهان»<sup>۳۲</sup> است که بین سالهای ۱۸۶۷ — ۱۹۴۷ می‌زیسته است. منتقدین ادبی غالباً ادبیات دهه سوم عصر میچی را بدون توجه ویژه به این دوران بررسی نمی‌کنند. برخلاف «کویا» که غالب قهرمانان داستانهای خود را از میان زنان برگزیده «روهان» بیشتر به قهرمانان مرد، آن‌هم از میان طبقه هنرمند انتخاب کرده است. قهرمانان آثار وی هدفها و تلاشهای خود را در نوعی چارچوب سنتی خاص خاور دور محدود نموده‌اند، همان چیزی که در مجسمه هنری «بتخانه پنج طبقه»، ساخته شده در ۱۸۹۱ می‌بینیم. نام این اثر به زبان ژاپنی «کوجونوتو»<sup>۳۳</sup> است. «روهان» با وجود موفقیت و رواج بسیار زیاد رمانهایش، خیلی زود هنر داستان‌نویسی را کنار گذاشت و به سوی مطالعات تاریخی روی آورد و بقیه عمر خود را وقف این رشته، بخصوص وقف تألیف یک اثر تحقیقی بزرگ درباره «باشو»<sup>۳۴</sup> — کشیش و شاعر مشهور قرن ۱۷ ژاپن — کرد:

از میان نویسندگان متعددی که، بدون طرد و نفی کامل اندیشه‌های هنری «تسوبو-اوچی» گرایش نسبی به بازگشت به سنتهای ژاپنی نشان دادند، افراد زیر را باید نام برد:

— «یامادابی میو»<sup>۳۵</sup> ۱۹۱۰ — ۱۸۶۸. که یکی از پیشاهنگان

«گمبون ایچی» است.

— «هیگوجی-ایچیو»<sup>۳۶</sup> ۱۸۹۶ — ۱۸۷۲.

31. taishûbungaku

32. Kôda Rohan

33. Gojû no tô

34. Bashô

35. Yamada Bimyô

36. Higuchi Ichio

این نویسنده که زن است و به نحوی سمبل ظهور زنان در صحنه ادبیات محسوب می‌شود، به سبب سطح کیفی قابل ملاحظه آثارش، آبرو و اعتبار خود را تاکنون نیز حفظ کرده است. «هیگوچی» در طول عمر کوتاه خود، علاوه بر کتاب خاطراتش چندین داستان نوشت که از میان آنها، داستان «تاکه کورابه»<sup>۳۷</sup> به معنای «بزرگ شدن» شهرت بیشتری دارد. وی، اگر چه برای فضای داستانهایش، محلات بدنام و محافل عیاشی را انتخاب کرده و در سبک بیانی «سایکاکو» تقلید کرده، آثارش، مجموعاً مناسب با دوره تجدید حیات ادبی عصر میجی است زیرا با درک روان‌شناسانه و با نگاه انتقادی خاصی، مسأله شرایط زندگی زنان در جامعه ژاپن را بررسی می‌کند و از آثار وی در راستای همان مسائل مطروحه عصر است.

### افزایش تعداد جریان‌های ادبی

در دهه آخر قرن نوزده، جنگی بین چین و ژاپن اتفاق می‌افتاد که نتیجه آن بخوبی نشان داد که اصلاحات عصر میجی تا چه اندازه در ژاپن مؤثر بوده است. در این دهه است که دوران «انتقال» از ادب سنتی به ادب نوین به پایان می‌رسد و غالب نویسندگان عصر، بر طبق اندیشه‌های ادبی «تسو بوایچی» و «فوتاباته‌ئی» کام برمی‌دارند. از این زمان به بعد که مکاتب و جریانهای ادبی متعددی به سرعت سر برآوردند، امانامهای این مکاتب غالباً با محتوا و مشی هنری آنها انطباق ندارد و نباید فریب واژه‌های ظاهری را خورد، واژه‌هایی که غالباً از زبان ادبی مغرب زمین اقتباس شده است.

در طول سالهای جنگ چین و ژاپن، طبقه روشنفکر هم در جریان بسیج عمومی مقاومت و دفاع مشارکت نمود و به رسالت خود ایمان داشت، یعنی نوسازی و پیشرفت ژاپن در عین بیدار کردن برادر بزرگ به خواب رفته‌اش (چین). با وجود مشارکت طبقه روشنفکر دفاع ملی، ادبیات، خود را درگیر جهان‌بینی رسمی حکومت نکرد و حتی المقدور از سیاست روز برکنار ماند و همه توجه خود را معطوف

به احساسات و عواطف و عالم درونی انسان منفرد نمود. معه‌ذا، این ادبیات بکلی از مسائل اجتماعی برکنار نمی‌ماند بلکه با نظری انتقادی بر ساختار جامعه و ابعاد سیاسی- اقتصادی نظام حاکم می‌نگرد و عقیده دارد که نظام موجود چیزی جز شبکه‌ای از پیشداوریها، قراردادهای مندرس و محدودیت‌های اخلاقی نیست و چنین جامعه‌ای مانع از شکوفایی کامل فرد و ارضای عواطف عاشقانه او است.

«توکوتومی روکا»<sup>۳۸</sup> ۱۹۲۷ - ۱۸۶۸: وی که برادر کوچکتر «سوهو» است. یکی از فعالان عالم مطبوعات در جناح چپ لیبرال بود. وی در اثر خود تحت عنوان «هوتوتوگیسو»<sup>۳۹</sup> به معنای «فاخته»، تضاد یک زن را با خانواده شوهرش تصویر می‌کند. این رمان یکی از پرفروش‌ترین آثار عصر خود بود. روکا، پس از مدتی، از مریدان تولستوی شد و بیشتر به تحریر مقالات پژوهشی یا داستان‌هایی به صورت «سرگذشت نویسی» پرداخت.

یکی دیگر از نویسندگان این دوره «ایزومی کیوکا»<sup>۴۰</sup> ۱۹۳۹ - ۱۸۷۳ بود. وی که شاگرد «اوزاکی کویو»<sup>۴۱</sup> بود، فعالیت ادبی خود را با نوشتن رمانهای ایدئولوژیک (به زبان ژاپنی «کین نین شوستسو»<sup>۴۲</sup>) آغاز کرد. از جمله آثار عمده وی باید به رمان «یاکو جونسا»<sup>۴۳</sup> به معنای «گشت شبانه یک پاسبان» اشاره کرد. در این رمان که به سال ۱۸۹۵ انتشار یافت، نویسنده همان مسأله سنتی «جدال بین وظیفه و احساس» را مجدداً مطرح ساخته است. «کویو» مدت زیادی در این فضای داستانی باقی نماند و خیلی زود به دنیای رمانتیک و تخیلی و در این مقوله به موفقیت کامل رسید بخصوص در داستان «کویا هیجیری»<sup>۴۴</sup> به معنای «مرد مقدس کوه کویا» که در سال ۱۹۰۰ انتشار یافت.

برخی از نویسندگان در شیوه برخورد خویش با جامعه عصر «میجی» و مسائل ناشی از تضاد الزامات نوین با آرزوها و امیال فردی، با نوعی بدبینی به سوی یک جریان ناتورالیستی گرایش پیدا می‌کنند. گرایشی که خیلی زود بر رمان ژاپنی سایه افکن می‌شود. برخی دیگر با دلسوزی نسبت به هر آنچه در شرایط کنونی جامعه

38. Tokutomi Roka 39. Hototogisu 40. Izumi Kyōka 41. Ozaki Kōyō

42. Keno nen shōsetsu 43. Yakō Junsu 44. Kōya Hijiri

قربانی نوسازی شده‌اند، به سوی ادبیات سوسیالیستی روی می‌آورند که مدتی بعد جای خود را باز می‌کند.

در این برهه است که غالب نویسندگان بزرگ تمایل دارند تا حد امکان به تصویر فقر و فلاکت جامعه بپردازند. به طوری که حتی، «کونیکیدا دوپو»<sup>۴۵</sup> که از اولین نویسندگان رمانتیک ژاپن است، از این گرایش برکنار نمی‌ماند و در رمان ۱۹۰۸ - ۱۸۷۱ خود تحت عنوان «گِن اوجی»<sup>۴۶</sup> به معنای «گِن سالخورده» با وجود سبک غنایی اثر، به مسأله فقر می‌پردازد، اما به آن، به منزله نوعی سرنوشت محترم می‌نگرد. نویسنده دیگر «موری اوگائی»<sup>۴۷</sup> نیز در همین مسیر گام برمی‌دارد، لیکن تیره‌روزی قهرمانان خود را نه ناشی از یک تقدیر غیرقابل اجتناب بلکه ناشی از تصمیمهای بیجا و ندانم کاری خود قهرمانان (که تا حدی ناشی از الزامات اجتماعی است) می‌داند و قهرمان رمان وی تحت «مائی هیمه»<sup>۴۸</sup> به معنای «رقاصه» همین سرنوشت را دارد. در این رمان که در سال ۱۸۹۰ انتشار یافت از سبک ویژه «بیان اول شخص مفرد» استفاده شده (سبکی که به زبان آلمانی Ich-Roman یعنی «رمان من» می‌نامند و در زمان ژاپنی، برای آن واژه «شی شوستسو»<sup>۴۹</sup> را انتخاب کرده‌اند). این سبک خیلی سریع رواج یافت اما دیدگاههای نویسندگان این نوع رمان با دیدگاه مبتکر اولیه آن تفاوتهای عمده پیدا کرد. با وجود اختلافات جریانه‌های ادبی، در همه آنها گرایش به بیان مافی الضمیر نویسنده و یا تصویر جامعه به صورت «سرگذشت شخصی» (اوتوبیوگرافی) و با کمک بیان اول شخص مفرد، مشترک است و بدین علت است که آثار این دوره نه حاصل ذهن خلاق نویسندگان بلکه محصول تجارب شخصی و محدود خود آنهاست.

### ناتورالیسم

واقعه جنگ روس و ژاپن در ابتدای قرن بیستم موفقیت خط ادبی و هنری را (که از سال ۱۸۶۸ ترسیم شده بود) در خارج از مرزها نیز تثبیت کرد. در برخورد با

نزاع روس و ژاپن روشنفکران ژاپن نظریه‌های یکسان نداشتند و آن اتحاد و همدلی که در جنگ با چین مشاهده شد، در اینجا تحقق نیافت. عده‌ای، البته نه قابل ملاحظه، در مقابل این حادثه موضع مخالف موضع ملی‌گرایی گرفتند. این عده که غالباً مسیحی و صلح‌طلب بودند و از طرفی کم و بیش گرایشهای سوسیالیستی و سندیکالیستی داشتند، تعدادی شاعر و نویسنده نیز در برداشت برجسته‌ترین نماینده این طبقه «کینوشیتا ناوئه»<sup>۵۰</sup> ۱۹۳۷ — ۱۸۶۹ بود که دو رمان اجتماعی وی به نامهای زیر خیلی مورد اقبال قرار گرفتند:

- رمان «هینوهاشیرا»<sup>۵۱</sup> به معنای «ستون آتش» که در ۱۹۰۴ انتشار یافت.
- رمان «ریوجین نو جیهاکو»<sup>۵۲</sup> به معنای (اعترافات یک شوهر) که در فاصله سالهای ۱۹۰۴ و ۱۹۰۶ انتشار یافت.

اگرچه این دو اثر از لحاظ تصویر و تجسم اخلاق و روابط خانوادگی و اجتماعی تاحدی به مکتب ناتورالیسم وابستگی دارد، لیکن، از طرف دیگر با بیان اعتماد و اعتقاد به انسان و تصویر قهرمانان مثبت و مؤثر در انتخاب سرنوشت، انسانهای روشنفکر مسؤول در خدمت مردم، نویددهنده جریانها و نهضت‌های اومانیستی دوره‌های بعد از خود هستند.

اولین رمانهای ژاپنی که تحت تأثیر ناتورالیسم فرانسه نوشته شد، بیش از مسائل محدود خانوادگی، به مشکلات اجتماع. در میان این نوع آثار، به دو اثر زیر باید اشاره کنیم، کمتر از دیگران به مسائل احساسی و بیان سرگذشت پرداخته‌اند و بیش از همدوره‌های خود به اجتماع و واقعیت‌های عصر نظر داشته‌اند.

- رمان «جیگوکو نوهانا» به معنای «گل‌های جهنم» که در سال ۱۹۰۲ انتشار یافت. این رمان اثر «ناگائی کافو»<sup>۵۳</sup> ۱۹۵۹ — ۱۸۷۹ است.

- رمان «هاکائی»<sup>۵۴</sup> به معنای «گسستن از حرام» که در سال ۱۹۰۶ انتشار یافت. این رمان اثر «شیمازاکی توسون»<sup>۵۵</sup> ۱۹۴۳ — ۱۸۷۲ است.

اقا این دو نویسنده، در مسیری که انتخاب کرده بودند پایدار نماندند زیرا

50. Kinoshita Naoc

51. Hino hashira

52. Ryōjin no jihaku

53. Nagai Kafū

54. Hakai

55. Shimazaki Tōson



«کافو» تغییر مشی داد و کاملاً به سوی ناتورالیسم کامل روی آورد و «توسون» هم از مضامین اجتماعی که در رمان خود (گسستن از حرام) کمابیش مورد توجه قرار داده بود از جمله تبعیضات اجتماعی، به دور افتاد.

مدتی بعد، یعنی در ۱۹۰۷، «تایاما کاتائی»<sup>۵۶</sup> ۱۹۳۰ — ۱۸۷۲ با انتشار رمان خود تحت عنوان «فوتون»<sup>۵۷</sup> به معنای «تشک» ورود گرایشی نوین را به ادبیات ژاپن اعلام کرد و آن «اعتراف» و «بیان حال» است. در این داستان نویسنده از یک ادیب سخن می‌گوید، مرد محترمی که پدر یک خانواده است ولی در میان دو احساس متضاد قوی دست و پا می‌زند: حفظ موقعیت و پای بندی به مسؤولیت خانوادگی و عشق آتشین به دختر جوانی که به عنوان شاگرد خصوصی با او آمد و رفت می‌کند. این رمان از موفقیتی کم نظیر برخوردار شد و از آن پس بود که مکتب ناتورالیسم ژاپن راه خود را هموار کرد و به بیان صادقانه و بی پرده واقعیت انسان پرداخت، انسان وحشی و خشن برای بیان چنین انسانی، نویسندگان به کالبد شکافی روح خود یا نزدیکان خود می‌پرداختند. مضمون اصلی و مرکزی آثار این نویسندگان تصویر فرد انسانی بود که در چنبر سه ارزش، سه کشش متضاد شقه می‌شود:

۱ — اخلاق سنتی که پرورنده شخصیت آنهاست و هنوز هم حاکم بر اداره روابط خانوادگی است.

۲ — نظام بوروکراسی و سرمایه داری حاکم در جامعه ای که باید در آن زندگی کنند.

۳ — الزامات انسان «طبیعی» که می‌خواهد آزادانه هوسها و امیال خود را در عرصه عشق و هنر ارضا کند.

این شرایط جانکاه بیشتر مبتلا به نویسندگان جوان و آبرومند شهرستانی بود که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر اقتصادی در زیر چرخهای بی رحم تحولات و تکانهای عصر، ورشکسته شده بودند و توانایی آنرا هم نداشتند که با جریان آب شنا

کنند و خود را با جامعه نوین انطباق دهند.

بعد از موفقیت رمان «تشک» نویسنده آن یعنی «تایاما» کتابهای دیگری در همان حال و هوا نوشت که در اینجا باید بخصوص از تریلوژی وی یاد کنیم که در فاصله سالهای ۱۹۰۸ و ۱۹۱۰ انتشار داد. این سه کتاب عبارت بودند از:

— «سه ئی»<sup>۵۸</sup> به معنای «زندگی»

— «تسوما»<sup>۵۹</sup> به معنای «زوجه»

— «ان»<sup>۶۰</sup> به معنای «پیوندها»

«تایاما» زمانی که توانست برای مدتی کوتاه خود را از علایق خانوادگی جدا کند در کتاب «ایناکاکیشی»<sup>۶۱</sup> به معنای «معلم دهکده» که در سال ۱۹۰۹ به رشته تحریر درآورد. مهارت واقعی خود را در توصیف عینی محیط زندگی نشان داد، چیزی که خود همواره توصیه می نمود اما نتوانسته بود با نوشته های «اوتوبیوفاک» از عهده آن برآید.

نویسنده دیگر این دوران «شیمازاکی توسون» نیز به توصیف بسیار دقیق برخی از حوادث و رخدادهای زندگی خود پرداخت که در رمان «ئی ئه»<sup>۶۲</sup> به معنای «منزل» آمده است. وی، در این رمان که در سال ۱۹۱۰ انتشار یافت فروپاشی و تغییر و استحاله ساختار سنتی خانواده را در ژاپن تصویر کرده است. وی، همچنین، در کتاب دیگر خود تحت عنوان «شین سه ئی»<sup>۶۳</sup> به معنای «زندگی نو» به توصیف سالهای تبعید اختیاری در فرانسه و رابطه عاطفی خود با دختر خواهرش و بالاخره گسستن این پیوند اشاره می کند. این کتاب در ۱۹۱۸، بعد از مراجعت نویسنده به وطن پس از سالها دوری، به چاپ می رسد. «شیمازاکی» با تبعیت از سبک «فوتون» سعی می کند به کمک «اعتراف به گناه» خود را از چنگ مسائل و مشکلات شخصی رها کند، اما «آکوتاگاوار یونوسوکه»<sup>۶۴</sup>، با فکری قوی و نقاد پرده از عوام فریبی و دورویی او برداشت.

از میان سایر نویسندگانی که وابسته به نهضت ناتورالیستی بودند باید ابتدا از

58. Sei      59. Tsuma      60. En      61. Inaka Kyôshi      62. Ie  
63. Shinsei      64. Akutagawa Ryûnosuke

مشهورترین آنان یعنی «توکودا شوسه‌ئی»<sup>۶۵</sup> ۱۹۴۳ — ۱۸۷۱ نام برد که آثار عمده وی عبارتند از:

— رمان «آراجوتائی»<sup>۶۶</sup> به معنای «زوج جوان». در این رمان که به سال ۱۹۰۸ انتشار یافته نویسنده زندگی سرد و بی روح یک زن و مرد جوان را که فروشنده جزء هستند تصویر کرده است.

— رمان «آشیاتو»<sup>۶۷</sup> به معنای «جای پا» که در آن نویسنده از سرگذشت و حوادث زندگی همسر خود، قبل از ازدواج با وی سخن می‌گوید، این رمان در ۱۹۱۰ منتشر شد.

— رمان «کابی»<sup>۶۸</sup> به معنای «پوسیدگی». نویسنده در این کتاب که به سال ۱۹۱۱ منتشر نمود، به تصویر زندگی خانوادگی خود پرداخته است. نویسنده دیگر این وادی «ماسامونه هاکوچو»<sup>۶۹</sup> است (۱۹۶۲ — ۱۸۷۹). وی بعد از نوشتن رمان «دوکوه»<sup>۷۰</sup> در سال ۱۹۰۸ و چند داستان دیگر ناتورالیستی به سوی نقد ادب روی آورد و در این زمینه مقام ممتازی کسب کرد.

نویسنده دیگر «ایوانو هومه‌ئی»<sup>۷۱</sup> ۱۹۲۰ — ۱۸۷۳ بعد از این که مدتی به عنوان شاعر ارج و اعتباری داشت به سوی رمان‌نویسی روی آورد و در ۱۹۰۹ رمان «تان‌دکی»<sup>۷۲</sup> به معنای «خوشگذرانی» را نوشت. پس از آن نیز قصه‌های متعددی نوشت که مهمترین آنها، در فاصله سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۱۸ تحت عنوان «گوبوساکو»<sup>۷۳</sup> به معنای «آثار در پنج بخش» جمع‌آوری شد. وی برخلاف سایر ناتورالیستها، مدعی نبود که تجارب زندگی خود را با دیده عینی نگریسته و توصیف کرده، بلکه به بیان افکار فلسفی پرداخت و با اعتقاد به این که «هنوز به معنای عمل است» به سوی «شینتو» و ناسیونالیسم گرایش پیدا نمود.

## شعر

در این زمان شعر نیز متحول شد و اشکال و قالبهای خود را به اقتضای

65. Tokuda Shusei

66. Aragotai

67. Ashiato

68. Kabi

69. Masamune Hakuchō

70. Dokoe

71. Iwano Hōmei

72. Tandeki

73. Gobusaku

روزگار نوین تغییر داد. اگرچه شاعران عصر «میجی» سعی کردند انواع شعر را به سبک نوین ملهم از مغرب زمین درآورند درعین حال اشکال سنتی را، بعد از دستکاری قواعد حاکم بر آن، بخصوص قواعد مربوط به انتخاب واژگان مناسب، نگهداشتند تا بتوانند کماکان به سرودن اشعاری با ۱۷ تا ۳۱ هجا ادامه دهند، شکلی که قرن‌ها متداول بوده است. یکی از هنرمندان اصلی که دست به نوسازی شعر «هایکو»<sup>۷۴</sup> زد «ماسائوکا شیکی»<sup>۷۵</sup> بود (۱۹۰۲ - ۱۸۶۷) که علاوه بر آثار شعری خود مقالات و پژوهشهای متعددی دربارهٔ اساتید این فن دارد. «شیکی» و شاگردانش با آثار خود که در مجله «هوتوتوگیسو»<sup>۷۶</sup> به معنای «فاخته» به چاپ رسانیدند. نوید بروزی جریان ادبی می‌داد که به توصیف رئالیستی طبیعت دلبسته بود، توصیفی بر مبنای انگیزه‌های کم و بیش امپرسیونیستی از آن دست که در نقاشان این سبک می‌توان سراغ گرفت.

گرایش غالب در محافل شعری، در اواخر قرن نوزدهم همچنان گرایش رمانتیک بود. هر چند که به قالبها و مضامین غربی نیز بی‌توجه نبود. به عبارت دیگر، شعر اواخر قرن نوزدهم به مغرب زمین توجه داشت و هم به اشکال سنتی «واکا» و «هایکو» و حتی انواع شعر بلند تاریخی به سبک چینی (که حتی در آثار شعری «دوی بانسوی»<sup>۷۷</sup> تا اواسط قرن بیستم هم به چشم می‌خورد). در سال ۱۸۸۹ یک «اوموکاگه»<sup>۷۸</sup> به معنای «مجموعه شعری» منتشر شد. این مجموعه شامل اشعار اروپایی بود که توسط شخصی به نام «موری اوگائی»<sup>۷۹</sup> ترجمه شده بود، شاعران جوان، از این طریق تشویق می‌شوند که در اطراف یک مجلهٔ ادبی به نام «بونگا کوکائی»<sup>۸۰</sup> به معنای «دنیای ادبیات» گرد هم آیند و به فعالیت ادبی بپردازند. بنیان‌گذار این مجله «کیتامورا توكوكو»<sup>۸۱</sup> ۱۸۹۶ - ۱۸۶۸ بود و مجله در سال ۱۸۹۳ به چاپ رسید. «شیمازاکی توسون» که دربارهٔ تاریخچه و فعالیت‌های این کانون سخن گفته، خود یکی از بهترین نمایندگان این جمع می‌زی بوده است، همچنان که مجموعه شعری وی تحت عنوان «جوانه‌ها» شاهد این مدعاست. پس از

74. Haiku 75. Masaoka Shiki

76. Hototogisu 77. Doi Bansui

78. Omokage

80. Bungakukai 81. Kitamura Tōkoku

آن مرکزیت جریان رومانتيسم ژاپن به مجله ديگري منتقل شد به نام «ميوجو»<sup>۸۲</sup> به معنای «ستاره صبح». اين مجله در سال ۱۹۰۰ توسط «يوسانو تکان»<sup>۸۳</sup> ۱۹۳۵ – ۱۸۷۳ تاسيس شد و عضو فعال و برجسته آن همسر خود وي به نام «آکيکو»<sup>۸۴</sup> بود (۱۹۴۲ – ۱۸۷۸) که اثر عمده وي تحت عنوان «گيسوان آشفته» – که در سال ۱۹۰۱ به چاپ رسيد – شهرت يافت. «واگا» هاي زيباي «يوسانو آکيکو»، نشان از فکر و قلم جسوري دارد که عليه سنت گرايي قد برافراشته، به احساسات و عواطف زنانه پرداخته و به دفاع از حقوق زن برخاسته است.

شعرو، به خدمت ايدئولوژي سوسياليستي تازه از راه رسيده نيز درآمد: در سال ۱۹۰۱ يك مجله به نام «سوسياليسم» (به زبان ژاپني «شاکاي شوني»)<sup>۸۵</sup> تاسيس شد که عده اي شاعر جوان در اطراف آن گرد آمدند و به فعاليت ادبي پرداختند. اين مجله با اعراض از جريان مسلط ادبي اومانيسم سعی کرد گرايش و طرفداري روشن و بي ابهام خود را نسبت به طبقه کارگر و جبهه گيريهاي انقلابي ابراز نمايد. اين جريان «سياسي شدن» ادبيات به مذاق طبقه حاکم خوش نيامد و به عنوان يك پاسخ تند، در سال ۱۹۰۳ مانع از انتشار مجموعه «اشعار سوسياليستي» شد. اين مجموعه توسط يکي از برجسته ترين نمايندگان ادب سوسياليستي يعني «کوداما کاگائي»<sup>۸۶</sup> ۱۹۴۳ – ۱۸۷۴ نوشته شده بود.

بلافاصله بعد از شروع جنگ بين روسيه و ژاپن، نفوذ رمانتيسم انگليسي و آلماني که تا آن زمان غالب بود به تدريج در مقابل رمانتيسم فرانسوي کم رنگ مي شود. در سال ۱۹۰۵، شخصي به نام «اوئه دا بين»<sup>۸۷</sup> ۱۹۱۶ – ۱۸۷۴ ترجمه هاي زيادي از آثار بودلر، ورلن و شاعران سمبوليست اروپايي را تحت عنوان «کاي چواون»<sup>۸۸</sup> به معنای «صدای جزر و مد» انتشار داد. اندکي بعد، يعني در سال ۱۹۱۳، مجموعه شعري ديگري مربوط به همين نوع جريانهاي ادبي اروپايي، انتشار يافت. اين مجموعه که تحت عنوان «مرجان» درآمد، توسط رمان نويس مشهور «ناگائي کافو»<sup>۸۹</sup> فراهم شده بود و موجب نفوذ هر چه بيشتر شعر فرانسه در ژاپن شد.

82. Myōjō

83. Yosano Tekkan

84. Akiko

85. Shakaishugi

86. Kodama Kagai

87. Ueda Bin

88. Kaichō-on

89. Nagai Kafū

مکتب رئالیسم که در این زمان در حوزه رمان تسلط داشت، به تدریج به عالم شعر هم راه یافت که بهترین نمونه آن آثار شاعر بزرگ «ایشی کاوا تاکوبوکو»<sup>۹۰</sup> است، یکی از بهترین شاعران این عصر و تنها شاعری که اعتبار و شهرت خود را تا زمان حال نیز حفظ کرده است. این شاعر، در دو اثر نام برده زیر به بیان بی پرده عواطف و احساسات خود پرداخته است:

— مجموعه شعری «یک مشت شن» منتشر شده در ۱۹۱۰.

— مجموعه شعری «اسباب بازیهای غم انگیز» منتشر شده در ۱۹۱۲.

از نظر شکل شعری، این دو مجموعه به صورت نوعی «واکا» نوشته شده که بر مبنای وزن ۵-۷ هجایی سنتی سروده شده است. وی که کم کم به شیوه تفکر آناارشیستی گرایش پیدا می‌کند. در آخرین سروده‌های خود، با استفاده از شکل آزاد شعری به ستایش انقلابیون روس می‌پردازد. از «تاکوبوکو» بعد از مرگ یک مجموعه شعری دیگر تحت عنوان «صوت و صفیر» به جا ماند. وی قبل از مرگ یک دفتر خاطرات و چند مقاله تحقیقی از خود به جا گذاشت و پیش از آن که به آرزوی نهایی خود — که رمان نویسی بود — برسد دارفانی را وداع گفت.

## تأثر

در حالی که عصر «میجی» به پایان خود نزدیک می‌شد، هنرمندان متوجه شدند که تلاشهای انجام شده برای نوسازی تأثر سنتی حاصل چندانی نداشته و «شینگکی»<sup>۹۱</sup> یعنی «تأثر نو» منحصراً بر ره آوردهای تأثر اروپایی متکی است و دو بنیان گذار بزرگ تأثر مدرن ژاپن یعنی «تسوبو اوچی شویو»<sup>۹۲</sup> و «اوسانائی کائورو»<sup>۹۳</sup>، در مراکز فعالیت نمایشی خود منحصراً آثار اروپایی (شکسپیر، ایسن، برناردشا، چخوف و مترلینگ) را روی صحنه می‌آورند و تنها در پایان این عصر بود که درام نویسان تازه کم کم موجودیت خود را بر صحنه تأثر ژاپن تحمیل می‌کنند. ناتوانی تأثر «کابوکی» در انطباق خود با شرایط جدید جامعه، در سالهای

90. Ishikawa Takuboku

91. Shingeki

92. Tsubo.uchi Shōyō

93. Osanai Kaoru

درگیری جنگ ژاپن، بیش از پیش آشکار شد. در سالهایی که غالب سالنهای تئاتر مملو از کسانی بود که به تماشای نمایشهای ملی و میهنی آمده بودند تأثر «کابوکی» با وجود چند بار تلاش بی فایده، همچنان با مضامین کلاسیک و قدیمی و دور از اوضاع و احوال روز در خود فرو رفته بود. در این سالها، یک مکتب نوین تأثری به نام «شیمپا»<sup>۹۴</sup> به معنای «مکتب نو» ظاهر شد که اگرچه از نظر اصالت و ریشه پایگاه محکمی نداشت اما به کمک هنرمندان مبارز تأثر سیاسی — لیبرال «سوشی شیبائی»<sup>۹۵</sup> توانست نمایشهای بزرگ و مؤثری روی صحنه بیاورد: نمایشهای سیاسی — نظامی مهم در سالهای جنگ و نمایشهای ملودرام در سالهای صلح. تأثر «شیمپا» که نمایشی ملی، سرگرم کننده و آشکارا تجارتنی بود، از یک طرف از دفترچه ها و نوشته های تأثر «کابوکی» و از طرف دیگر از مضامین رمانها و درامهای اروپایی و بخصوص آثار بزرگ ادبیات ملی اقتباس می کرد. این ناهماهنگی در انتخاب محتوا موجب آن می شد که نویسندگان جوان کمتر به سوی این هنر جلب و جذب شوند.

## از «تایشو» (Taishô) تا پایان جنگ جهانی دوم

### آغاز عصر «تایشو»

پایان عصر میجی با حوادثی همراه شد که طبقه روشنفکر را عمیقاً تکان داد. در ژانویه ۱۹۱۱ یازده نفر آنارشیزست که متهم به طرح توطئه علیه امپراطور بودند — و از تابستان پیش در بازداشت بسر می بردند — اعدام شدند. یکی از این یازده تن نویسنده‌ای بود به نام «کوتوکوشوسوی»<sup>۱</sup> که مثل غالب نویسندگان همدوره خود، فردی انقلابی بود. این واقعه اعمال سانسور و تفتیش عقاید «خطرناک» را از جانب دولت به اوج رسانید. بدین ترتیب بود که نویسندگان مشهوری — هر چند متفاوت از نظر طرز فکر و مشی سیاسی — آماج حملات دولت قرار گرفتند. پاره‌ای از این نویسندگان عبارت بودند از: «کافو»<sup>۲</sup>، «موری اوگائی»<sup>۳</sup>، «ایشیکاوا تاکوبوکو»<sup>۴</sup> و «توکوتومی روکا»<sup>۵</sup>. از میان این عده، تنی چند جرأت کردند با وجود سانسور شدید، ابزار وجود کنند مثلاً «روکا» در ملاعام به سخنرانی می پرداخت و «تاکوبوکو» به انتشار اشعاری در ستایش تروریستهای روس دست زد. و برخی نیز به کنج انزوا

1. Kotoku Shûsui

2. Kafû

3. Mori Ôgai

4. Ishikawa Takuboku

5. Tokotomi Roka



خزیدند و به فعالیت‌های ادبی بی خطر پرداختند مثلاً «کافو» به تألیف رمانهایی درباره زندگی مشتریان و میزبانان عشرتکده پرداخت و بعدها، در سال ۱۹۱۹، در کتاب خود تحت عنوان «هانابی»<sup>۶</sup> به معنای «آتشبازی» این اقدام خود را چنین توجیه کرده بود: «چون نتوانستم امیل زولای عصر خود بشوم بناچار به سوی ابتذال هنر عصر «ادو» روی آوردم». توجه به مسأله «آزادی اندیشه» بعد از اعلام «کوتوکو»، بشدت فکر «موری اوگائی» را به خود مشغول داشت زیرا «کوتوکو» بیشتر به خاطر عقاید و افکارش محکوم شد تا به اتهام مشارکت عملی در توطئه. لذا «موری اوگائی» که مقام مهمی در دولت داشت (رئیس بهداری ارتش بود) مجبور شد با نظام حاکم سازش کند ولی از موقعیت خود برای شکوفایی فکری و هنری استفاده کرد. وی در فاصله سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۱۲ به انتشار چند مقاله، داستان و متن ادبی دست زد از جمله:

— «چین موکونوتو»<sup>۷</sup> به معنای «قلعه خاموشی».

— «کانوینی»<sup>۸</sup> به معنای «انگار که...».

وی در آثار خود سعی می‌کرد که مسأله «آزادی اندیشه» را به شکلی معقول مطرح و حل نماید. در سال ۱۹۱۲ مبرگ امپراطور «میچی» فرا رسید. به دنبال مرگ وی، ژنرال «نوگی»<sup>۹</sup> فاتح جنگ روس و ژاپن و همسرش هر دو، به رسم خاص ژاپنها خودکشی کردند. ظهور مجدد این سنت که ظاهراً با تحولات و نوسازی جامعه به فراموشی سپرده شده بود تعدادی از نویسندگان را واداشت که در قضاوت خویش نسبت به سنتهای ملی (که گمان می‌کردند منحل و بی اعتبار شده است) تجدید نظر کنند. در مقابل این گذشته‌گرایی مجدد، طبقه جوان با بی‌اعتنایی و تحقیر برخورد می‌کند. اما نسل قدیمی‌تر، آنان که به نحوی از تربیت و آموزش سنتی مایه داشتند، به گذشته و سنتها مجدداً توجه می‌کنند. از جمله آنها باید از «موری اوگائی» و «ناتسومه سوسه کی»<sup>۱۰</sup> ۱۹۱۶ — ۱۸۶۷ نام برد. از این زمان به بعد بود که «اوگائی» به گذشته، به سوی ارزشهای «بوشیدو»<sup>۱۱</sup> عطف توجه می‌کند، ارزشهایی

6. Hanabi

7. Chinmoku no tô

8. Ka no yô ni

9. Nogi

10. Natsume Sôseki

11. bushido

که ژنرال «نوکی» به خاطر آنها آورده بود، اگر چه خود «اوگائی» نیز، بدون آن که به آن عملاً پایبند باشد، علاقه ای نسبت به آنها در خود حس می‌کرد. «سوسه کی» اگر چه همچنان محکم در ساحل جامعه نوین لنگر انداخته بود و به آن دلبستگی داشت، مع هذا مسأله خودکشی و اخلاق سنتی و ژاپنی در رمانهایش اثر گذاشت، بخصوص در رمان «کوکورو»<sup>۱۲</sup> به معنای «بیچاره این دل انسانی». از این رمان که در ۱۹۱۴ انتشار یافت، مسأله خودکشی ژنرال و همسرش در رفتار و گفتار قهرمانان منعکس شده است.

در آغاز عصر «تایشو» نویسندگان نه فقط باید موضع خود را در برابر ادب کلاسیک کشور خود و نفوذ ادب اروپایی روشن نمایند بلکه در برابر ادبیات نوین عصر «میجی» نیز باید پایگاه خود را مشخص کنند. مکتب ناتوریسم که در عصر «میجی» سلطه داشت حالا فقط طرفداران پروپاقرص خود را حفظ کرده و بهترین بخش ادب عصر «تایشو» در واقع عکس العملی در برابر افراط کاریهای ناتوریسم عصر «میجی» است. در این عصر عده ای را می‌بینیم که به سوی زیباشناسی گذشته توجه می‌کنند و به احیاء سبکهای بسیار متداول روی می‌آورند، اما عده ای دیگر، با سعه صدر و خوش بینی در صدد حل مسائل و مشکلاتی هستند که ناتوریستها را مأیوس کرده است. در این عصر نیز، انجمنهای متعدد ادبی تشکیل شده و به فعالیت می‌پردازند، اما فقط دو نفر توانستند ماهرانه و ریشه ای به تجزیه و تحلیل مشکلات «برخورد فرد و جامعه»، «تقابل کهنه و نو»، «تضاد ارزشهای سنتی و ارزشهای اروپایی» بپردازند. این دو نفر عبارت بودند از «ناتسومه سوسه کی» و «موری اوگائی». ذیلاً به عنوانهای آثار این دو نفر و محتوای آنها اشاره می‌کنیم:

«اوگائی» در فاصله اولین اثرش یعنی «مائی هیمه»<sup>۱۳</sup> و تحقیقات تاریخی اش آثار زیر را منتشر می‌کند:

— رمان «سه ئی نن»<sup>۱۴</sup> به معنای «نوجوان» که در سالهای ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ به

چاپ رسید

— رمان «گان»<sup>۱۵</sup> به معنای «غاز وحشی» که در سالهای ۱۹۱۱ و ۱۹۱۳ چاپ رسید.

این دورمان به تصویر وضع و زندگی طبقه جوان عصر پرداخته است.

— رمان «زندگی جنسی» که در سال ۱۹۰۹ منتشر شد.

این رمان نوعی بیانیه علیه «ناتورالیسم» است. نویسنده برای بیان مسائل مورد نظر خود، بویژه این عنوان را انتخاب کرده است تا در قالب آن به رقبای ادبی خود که شیفته ناتورالیسم عصر پیش بوده اند بتازد.

همچنین «اوگائی» از پژوهشهای تاریخی آخر عمر خود، مضامینی برای رمانهای خود انتخاب می‌کند. مثلاً رمان «تاکاسه بونه»<sup>۱۶</sup> به معنای «قایق تاکاسه» منتشر شده در ۱۹۱۶. پس از آن از لابلای بیوگرافیها به شکار مضامین مناسب می‌پردازد از جمله، بر این مبناست که رمان «شیبوه چوسائی»<sup>۱۷</sup> را می‌نویسد. شیبوه نام یکی از اطباء مشهور نیمه دوم قرن ۱۹ است. این کتاب را که در ۱۹۱۶ منتشر شد، شاهکار وی به شمار آورده اند.

«اوگائی» با غوطه خوردن در عمق تاریخ به این نکته عطف توجه می‌کند که چگونه بسیاری از ارزشهای اخلاقی گذشته، در مقابل سیل عجولانه، سطحی اقامت مخرب نوسازی و نوآوری نابود شد و به یکباره ژاپن را در یک خلاء اضطراب آور روحی فرو برد.

«تاتسومه سوسه کی» بعد از دو سال اقامت در انگلستان، کار رمان نویسی را با دو اثر زیر شروع می‌کند.

— رمان «واگاهائی وانکوده آرو»<sup>۱۸</sup> به معنای «من یک گربه ام» که در سال ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ انتشار یافت.

— رمان «بوتچان»<sup>۱۹</sup> به معنای «بچه» که در سال ۱۹۰۶ منتشر شد.

در رمان اول، نویسنده به توصیف محیط زندگی تنگ دلبسته روشنفکران دوره «میجی» که از طبقه کارمند هستند پرداخته و از آنجایی که در این توصیف

15. Gan      16. Takasebune      17. Shibue Chūsai

18. Wagahai va neko dearu      19. Botchan

طنزآمیز، از دید گربه خانه به آنها می‌نگرد، این عنوان را انتخاب نموده است. در رمان دوم به شرح زندگی یک جوان قوی و درستکار و با زبانی شیرین و پر از طنز زندگی یکنواخت وی را به عنوان دبیر شهرستان توصیف می‌کند. پس از این دو داستان «تاتسومه» در سال ۱۹۰۶ رمان «کوساما کورا»<sup>۲۰</sup> به معنای «بالشی از علف» را که اثری اکسپرسیونیستی و بسیار شاعرانه بود نوشت و بدین ترتیب وارد مرحله بلوغ هنری می‌شود و دو رمان «سوره کارا»<sup>۲۱</sup> به معنای «وپس از آن» و «مون» به معنای «ذر» را انتشار داد. این دو رمان در سالهای ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ به چاپ رسیدند. این نویسنده، چند سال بعد از چاپ این دو رمان اخیر هم به فعالیت ادبی پرداخت اما در سال ۱۹۱۶، قبل از این که بتواند آخرین اثر خود را تحت عنوان «مه‌یان»<sup>۲۲</sup> به معنای «سایه روشن» به پایان برساند وفات یافت. اندیشه و اشتغال فکری عمده این نویسنده نیز مانند «اوگائی» همان خلأ روحی بود که از عدم تعادل بین منافع فرد و تعلقات فرهنگ سنتی ناشی می‌شد. قهرمانان داستانهای وی غالباً تلاش می‌کنند برای تأمین آزادی و آسایش فردی خود پیوندهای سنتی خانواده را پاره کنند، پیوندهایی که سرتاسر ادبیات عصر از آنها به عنوان «ارزش»های معتبر و قابل اعتنا یاد می‌کند و این تلاشی آسان نیست. از میان آثار «سوسه کی» فقط کتاب «میچی کوسا»<sup>۲۳</sup> به معنای «سرگردانی» است که جنبه داستانی ندارد و شرح احوال و حدیث نفس خود نویسنده است. معهذا، در پایان همین کتاب هم، میان حالت تسلیم و شکنجه روحی قهرمانان داستانهای پیشین نویسنده مطرح شده است. زندگی خود نویسنده هم شبیه به سرگذشت همان قهرمانان است که از سنتها می‌گسلند اما قادر نیستند، خارج از چهارچوب سنتها نیز با آنان که دوست دارند پیوند عاطفی مستحکمی برقرار نمایند و گرفتار این حالت دردناک «سرگردانی» می‌شوند.

## گروه «شیراکابا» (Shirakaba)

در حالی که «سوسه کی» و «اوگائی» به فعالیتهای ادبی و انتشارپی در پی آثار خود مشغول بودند، گروهی نویسنده جوان گردهم آمدند، کانونی ادبی به نام «شیراکابا» به معنای «سپیدار» تشکیل دادند و نشریه ای نیز به همین نام تأسیس نمودند که از طریق آن به مخالفت با جریانهای فکری مسلط برخاستند. انتشار مجله «سپیدار» نقش عمده ای در حیات فکری عصر «تایشو» ایفا کرد و در شناساندن بزرگان ادب جهانی (از قبیل «ایبسن»، «ویتمن»، «استریندبرگ») و همچنین رمان نویسهای بزرگ روس و مکاتب نقاشی اروپایی تأثیر قاطع داشتند. این کانون در عین حال به هنر خاور و رتوجه زیادانشان داد و چندین شماره از نشریه خود را به بررسی ارزشهای «پیکرتراشی» بودایی و آثار و باغهای سنگی و معماری سنتی تخصیص داد. برخلاف هنرمندان ناتورا لیست که غالباً از میان خانواده های اشراف شهرستانی برخاسته بودند، یعنی از طبقه ای که به عنوان کارمند و عامل دولت، در نظام جدید جا افتاده بودند، یعنی در واقع طبقه ای از اشراف قدیم یا جدید که توانسته بودند پایگاهی در نظام بوروکراسی و سرمایه داری پیدا کنند. این جوانان در مرکز حکومت تحصیلات دانشگاهی خود را به انجام رسانده و از مزایای آن هم برخوردار می شدند و موقعیت آنها با آن رشته افکار اومانیستی و علائق ادبی که انتشار می دادند کاملاً انطباق داشت. از میان نویسندگانی که از این گروه برخاستند «آریشیما تاکه نو»<sup>۲۴</sup> ۱۹۲۳ - ۱۸۷۸ موقعیت ویژه ای دارد زیرا برخلاف دوستان و همکاران خود که سرشار از خوشبینی و امید و طرفدار لذت جویی بودند، به نوشتن آثاری پراز تیرگی و اضطراب و بدبینی پرداخت که هم از نظر مضمون و محتوا و هم سرنوشت غم انگیز قهرمانانش، برخلاف مشی کانون «شیراکابا» بود زیرا نه افکاری مبارزه جویانه و نه راه حلی برای تیره روزیها ارائه می کند و آثار وی نوعی بازگشت به ادبیات عصر پیش از «تایشو» است. دو اثر عمده این نویسنده عبارتند از:

— رمان «کائین نو ماتسوه ئی»<sup>۲۵</sup> به معنای «جانشینان هایل» که در آن رنجهای یک زارع اجاره کار به تصویر کشیده شده است. این رمان در ۱۹۱۷ انتشار یافت.

— رمان «آرو اونّا»<sup>۲۶</sup> به معنای «یک زن» که در آن قهرمان داستان زنی است که مأیوسانه به مبارزه با سنتها برخاسته است. این رمان در ۱۹۱۹ انتشار یافت.

برخلاف نویسنده فوق الذکر، «موشاتوکوجی سانه آتسو»<sup>۲۷</sup> ۱۹۷۶ — ۱۸۸۵ که عضو مرکزی کانون ادبی «سپیدار» است، نماینده طرز فکر و مشی ادبی گروه است. از نظر وی «طبیعت انسانی اساساً با نیکی سرشته شده است. اگر از این سرشت نیکوپیروی کنیم همه مجادله‌ها و تضادها هموار خواهد شد. برعکس اگر بخواهیم به نام ارزشهای اخلاقی و اجتماعی آنرا در منگنه بگذاریم جز خسران و ناکامی حاصلی نمی‌بریم». با این اعتقاد و با اشاره به مضمون «خیانت در دوستی» است — که غالب قهرمانان «سوسه کی» برای پیروزی در عشق مرتکب می‌شوند و سپس، بر اثر احساس ندامت آرامش زندگی را از دست می‌دهند و «موشانوکوجی» در رمان خود تحت عنوان «دوستی» (۱۹۱۹) نشان می‌دهد که اگر انسان در فضایی آزاد دل به عشق بسپارد هیچ مشکلی زندگی وی را برهم نمی‌زند. برعکس در رمان «هوس» (۱۹۲۶) به این نکته می‌پردازد که «فداکاری» در مقوله‌های عشقی همه قهرمانان را به سیه‌روزی می‌کشاند. از لحاظ ادبی صرف مهم‌ترین نویسنده کانون ادبی «سپیدار» «شیگا ناویا»<sup>۲۸</sup> ۱۹۷۱ — ۱۸۸۳ است که داستانهای کوتاه او و نیز نوشته‌های مربوط به تجارب شخصی نویسنده، در نوع خود بسیار جالب هستند. آثار عمده وی عبارتند از:

— داستان کوتاه «هان نوهانزائی»<sup>۲۹</sup> به معنای «جنایت هان» که در سال ۱۹۱۳ انتشار یافت.

— داستان کوتاه «سهئی به ئی توهیوتان»<sup>۳۰</sup> به معنای «سهئی به ئی و

25. Kain no matsuei

26. Aru Onna

27. Mushanokôji Sancatsu

28. Shiga Naoya

29. Han no hanzai

30. Seibei to hyôtan

قمقمه هایش» که در سال ۱۹۱۳ منتشر شد.

— سرگذشت، تحت عنوان «کینوساکی نیت»<sup>۳۱</sup> به معنای «در کینوساکی» که در ۱۹۱۷ منتشر شد.

«شیگانائویا» با ذهنی روشن و نظری بلند توانست خود را در گیرودار حوادث عصر حفظ کند. هم به مسأله خودکشی ژنرال «نوگی» با تحقیر می‌نگریست، هم به جنبشهای پرولتاریایی و هم به سیاست جنگ طلبانه و فاشیستی حاکم در سالهای جنگ. وی در تلاش برای ساختن شخصیت خویش و جستجوی «من» واقعی اش، به تفحص و تعمق پرداخت و اگرچه در این راه، گاهگاهی گرفتار اندوه و سرخوردگی می‌شد اما همواره راه حل مشکلات را می‌یافت و حتی مانند قهرمانان کتابهایش، بعد از جدال با پیوندهای خانوادگی و قیود سنتی عاقبت مسائل خویش را به نحوی حل و فصل می‌کرد.

### ظهور مجدد سیاست نظامی‌گری

همه نویسندگان جوان از مشی ادبی کانون «سپیدار» پیروی نکردند: برخی از آنان پایه‌های ادبیات پرولتاریایی آینده را بنیان گذاشتند. همچنین یک جنبش دفاع از حقوق زن آغاز شد که فعالیت ادبی خود را با انتشار مجله «سه‌ئی‌تو»<sup>۳۲</sup> به معنای «جواب آیه‌ها» اعلام کرد. انتشار این مجله از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۶ ادامه داشت. نویسندگان این نهضت که رهبری آن برعهده دو نویسنده جوان یعنی «هیراتسوکا رایچو»<sup>۳۳</sup> ۱۹۷۱ — ۱۸۸۶ و «ایتوناوئه»<sup>۳۴</sup> ۱۹۲۳ — ۱۸۹۵ بود دست به انتشار مقالات، اشعار، قصه‌ها و داستانهای زیادی زدند که مضمون و محتوای همه آنها مسأله زن و حقوق وی و شرایط زندگی وی بود. سوسیالیستها و آنارشیستها هم از فضای نسبه آزاد لیبرالیسم عصر «تایشو» استفاده کردند، دوباره سر بلند کردند و دست به انتشار مجلاتی تازه زدند.

پیروزی متحدین در جنگ جهانی اول و وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه به

31. Kinosaki nite

32. Seito

33. Hiratsuka Raichō

34. Itō Naōe

نفوذ سوسیالیستها در ژاپن کمک کرد. آنها، در محدوده ادبی کار خود با انتشار مقالات و ایراد سخنرانیهای درباره «ادبیات توده ای» آغاز کردند. این فعالیتهای ادبی از سال ۱۹۱۶ کم کم شروع شد. مضمون «تأثر توده ای» نیز که از رومن رولان اقتباس شده بود به سرعت بر سر زبانها افتاد. یکی از نویسندگان انقلابی و مبارز به نام «اوسوگی ساکائه»<sup>۳۵</sup> ۱۹۲۳ — ۱۸۸۵، کتاب مشهور رومن رولان را تحت عنوان «ادبیات توده ای» به زبان ژاپنی ترجمه و چاپ کرد و پس از آن نیز خود بر مبنای ایده های همین کتاب چندین متن نمایشی نوشت. همزمان با این کارهای انتشاراتی و فعالیتهای ادبی تعدادی از نویسندگان جوان به سوی سوسیالیسم گرایش پیدا می کنند و حتی چند تن از میان طبقه کارگر واقعی (پرولتاریا) قلم به دست گرفتند و به تشریح شرایط سخت زندگی کارگران بخصوص در معادن، کارخانه ها و باراندازها پرداختند. این نویسندگان پرولتر عبارت بودند از:

— «میاچی کاروکو»<sup>۳۶</sup> ۱۹۵۸ — ۱۸۸۴.

— «میاجیما سوکه نو»<sup>۳۷</sup> ۱۹۵۱ — ۱۸۸۶.

— «مانئه داکو کوئی چیرو»<sup>۳۸</sup> (۱۹۵۷ — ۱۸۸۸).

### روشنفکران و زیبایی شناسان

از سالهای ۱۹۱۰ گروه دیگری از نویسندگان جوان که از یکطرف با مشی ادبی ناتورالیستها مخالف بودند و از طرفی نه با گروههای سوسیالیست میانه خوشی داشتند و نه با اعضای کانون ادبی «سپیدار»، مستقلاً گردهم آمدند و در ۱۹۱۰ مجله «میتا بونگا کو»<sup>۳۹</sup> — به معنای «ادبیات متیا» — را بنیان گذاشتند و نویسنده مشهور «ناگائی کافو» یکی از نویسندگان مسؤول این نشریه بود. از میان اعضای این گروه نوبه نامهای زیر باید اشاره کنیم:

— «ساتوهاروئو»<sup>۴۰</sup> ۱۹۶۴ — ۱۸۹۲.

— «کوبوتا مانتاروا»<sup>۴۱</sup> ۱۹۶۳ — ۱۸۸۹.

35. Ōsugi Sakae

36. Miyaji Karoku

37. Miyajima Sukeo

38. Maedako kōichirō

39. Mita bungaku

40. Satō Haruo

41. Kubota Mantarō



این دونفر تا بعد از جنگ جهانی دوم هم همکاری خود را با مجله ادامه دادند.

— «تانیزاکی جون ایچیرو»<sup>۴۲</sup> ۱۹۶۵ — ۱۸۸۶.

این نویسنده بعدها به عنوان یکی از بزرگترین نویسندگان معاصر ژاپن شناخته شد. وی با انتشار کتاب عمدهٔ اول خود تحت عنوان «شی سه ئی»<sup>۴۳</sup> به معنای «خالکوبی» در سال ۱۹۱۰ خود را شناساند و پس از آن کتابهای دیگری نوشت که با وجود داشتن کمال ادبی از نظر فرم و زبان، از نظر محتوا، آثار تصنعی و غیرمتعارف تلقی شد (خودش این مضامین غیرمتعارف آثارش را «شیطان صفتانه» می خواند!). اما بعدها، از کانونهای ادبی تویکو کنار کشید و به نوشتن داستانهای بزرگ پرداخت، آثاری عمیق و پیچیده که در حدود سالهای ۱۹۳۰ منتشر می شوند.

یکی دیگر از نویسندگان این عصر «آکوتا گاوای ریونوسوکه»<sup>۴۴</sup> ۱۹۲۷ — ۱۸۹۲ است که به دور از جریانهای فکری و ادبی مسلط عصر «تایشو» به نوشتن آثاری روشن بینانه، طنزآمیز و از نظر فرم و بیان در حد کمال پرداخت و به عنوان یکی از بزرگترین نویسندگان عصر خود شناخته شد. از میان آثار این نویسنده بزرگ می توان به عناوین زیر اشاره کرد:

— رمان «راشومون»<sup>۴۵</sup> ۱۹۱۵.

— رمان «هانا»<sup>۴۶</sup> به معنای «بینی» ۱۹۱۶.

بعد از این دو رمان که مورد اقبال قرار گرفت. باز هم هنر نویسندگی خود را کمال می بخشد و با دیدی روشن به آینده به نویسندگی ادامه می دهد:

— رمان «جیگوکوهن»<sup>۴۷</sup> به معنای «چهره های جهنمی» ۱۹۱۸.

قهیرمان این داستان، نقاشی است که گرفتار جستجوی وسواس آمیز «زیبایی» است و در این راه تا آنجا پیش می رود که برای خلق یک اثر در حد کمال تنها دختر خود را نیز فدا می کند و پس از آن که شاهکار خود را به پایان می رساند، خودکشی می کند. در واقع «آکوتا گاوای» که همواره ترسی مبهم از ابتلای

42. Tanizaki Jun'ichirō

43. Shisei

44. Akutagawa Ryōnosuke

45. Rashōmon

46. Hana

47. Jigokuhen

به جنون داشت، قهرمانان آثار خود را از میان انسانهای نامتعادل انتخاب می‌کرد و برای این که بهتر بتواند به مضامین رمانهای خود روشنی و قوت بخشد به سراغ منابع قدیمی و قرون وسطایی نظیر «کونجاکو مونوگاتاری»<sup>۴۸</sup> می‌رود، اگر چه مسائلی که مطرح می‌کند مبتلا به هنرمندان و انسانهای معاصر است. با همه توجه به منابع گذشته، کاملاً به مسائل عصر خود پشت نمی‌کند و یکی از آخرین آثار وی یعنی «کاپاها»<sup>۴۹</sup> یک اثر اجتماعی — سیاسی کامل است.

— رمان «هاگوروما»<sup>۵۰</sup> به معنای «دندانه‌های چرخ». وی این اثر را در ژوئیه ۱۹۲۷، قبل از خودکشی می‌نویسد و در آن به تجزیه و تحلیل خونسردانه و دور از احساسات روحیه خود — که گرفتار عدم تعادل روانی است — می‌پردازد. و پس از این تجزیه تحلیلهای روانکاوانه است که راه حل مناسب را «خودکشی» می‌یابد.

برخلاف خودکشی «آریشیماتا که‌ئو» که در ۱۹۲۳ اتفاق افتاد و امری معمولی و بی اهمیت تلقی شد، خودکشی «آکوتاگاوا» اهمیت ویژه‌ای دارد و یک حادثه تاریخی به شمار می‌آید: همان گونه که مرگ ژنرال نوکی پایان عصر میجی را اعلام کرد، مرگ این نویسنده نیز به صورتی سمبولیک خبر از مرگ عصر «تایشو» می‌داد. مرگ «آکوتاگاوا» برای نویسندگان جوان مارکسیست — که وی با آنها، بدون این که پیوند ایدئولوژیکی داشته باشد، پیوند دوستی و عاطفی داشت — این حادثه نشانه یک بن بست فکری بود. بن بست فکری نویسندگان بورژوا که اگر چه نظام حاکم را به باد انتقاد می‌گرفتند و در کنار پرولتاریا با آن مبارزه می‌نمودند. در عین حال از همکاری با آن ابائی نداشتند.

### نویسندگان سیاسی پیشتاز

پیش آمد انقلاب روسیه، ازدیاد جدالها و برخوردهای سیاسی، تشکیل سازمانهای مختلف چپي که در ۱۹۲۲ به تأسیس اولین حزب کمونیستی ژاپن منتهی

شد. موجب گردید که مسأله «تعهد» هنرمند به صورت مسأله حادّ روز درآید؛ مقالات زیاد در این زمینه نوشته شد، بخصوص انتشار نوشته‌ای مهم در ۱۹۲۲ توسط «آریشیماتا که‌ئو» تحت عنوان «بیانیه» (به زبان ژاپنی «سینگن هیتوتسو») <sup>۵۱</sup> به این مسأله دامن زد. با تأسیس مجله «تانه‌ما کوهیتو» <sup>۵۲</sup> به معنای «بزرگران» — مجله‌ای که آشکارا خود را وقف هنر انقلابی انتشار افکار «انترناسیونال سوّم» کرده بود — اولین قدمها در این راه برداشته شد، اما زلزله سال ۱۹۲۳، مؤسّسین مجله را مجبور ساخت موقتاً دست از فعالیت بردارند. نهضت‌های آنارشیستی و سندیکایی نیز بخصوص از این حادثه لطمه دید زیرا دوره‌ای کوتاه که به نام دوره «وحشت سفید»، بعد از زلزله پیش آمد به قیمت جان برخی از سران این نهضتها قرار گرفت:

«اوسوگی ساکائه» <sup>۵۳</sup> و «ایتونوه» <sup>۵۴</sup> که هر دو از نویسندگان بنام بودند و نیز «هیراساوا کیشی چی» <sup>۵۵</sup> ۱۹۲۳ — ۱۹۸۹ که درام‌نویس و از پیشتازان تأثر پرولتاریایی بود.

معهدنا، در سال ۱۹۲۴ بسیاری از گروه‌های انقلابی چپ توانستند خود را سازماندهی کنند و ضمن تشکیل یک کانون ادبی، مجله‌ای به نام «بونگای سین سین» <sup>۵۶</sup> به معنای «جبهه هنرهای انقلابی» تأسیس کنند. این مجله در واقع جانشین مجله «بزرگران» بود. این جبهه دوام چندانی نمی‌آورد زیرا بعد از تأسیس «فدراسیون هنرهای پرولتاریایی ژاپن» تمام هنرمندان متعهد خود را مجبور دیدند که موضع خویش را روشن سازند: یا می‌بایست به این فدراسیون که وابسته به کمونیسم بین‌المللی (کمینترن) بود بدون قید و شرط ملحق شوند و یا به شیوه‌ای مستقل اما بی‌ثبات به فعالیتهای هنری بپردازند.

### هنرهای پیشتاز

در کنار جریان انترناسیونالیسم انقلابی، مکاتب نوین هنری، اکسپرسیونیسم، فوتورلیسم، کونستروکتولیسم، دادائیسم و حتی سوررئالیسم، گاهی

51. Sengen hitotsu

52. Tanemakuhito

53. Ōsugi Sakae

54. Itō Noe

55. Hirasawa Keishichi

56. Bungeisensen

جدا جدا، و گاهی همزمان هنرمندان جوان ژاپن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هر روز یک نشریه به عنوان پایگاه یکی از این مکاتب تأسیس می‌شود، اما غالب آنها عمری کوتاه دارند زیرا اکثر هنرمندان جوان بسرعت جذب هسته‌های پرولتاریایی می‌شوند. معه‌ذا از میان هنرمندان جوان یک گروه — که کمتر از بقیه حاضر به طرد همه مظاهر سنتی بودند و باسانی تن به موج جریان‌ات تند انقلابی ندادند — مجله‌ای تأسیس کردند و در اطراف آن به فعالیت هنری پرداختند. اسم مجله «بونگه‌ئی جی دائی»<sup>۵۷</sup> به معنای «عصر ادبی» بود و از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ دوام آورد. بیشتر اعضای این گروه از طرفداران مدرنیسم به معنای وسیع کلمه بودند و در عین حال به هنر سوررئالیسم و طرح مسائل روانی در هنر تمایل نشان می‌دادند. غالب هنرمندانی که از یکطرف سنتهای رومانیسم «میچی — تایشو» را نمی‌پذیرند و از طرف دیگر تمایلی به جریانهای چپی و انترناسیونالیستی ندارند، در این گروه قرار دارند. وجه مشترک این هنرمندان، علاقه و توجه شامل و عمومی آنها به ادب اروپایی است. برخی از این هنرمندان بعدها به شهرت می‌رسند، هر چند که مضامین آثار ادبی عمده آنها بسیار دور از ایدآلهای اولیه «عصر ادبی» است. از میان این نویسندگان به چند نام باید اشاره کنیم:

— «ایبوسه ماسوجی»<sup>۵۸</sup> متولد سال ۱۸۹۸.

— «کوبایاشی هیده‌ئو»<sup>۵۹</sup> ۱۹۸۳ — ۱۹۰۲ که نویسنده و منتقد ادبی بود.

— «کاوآباتا یاسوناری»<sup>۶۰</sup> ۱۹۷۲ — ۱۸۹۹ (نویسندهٔ رمان مشهور «رقاصه

ایزو» که به سال ۱۹۲۶ انتشار یافت).

— «یوکومیتسوری ایچی»<sup>۶۱</sup> ۱۹۴۷ — ۱۸۹۸.

شخص اخیر برجسته‌ترین نویسندهٔ این نسل نوگرا است که در سال ۱۹۲۳، رمان مشهور خود «نی چی رین»<sup>۶۲</sup> به معنای «آفتاب» را با اقتباس از اثر «فلور» و با عنایت به یک افسانهٔ ژاپنی به نام «شاهزادهٔ آفتاب» تألیف نمود. اثر دیگر این نویسنده تحت عنوان «ریوشو»<sup>۶۳</sup> به معنای «احساس تنهایی در سفر» از ایدآلهای

57. Bungeijidai

58. Ibuse Masuji

59. Kobayashi Hideo

60. Kawabata Yasunari

61. Yokomitsu Riichi

62. Nichirin

63. Ryoshû

اولیه نویسنده نشانه نهایی دارد.

### ادبیات پرولتاریا

نویسندگان گروههای کمونیستی و کارگری که از یک طرف همواره تحت فشار دولت بودند و از طرف دیگر گرفتار سخت گیریهای درون حزبی، کسانی که هر نوع طرز تفکر غیرچپی را بشدت می‌کوبیدند، هیچگاه نتوانستند بین الزامات سیاسی و خلاقیت ادبی هماهنگی ایجاد نمایند. معه‌ذا معدودی از آنان موفق شدند آثاری ماندنی تألیف کنند به عنوان نمونه باید از «کوبایاشی تاکی جی»<sup>۶۴</sup> ۱۹۳۳ — ۱۹۰۳ نام برد که رمان وی تحت عنوان «کانی کوسین»<sup>۶۵</sup> به معنای «کارخانه‌ای در کشتی» مورد توجه زیاد واقع شد. این رمان به خاطر تصویر بسیار رسواکننده از زندگی سخت صیادان خرچنگ و نیز به خاطر ارزش ادبی آن، به عنوان نمونه والایی از ادبیات متعهد و انقلابی شناخته شد. وی در این رمان طبیعت را از دیدگاهی می‌نگرد که آنرا خشن و وحشی نشان دهد، پدیده‌ای که در ادبیات ژاپن تازگی دارد. همین وضع در رمانهای دیگر نویسنده که درباره زندگی دهقانان «هوکایدو» به رشته تحریر درآورده است به چشم می‌خورد. «کوبایاشی» در ۱۹۳۳ در زیر شکنجه پلیس جان سپرد و خاطره‌اش به عنوان یک شهید انقلابی در خاطره‌ها ماند. اما اگرچه هم به خاطر این سرنوشت دلخراش و هم به خاطر هنرش به عنوان یک چهره پیش‌تاز فرهنگ پرولتاریا در خاطره‌ها ماند، ولی این نباید موجب شود که از دوستان و هم‌زمانش یادی نکنیم.

— «هامایا یوشی کی»<sup>۶۶</sup> ۱۹۴۵ — ۱۸۹۴. وی در ۱۹۲۶ با انتشار رمانی

تحت عنوان «آنها که در دریا زندگی می‌کنند». تصویری از زندگی سخت و دردناک کارگران کشتیهای باری را ارائه داد.

— «توکوناگا سونائو»<sup>۶۷</sup> که در ۱۹۲۹، در رمانی تحت عنوان «محلّه

بی آفتاب» منتشر کرد و در آن داستان یک اعتصاب بزرگ را تصویر کرده است.

64. Kobayashi Takiji

65. Kani Kōsen

66. Hamaya Yoshiki

67. Tokunaga Sunao

از «تایشو» تا پایان جنگ جهانی دوم/ ۱۲۳

— «کوروشیما دنجی»<sup>۶۸</sup> ۱۹۴۳ — ۱۸۹۸. آثار وی بیشتر درباره زندگی سخت نظامیان در سیبری است و نویسنده از خلال آن با شدت به سیاستهای جنگ طلبانه و نظامیگری می‌تازد و لذا در میان آثار ادبی عصر خود جایگاه ویژه‌ای دارد.

جشن پرولتاریایی، علاوه بر نویسندگان نامبرده در فوق موجب پرورش تعداد زیادی از رمان‌نویسهای زن شد که ذیلاً به نام چند تن از آنان اشاره می‌کنیم:

— خانم «ساتا اینه‌کو»<sup>۶۹</sup> متولد ۱۹۰۴ که در ۱۹۲۸ اثر مشهور خود را تحت عنوان «کارخانه شکلات‌سازی» انتشار داد.

— خانم «هیرابایاشی تایکو»<sup>۷۰</sup> ۱۹۷۲ — ۱۹۰۵.

— خانم «میاموتوری‌کو»<sup>۷۱</sup> ۱۹۵۱ — ۱۸۹۹.

هر سه نویسنده فوق، بعد از جنگ جهانی دوم به شهرت و اعتبار رسیدند.

### آثار ادبی بزرگ بین دو جنگ

اگرچه این دوره از تاریخ ادبیات ژاپن تحت نفوذ دو جریان مارکسیستی و نوگرایی است اما در حقیقت آثار عمده منتشر شده متعلق به آن دسته از نویسندگانی است که قبل از این دوران کمابیش وضع تثبیت شده‌ای داشتند و در این فاصله بیست ساله هم، به دور از جنجال کانونهای ادبی، در نوعی انزوا به کار پرداختند. در ۱۹۳۷، «شیگا ناویا»<sup>۷۲</sup> بالاخره اثر عمده خود را با عنوان «راهی در تاریکی» به پایان می‌رساند. (قبلاً، یعنی در ۱۹۱۹ بخشهایی از این اثر منتشر شده بود). این رمان مفصل نه فقط شاهکار «شیگا» بلکه یکی از آثار عمده ادبیات ژاپن به شمار می‌آید. نویسنده با بیانی منسجم و روشن و با استفاده از حوادث و تجارب زندگی خویش مسیری را که باید قهرمان داستان پیماید ترسیم می‌کند. قهرمان داستان یک بورژوازی جوان است که برای غلبه بر تصورات ذهنی خویش و نیز مسائل و مشکلات خانوادگی و زناشویی و بازیابی هویت و شخصیت واقعی خویش راه بس درازی را

68. Kuroshima Denji

69. Sata Ineko

70. Hirabayashi Taiko

71. Miyamoto Yuriko

72. Shiga Naoya

باید ببینیم.

نویسنده دیگر این عصر «شیمازاکی توسون»<sup>۷۳</sup> با توجه مجدد به رخداد‌های داخلی زندگی خانوادگی خود (که قبلاً نیز مضمون اثری را تحت عنوان «ئی ته»<sup>۷۴</sup> تشکیل داده بود)، از طریق بررسی تحولات زندگی پدرش به شرح و تصویر تأثیراتی می‌پردازد که حرف‌های عصر «میجی» در بعضی طبقات جامعه برجای گذاشت. وی در رمان «پیش از سپیده‌دم» بدون این که با دقت، ابعاد تاریخی مسأله را مورد توجه قرار دهد. به روشنی جریان از هم‌پاشیدگی دنیای آرام و بی دغدغه اشراف شهرستانی را در زیر امواج نوسازی جامعه و تحولات اجتماعی عصر نوین به تصویر می‌کشد.

یکی دیگر از زنان نویسنده این دوره «توکودا شوسه‌ئی»<sup>۷۵</sup> است. وی که یک ناتورالیست است. بعد از مدتی سکوت دوباره به فعالیت ادبی پرداخت، ابتدا به چاپ کتاب «صورتکها» (۱۹۳۵) دست زد و سپس به آخرین کتاب خود تحت عنوان «مینیاتور» پرداخت اما اجل مهلت نداد که آنرا به پایان برساند.

«تانیزاکی»<sup>۷۶</sup> بعد از زلزله ۱۹۲۳. در خارج از شهر توکیو مستقر شد و به نوشتن دو رمان زیر پرداخت:

— «بوی» ۱۹۲۹.

— «داستان شونکین» ۱۹۳۳.

وی در ضمن داستان‌نویسی به تجدیدنظر در اندیشه‌های خود نسبت به هنر و زیباشناسی پرداخت و حاصل پژوهش‌هایش را در یک اثر زیبا تحت عنوان «ستایش سایه» (۱۹۳۳) به چاپ رساند.

«ناگائی کافو»<sup>۷۷</sup> نیز دو اثر عمده نوشت: رمان «شهر سومیدا»<sup>۷۸</sup> که تصویر مردم و جامعه یکی از شهرهای عصر او است و در ۱۹۰۹ انتشار یافت. این نویسنده به سرنوشت «گیشا»های سنتی ژاپنی که در عصر نوین به آنها عنوان محترمانه‌تر «مرَبّی» داده‌اند توجه مخصوص مبذول داشته و در رمان‌های خود از آنان سخن

73. Shimazaki Tôson 74. Ie 75. Tokuda Shûsei 76. Tanizaki  
77. Nagai Kafû 78. sumida

می‌گوید، از جمله کتاب «داستان عجیب ساحل شرقی سومیدا» (۱۹۳۷).

## ادبیات توده‌ای

در زمانی که انقلابیون و طرفداران مدرنیسم، هر کدام به نحوی انتظار را به خود جلب می‌کردند و نویسندگان جا افتاده، در انزوا به تألیف آثار هنرمندانه خود پرداخته بودند، وضع چاپ و انتشارات ادبیات کم‌کم متحول می‌شد: در سال ۱۹۲۶ کلکسیونهای ارزان‌قیمت باتیراژهای بسیار بالا به بازار آمد و به دنبال آن چاپ کتب جیبی این امکان را فراهم آورد که نویسندگان پیام خود را به انبوه خوانندگان از همه طبقات برسانند. از یکطرف ناشران هر روز تقاضای دریافت کتابهای تازه و از طرف دیگر نویسندگان زیادی به این تقاضا پاسخ می‌دهند، کسانی مانند «کیکوجی کان»<sup>۷۹</sup> ۱۹۴۸ – ۱۸۸۸، «کومه ماسائو»<sup>۸۰</sup> ۱۹۵۲ – ۱۸۹۱ یا «ساتوهاروئو»<sup>۸۱</sup>. این نویسندگان ضمن تلاش برای حفظ سطح ادبی و کیفیت آثار خود، تلاش می‌کنند به تقاضای بازار کتاب پاسخ سریع بدهند. معه‌ذا پرتیراژترین کتابهای این زمان کتب تاریخی، مشهور به داستانهای «جیدای مونو»<sup>۸۲</sup>، داستانهای مدرن و رمانهای پلیسی است.

از نوع داستانی «جیدای مونو» در فاصله بین دو جنگ دو اثر بزرگ انتشار یافت که هر دوی آنها به تصویر مبالغه‌آمیزترین چهره‌های نمونه «سامورائی» و فتوحات آنها می‌پردازند. مثلاً «ناکازاتو کایزان»<sup>۸۳</sup> ۱۹۴۴ – ۱۸۸۵ در یک پاورقی داستانی که چاپ آن از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۵ به طول انجامید، شخصیتی عجیب را به نام «تسوکوه ریونوسوکه»<sup>۸۴</sup> تصویر می‌کند، آدمکشی نهیلیست که در زیر بار جنایتها و قتل‌های بی شماری که مرتکب شده از نفس افتاده و قادر به کنترل عطش آدمکشی خود هم نیست. این چهره، نمونه کم‌نظیری از یک قهرمان منفی است. برعکس «یوشیکاوا ایچی»<sup>۸۵</sup> ۱۹۶۲ – ۱۸۹۲، در زمانی به نام «سنگ و شمشیر» که به صورت پاورقی بین سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۳۹ منتشر شد چهره قهرمانی به نام

79. Kikuchi Kan      80. Kume Massao      81. Satô Haruo      82. Jidaimono  
83. Nakazato Kaizan      84. Tsukue Ryûnosuke      85. Yoshikawa Eiji



«میاموتو موساشی»<sup>۸۶</sup> را تصویر می‌کند، قهرمانی مثبت، استادی شمشیرزن که واجد همه فضایل اخلاقی یک مبارز واقعی است. در این زمان، رمانهای عجیب و اسرارآمیز، از طریق ترجمه‌های متعدد به میان توده‌ها راه یافت و نویسندگان ژاپن هم آثاری از این دست تألیف نمودند. از جمله «ادوگاوا رامپو»<sup>۸۷</sup> ۱۸۹۴ – ۱۹۶۵ داستانهای بسیار جالبی نوشت که غالباً تحت تأثیر سبک «ادگار آلن یو» بود. «ادوگاوا رامپو» نام واقعی نویسنده نیست بلکه اسم مستعار اوست که بر اثر شدت علاقه به «ادگار آلن یو» انتخاب شده و با آن هماوایی دارد<sup>۸۸</sup>. از میان داستانهای وی باید به رمان «ایموموشی»<sup>۸۹</sup> به معنای «کریم زرد رنگ» (۱۹۲۹) اشاره کرد. این دو نوع رمان پرتعداد به شاخه‌های فرعی نیز تقسیم می‌شوند مانند رمانهای آوارگی (به زبان ژاپنی «ماتاتابی مونو»<sup>۹۰</sup>)، داستانهای مربوط به کارآگاهان مشهور به «نین جا»<sup>۹۱</sup> که دارای قدرتهای خارق‌العاده بوده‌اند و انواع دیگری. و در کنار این داستانها، رمانهای خانوادگی شبیه رمانهای بزرگ اواخر قرن ۱۹ نیز خوانندگان زیادی دارد.

### شعر

در این عصر، شعر نیز تحت تأثیر «اشکال آزاد» هنری قرار می‌گیرد اما انواع سنتی آن که توسط شاعران اواخر عصر «ميجی» نوسازی شده، هنوز طرفداران زیادی دارد. دو گونه شعری «هایکو» و «تانکا» تحت تأثیر جریانهای هنری نوین نظیر «سمبولیسم» و توجه شدید شاعران جوان به تجارب هنرمندان اروپا، تا حدی متحول می‌شود. در این عصر تعداد قابل ملاحظه‌ای از آثار شعری اروپا به زبان ژاپنی ترجمه می‌شود، بخصوص ترجمه‌های یکی از شاعران بزرگ عصر یعنی «هوریگوچی دایگاکو»<sup>۹۲</sup> ۱۹۸۱ – ۱۸۹۲ که شمار زیادی از علاقمندان ژاپنی به شعر اروپایی، از بودلر گرفته تا سوررئالیستها دسترسی پیدا کنند. البته شعر اروپایی به عنوان یک «سرمشق» بلکه به منزله یک «کاتالیزور» تأثیر زیادی بر جای می‌گذارد.

86. Miyamoto Musashi 87. Edogawa Rampo 88. Edogawa Rampo 89. Imomushi  
90. matatabimono 91. ninja 92. Horiguchi Daigaku

نمونه‌های شعر اروپایی به شاعران جوان نشان داد که می‌توان شعری سرود که هم بیانگر مسائل جامعه باشد هم به انگیزه‌های زندگی شهرنشینی پاسخ بگوید و هم به سوی ابتذال نلغزد و بدین ترتیب بود که آثار نوینی عرضه شد. در این زمینه باید به نام یک شاعر جوان اشاره کرد:

— «هاگیوارا ساکوتارو»<sup>۹۳</sup> ۱۹۴۵ — ۱۸۸۶ که با نشر مجموعه شعری «آئونکو»<sup>۹۴</sup> به معنای «گره آبی» مورد توجه قرار گرفت. این کتاب در ۱۹۲۳ منتشر شد. پس از آن با انتشار اثر دیگر خود تحت عنوان «هیوتو»<sup>۹۵</sup> به معنای «جزیره یخی» در سال ۱۹۳۴ و نیز چند مجموعه دیگر، به عنوان بزرگترین نماینده شعر نو ژاپن قبل از جنگ، شناخته شد. علاوه بر «هیگاوارا» نام یک شاعر با ارزش دیگری در این عصر بر سر زبانهاست:

— «میوشی تاتسویچی»<sup>۹۶</sup> ۱۹۶۴ — ۱۹۰۰. این شاعر، مجله «شیکی»<sup>۹۷</sup> به معنای «چهار فصل» را تأسیس کرد که عده زیادی از شاعران جوان، از ۱۹۳۳ به بعد آثار خود را در آن به چاپ می‌رساندند. خود وی در ۱۹۳۰، اثری تحت عنوان «سوکوریوسن»<sup>۹۸</sup> به معنای «کشتی تحقیقاتی» منتشر کرد و پس از آن هم چند مجموعه شعری با ارزش به رشته تحریر درآورد. در اواسط سالهای ۱۹۲۰، تعدادی نشریه هنری، برای مدتی کوتاه به نشر آثار شعری کم‌مایه و آناارشیستی پرداختند، از جمله اثر «آکا تو کورو»<sup>۹۹</sup> به معنای «سرخ و سیاه» (۱۹۲۳). اما شاعران جوان فعال در این نشریات خیلی زود به سوی جریان «هنر پرولتاریا» جذب شدند. این جریان فعال هنری دو نشریه عمده داشت، یکی مخصوص چاپ آثار شعری از نوع «تانکا» و دیگری مخصوص انتشار «شعر آزاد».

### تأثر مدرن: «شینگی»

در سال ۱۹۲۴، دو هنرمند به نامهای «اوسانائی کائورو»<sup>۱۰۰</sup> و «هیجی کاتا

93. Hagiwara Sakutarô 94. Aoneko 95. Hyôtô 96. Miyoshi Tatsuiji  
97. Shiki 98. Sokuryôsen 99. Aka to kuro 100. Osanai Kaoru

یوشی»<sup>۱۰۱</sup> اقدام به تأسیس یک تئاتر کوچک به نام تئاتر «تسوکى جی» نمودند و از این طریق تئاتر نو ژاپن وارد یک مرحله جدید از شکوفایی و گسترش شد. اگرچه این گروه کوچک اولین فصول تأثیری خود را به آثار بیگانه اختصاص دادند. معهدا فعالیت آن در رونق تئاتر «شینگکی» تأثیر زیادی باقی گذاشت. به تدریج تئاتر نو یسان جوانی پیدا شدند که همه علاقه و استعداد خود را به خدمت این هنر گماردند علاوه بر نویسندگان جا افتاده‌ای که گاهگاهی آثار نمایشی می‌نوشتند. تئاتر «شینگکی» با توجه به جو هنری زمانه، خیلی زود مجبور می‌شود جبهه خود را مشخص کند: آیا کاری صرفاً هنری خواهد بود و یا ابزاری در خدمت ایدئولوژی پرولتاریا. از طرفی تئاتر چنان هنر زنده و پویایی است که نمی‌تواند مثل رمان، به کنج انزوا بخزد. در این عصر، در هر دو جبهه هنرمندان چندی نام‌آور شدند، گرچه امروزه دیگر آثار آنها را روی صحنه نمی‌بینیم:

— «کیشیدا کونیو»<sup>۱۰۲</sup> ۱۹۵۴ — ۱۸۹۰. دو اثر از این درام نویس مشهور است: یکی نمایشنامه «اوشی یاما هوترو»<sup>۱۰۳</sup> به معنای «هتل اوشی یاما» که در سال ۱۹۲۹ تألیف شده؛ دیگری نمایشنامه «ساواشی نوفوتاری موسومه»<sup>۱۰۴</sup> به معنای «دو دختر آقای ساوا» که در سال ۱۹۳۵ منتشر شده است. «کیشیدا» در واقع نماینده آن گروه از هنرمندانی است که دور از سیاست، تئاتر را فقط به عنوان یک نوع هنری تلقی می‌کردند. وی طرفدار بسیار علاقه‌مند به تئاتر فرانسه بود، بخصوص آن سبک تأثیری که خود در نزد کارگردان مشهور کوپو<sup>۱۰۵</sup> دیده بود.

— «مورایاما تومویوشی»<sup>۱۰۶</sup> ۱۹۷۷ — ۱۹۰۱، هنرمندی است وابسته به جناح چپ و پرولتاریا و طرفدار هنر متعهد و سیاسی. وی علاوه بر استعداد تأثیر در رشته‌های دیگر هنری هم درخشیده بود از جمله در نقاشی، دکوراسیون، داستان‌نویسی و کارگردانی. وی آثار انقلابی زیادی نوشته است از جمله نمایشنامه «بوری یوکودانکی»<sup>۱۰۷</sup> به معنای «شرح فعالیت‌های یک گروه»

101. Hijikata Yoshi 102. Kishida Kunio 103. Ushiyama Hoteru

104. Sawashi no futari musume 105. Copeau 106. Murayama Tomoyoshi 107. Bôryokudanki

که در سال ۱۹۲۹ نوشته شد. کمدها و نمایشنامه‌های تبلیغاتی سیاسی وی مشهور است.

### ورود ژاپن به جنگ

از اواسط سالهای ۳۰ روحیه ناسیونالیستی و ملیتاریستی بنحوبی سابقه‌ای مسلط می‌شود و با هجوم ژاپن به سرزمین چین (۱۹۳۷) و جنگ دریایی در اقیانوس آرام (۱۹۴۱) حاکمیت دیکتاتوری نظامی بر سراسر ژاپن گسترده می‌شود. دنیای ادب و هنر، با تشدید اختناق بسیار زود از پا درمی‌آید و حتی نهضت پرولتاریایی هم که در فاصله سالهای ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ از هم پاشیده بود، دیگر قادر به ابراز مقاومت قابل ملاحظه‌ای نشد. و بعد از این که رهبران سیاسی جناحهای کمونیستی به زندان افتادند، هنرمندان متعهد چپ تغییر مسیر می‌دهند و با اعلام وفاداری به نظام حاکم به جای ایده‌های انترناسیونالیستی انقلابی، مبلغ افکار ناسیونال سوسیالیستی زیر پرچم امپراطور می‌شوند. این تغییر یکصد و هشتاد درجه‌ای هنرمندان چپ به زبان ژاپنی به «تنکو»<sup>۱۰۸</sup> مشهور است. این تغییر مشی، اعم از آن که صادقانه یا ظاهری بوده باشد، منجر به ایجاد نوعی رمان به نام «رمان تنکو» شد. این نوع رمان بیشتر قصه‌های حدیث نفس مؤلفان است که نوعی بازنگری با وجدان و درون خویش است تا جایگاه مخصوص خود را به عنوان «روشنفکر» تبیین کند. این رشته تألیفات که شامل انواع و اقسام توجیه‌ها برای تغییر فکر و عقیده هستند (اعلام وفاداری و ندامت از گذشته، تسلیم نومیدانه در برابر تفکر حاکم بر جامعه، خودشکنی و تحقیر شخصیت خود...) نشانگر سالهای سختی است که بر طبقه روشنفکر ژاپن سنگینی می‌کند. ذیلاً به بعضی از این آثار و مؤلفان آنها اشاره می‌کنیم:

— «شیماکي کینساکو»<sup>۱۰۹</sup> ۱۹۴۵ — ۱۹۰۳ که اولین رمان خود را تحت

عنوان «رابی»<sup>۱۱۰</sup> به معنای «جذام» در سال ۱۹۳۴ منتشر نمود. وی در

این رمان دوقهرمان را که هر دو در واقع سمبل خود نویسنده‌اند در برابر هم

قرار می‌دهد: یکی، انسان مبارز تسلیم‌ناپذیر که یک روشنفکر واقعی است و دیگری قهرمان متزلزلی که در مقابل فشار پلیس تسلیم می‌شود، اما این تسلیم جاودانه نیست و این حالت تسلیم‌دیری نمی‌پاید و در آخر داستان قهرمان را می‌بینیم که سرود بازگشت به زمین را می‌سراید.

— «ناکانو شیکه‌هارو»<sup>۱۱۱</sup> ۱۹۷۹ — ۱۹۰۲ که یکی از نویسندگان بزرگ ادبیات کمونیستی است. مسیر دیگری را می‌پیماید: وی به دنبال اولین رمانش که در سال ۱۹۳۵ تحت عنوان «دای ایسهو»<sup>۱۱۲</sup> به معنای «فصل اول» منتشر شد آثار دیگری را به چاپ سپرد که در آن تغییر مشی عقیدتی خود را محکوم کرده و از تسلیم و رضا در برابر نظام حاکم اظهار ندامت کرد و این مسأله موجب شد که سالها ممنوع القلم باشد.

در همان زمانی که تعداد زیادی از هنرمندان و نویسندگان راه گریز از واقعیات تلخ زمانه را در توصیف مسائل روزمره و تصویر کردن صحنه‌های کوچک زندگی مردم معمولی و روستائیان می‌یابند، تنی چند از نویسندگان جوان کار نویسندگی را با آثار با ارزشی آغاز می‌کنند از جمله:

— «ایتوسه‌ئی»<sup>۱۱۳</sup> ۱۹۶۹ — ۱۹۰۵ با رمان «یوکی نو مچی»<sup>۱۱۴</sup> به معنای «شهر اشباح» منتشره در ۱۹۳۷.

— «ایشی کاواجون»<sup>۱۱۵</sup> متولد ۱۸۹۹ با رمان «فوگن»<sup>۱۱۶</sup> چاپ شده در ۱۹۶۳.

— «دازائی اوسامو»<sup>۱۱۷</sup> ۱۹۴۸ — ۱۹۰۹ با رمان «بن‌نین»<sup>۱۱۸</sup> به معنای «پایان یک زندگی» که در ۱۹۳۹ انتشار یافت.

هر سه تن با نشر آثار خود با برداشت روشنفکرانه و سبک کلام پیچیده و در عین حال مستحکم، نگاهی دقیق بر جامعه خود و وضع روشنفکران به اصطلاح «متعهد» می‌اندازد و با پایان جنگ و مخاصمات بین‌المللی هنر و استعداد آنان بیشتر جلوه نمود.

111. Nakano Shigeharu

112. Dai Isshō

113. Itō sei

114. Yūki no machi

115. Ishikawa Jun

116. Fugen

117. Dazai Osamu

118. Ban.nen

## ادبیات جنگ

پس از پیشروی نیروهای ژاپن در قاره آسیا، نویسندگان متعددی، ابتدا از طریق مطبوعات و سپس مستقیماً و به صورت مأموریت دولتی، به نقاط اشغال شده گسیل می‌شوند تا وقایع جنگ و پیروزیهای قوای ژاپنی را مشاهده و تصویر کنند. حاصل کار این نویسندگان بخش عمده‌ای از ادبیات جنگ را که در گیرودار مخاصمات به چاپ رسید تشکیل می‌دهد. در این حوزه نویسندگانی که بیش از همه موفق گردید «هینواشی هه‌ئی»<sup>۱۱۹</sup> بود ۱۹۶۰ — ۱۹۰۷. وی با همدردی و محبت تمام، در رمان خود تحت عنوان «موگی توهیتائی»<sup>۱۲۰</sup> به معنای «گندم و سرباز» به شرح سرگذشت سربازان ساده‌فداکار پرداخت و در آثار بعدی هم بر همین منوال رفته است. در حالی که رمان «گندم و سرباز» که در ۱۹۳۸ منتشر شد با استقبال رژیم مواجه شد، در همان سال رمان «ایکیته ایروهه‌ئی تائی»<sup>۱۲۱</sup> به معنای «سربازان زنده» اثر «ایشیکاوا تاتسوزو»<sup>۱۲۲</sup> متولد ۱۹۰۵ ممنوع شد زیرا، در این کتاب از بدبختیها و رنجهای بی‌شمار در جبهه‌های جنگ سخن رفته بود. در این زمان سانسور با شدت عجیبی اعمال می‌شد، بطوری که گروههای تأثیری «شینگکی» که از طرف مجلات ادبی متعددی مورد حمله واقع می‌شدند، داوطلبانه انحلال خود را اعلام کردند. تأثر این دوران با وجود دو نویسنده بزرگ، عملاً فلج بود. این دو نویسنده عبارت بودند از:

— «کوبو ساکائه»<sup>۱۲۳</sup> ۱۹۵۸ — ۱۹۰۹ مؤلف نمایشنامه «کازان بایچی»<sup>۱۲۴</sup>

به معنای «سرزمین خاکسترهای آتشفشان» که در ۱۹۳۷ به چاپ رسید.

— «هیسایتا ئه‌ئی جیرو»<sup>۱۲۵</sup> مؤلف نمایشنامه «هوکوتونوکازه» به معنای «باد

شمال شرقی» که در ۱۹۳۷ منتشر شد.

این نمایشنامه‌ها را باید از بهترین آثار نمایشی این عصر به شمار آوریم. اگر

چه در این عصر هنرهای سنتی از موقعیت بهره‌برداری می‌کردند و دونوع نمایش

119. Hino Ashihei 120. Mugito heitai 121. Ikite iru heitai 122. Ishikawa Tatsuzō  
123. Kubo Sakae 124. Kazanbaichi 125. Hisaita Eijirō

«تانکا» و «نو» از متون ملی و میهنی و جنگی برای غنای محتوای خود استفاده می‌کردند، نویسندگان عملاً به سازمانهای فرهنگی وابسته به نظام حاکم پیوسته بودند. در عین حال باید یادآور شد که بهترین نویسندگان این عصر، بیان وابستگی خود را به ایدئولوژی حاکم محدود به نوشته‌های ژورنالیستی کرده بودند و همواره سعی می‌نمودند که آثار ادبی اصیل خود را، خیلی محترمانه از این حوزه فکری و وقایع جاریه برکنار نگهدارند: برخی به دامن تاریخ و مضامین تاریخی پناه بردند، برخی مطلقاً به مسأله زیباشناسی صرف پرداختند (و در نتیجه توانستند در محدوده شخصی و در انزوا به کار پردازند). این سیاست فرار از واقعیات، مورد پسند مقامات دولتی نبود لذا آنها همه رمانهایی را که «غیرمتعهد» و «بی ارتباط با مسائل عصر» می‌دید ممنوع می‌نمود. به عنوان مثال باید به رمان «ساسامیوکی»<sup>۱۲۶</sup> به معنای «چهار خواهر» اثر «تانیزاکی»<sup>۱۲۷</sup> اشاره کرد. رمان «شوکوزو»<sup>۱۲۸</sup> اثر «توکودا شوسه‌ئی»<sup>۱۲۹</sup> نیز دچار همین سرنوشت شد. غالب نویسندگان سرشناس و جاافتاده که میل به دخالت در سیاست را نداشتند با مشکل نگارش و چاپ آثارشان روبرو بودند و وضع یکی از نویسندگان عصر یعنی «ناگائی کافو»<sup>۱۳۰</sup> از نظر عدم همکاری از همه جالب‌تر است، این نویسنده در طی سالهای جنگ، هیچ‌یک از نوشته‌های خود را به چاپ نرساند.

126. Sasameyaki    127. Tanizaki

128. Shukuzu    129. Tokada Shusei    130. Nagai Kafu

## دوران معاصر (۱۹۸۱ - ۱۹۴۵)

### دوران اشتغال

فردای روزی که «ژاپن» تسلیم متفقین شد، وضع مملکت به صورت آشفته ای درآمد: بازار سیاه، بی نظمی، تلاش برای بقا... قدرت حاکمه قبلی از میان رفته بود. اگر چه امپراطور همچنان بر تخت نشسته بود، اما دیگر از «الوهیت» وی اثری باقی نمانده زیرا رسماً اعتراف کرد که «انسانی بیش نیست» و این اعتراف را امواج رادیو به همه دنیا رساندند. اما نقش آمریکاییها، دوپهلواست. از یک طرف به عنوان ارتش غالب، ارباب مملکت شده و آزادانه عمل می‌کند و از یک طرف دست به اصلاحات دمکراتیک می‌زند و چهره فرشته آزادی از خود نشان می‌دهد. یک سال بعد از جنگ فعالیتهای ادبی بسرعت از سر گرفته می‌شود و از زمستان ۱۹۴۶ مجلات ادبی و هنری دوباره ظاهر می‌شوند. با وجود کمبود کاغذ جراید یکی پس از دیگری به چاپ می‌رسد و مردم با حرص و ولع به سوی مطبوعات آزاد شده هجوم می‌برند و بازگشت نویسندگان بزرگ رابه عالم مطبوعات جشن می‌گیرند، بخصوص از «ناگائی کافو» و رمان وی تحت عنوان «اودوریکو»<sup>۱</sup> به معنای

---

1. Odoriko



«رقاصه‌ها» که در سال ۱۹۴۶ به چاپ می‌رسد استقبال می‌کنند. همچنین نویسندگان دیگری از جمله «شیگاناویا»<sup>۲</sup>، «موشانوکوجی سانه آتسو»<sup>۳</sup>، «ساتومی تون»<sup>۴</sup> ۱۹۴۸ — ۱۸۸۸ و نویسندگان سابق کانون «شیراکابا» دوباره در صحنه ادبیات ظاهر می‌شوند و به حقیقت‌هایی هم دست می‌یابند. «تانیزاکی جون ایچيرو» بالاخره توانست شاهکار خودش یعنی رمان «چهار خواهر» را در سالهای ۴۸ — ۱۹۴۷ به چاپ برساند. این رمان هم به خاطر بیان دقیق وقایع زندگی و عشق‌های این چهار خواهر «که متعلق به یک خانواده قدیمی شهر «اوزاکا» می‌باشند» و هم به خاطر سبک داستانی (که شباهت به نوع داستانهای «گنجی مونوگاتاری» دارد) بشدت مورد اقبال عموم قرار می‌گیرد. مردم ژاپن، از طریق کتاب با ارزشهای ادبی عصر «هیان» تجدید خاطره می‌کنند، ارزشهایی که نظام милیتاریستی آنها را طرد نمود به جای آن فضایل و ارزشهای نظامی‌گری و جنگجویی تحمیل کرده بود. در همین سالهای بعد از جنگ بود که «کاواباتا یاسوناری»<sup>۵</sup> به عنوان یک نویسنده بزرگ راه خود را باز می‌کند و آثاری خلق می‌کند که در ۱۹۴۸ جایزه ادبی نوبل را نصیب وی می‌سازد. این نویسنده در سال ۱۹۴۸ نسخه تازه‌ای از اثر خود را تحت عنوان «یوکی گونی»<sup>۶</sup> به معنای «سرزمین برف» (نسخه اولیه این رمان چند سال پیش از جنگ دوم درآمده بود). و پس از آن دو تا از بهترین رمانهای وی منتشر شد:

— «سمبازورو»<sup>۷</sup> به معنای «توده‌ای از پرندگان سفید» در ۱۹۵۱ —

۱۹۴۹.

— «یاما نواوتو»<sup>۸</sup> به معنای «غرش کوهستان» در ۱۹۵۴ — ۱۹۴۹.

در این دوران نهضت پرولتاریا با حدت انقلابی کمتر تجدید سازمان می‌شود و نویسندگان این جناح سیاسی آثار با ارزشی تألیف می‌کنند و در این آثار هم تصاویر از زندگی زمان جنگ و هم از وضع جامعه را در سالهای بعد از تسلیم، ارائه می‌کنند اما با سبکی رئالیستی از مد افتاده. آثار نامبرده در ذیل را باید در این طبقه قرار داد:

2. Shiga Naoya 3. Mushanokōji Saneatsu 4. Satomi Ton

5. Kawabata Yasunari 6. Yukiguni 7. Sembazuru 8. Yama no oto

— رمان «بانشوه‌ئیا»<sup>۹</sup> به معنای «سرزمین بانشو» که در فاصله سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ به چاپ رسید. این رمان اثر «میاموتو یوریکو»<sup>۱۰</sup> است.

— رمان «واتاکوشی نو توکیو چیزو»<sup>۱۱</sup> به معنای «نقشه من در توکیو» اثر «ساتا اینه کو»<sup>۱۲</sup> که در فاصله سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۴۸ منتشر شد.

— رمان «موراگیمو»<sup>۱۳</sup> به معنای «قرارگاه هوسها» اثر «ناکانوشیگه هارو»<sup>۱۴</sup> که در سال ۱۹۵۴ انتشار یافت. نویسنده، در این اثر دوران کارآموزی نظامی گری را که در محیطهای تحصیلی عصر «تایشو» گذرانده بود وصف کرده است.

تا اوایل سالهای دهه ۵۰ تجارب و خاطرات و حوادث جبهه‌های جنگ و آشفتگی زمان اشغال توجه بسیاری از مؤلفین را به خود جلب کرده بود. آخرین ماههای جنگ، فروپاشی ارتش ژاپن و سرنوشت غم‌انگیز سربازان ژاپنی که دور از وطن در زیر دست خصم در انتظار مرگ بودند، همه این مسائل مضمون و محتوای بسیاری از آثار مهم ادبی این سالها را تشکیل می‌داد از جمله:

— رمان «نوبی»<sup>۱۵</sup> به معنای «آتشها» اثر «اوئوکی شوهه‌ئی»<sup>۱۶</sup> متولد ۱۹۰۹. این رمان در ۱۹۵۱ منتشر شد.

— رمان «سانچوهورو»<sup>۱۷</sup> به معنای «آوارگی کوهستان» اثر «کن هیدمی»<sup>۱۸</sup> متولد ۱۹۰۳. این رمان در سال ۱۹۴۹ انتشار یافت.

— رمان «ساکورا جیما»<sup>۱۹</sup> به معنای «کوه ساکوراجیما» اثر «اومه زاکی هاروئو»<sup>۲۰</sup> ۱۹۶۵ — ۱۹۰۵. این رمان که در ۱۹۴۶ منتشر شد داستان دردناک ساعات انتظار یک پایگاه نظامی است که پیام امپراطور را مبنی بر تسلیم ژاپن از رادیو شنیده و منتظر پیاده شدن قوای آمریکایی است. فاجعه بمباران اتمی «هیروشیما» در آثار چندی آمده است از جمله:

9. Banshūheiya 10. Miyamoto Yuriko 11. Watakushi no Tōkyo chizu

12. Sata Ineko 13. Muragimo 14. Nakanoshigeharu 15. Nobi

16. Ōoki Shohei 17. Sanchū hōrō 18. Kon Hidemi 19. Sakurajima

20. Umezaki Haruo

— رمان «ناتسونوهانا»<sup>۲۱</sup> به معنای «گل‌های تابستان» اثر «هاراتامیکی»<sup>۲۲</sup> ۱۹۵۱ — ۱۹۰۵ که در سال ۱۹۴۷ انتشار یافت.

— رمان «شیکابانه نوماجی»<sup>۲۳</sup> به معنای «شهر اجساد» اثر «اوتایوکو»<sup>۲۴</sup> ۱۹۶۳ — ۱۹۰۳. این رمان در ۱۹۴۸ منتشر شد.

علاوه بر این آثار در متون دیگری هم فاجعه بمبارانهای ژاپن تصویر شده است و بیست سال بعد از آن فاجعه هم اثری مشهور نوشته شد تحت عنوان «کوروئی آمه»<sup>۲۵</sup> به معنای «بازبان سیاه» اثر «ایبوسه ماسوجی»<sup>۲۶</sup>. این رمان در ۱۹۶۵ انتشار یافت.

درباره زندگی نظامیان، یک نویسنده جوان به نام «نوماهیروشی»<sup>۲۷</sup> متولد ۱۹۱۵ کتابی تحت عنوان «شینکوچیتائی»<sup>۲۸</sup> به معنای «منطقه خلأ» می‌نویسد و در آن سختیها و خشونت و بی‌رحمی زندگی در اردوگاههای نظامی را نشان می‌دهد. این رمان در سال ۱۹۵۲ منتشر شد. همین نویسنده در ۱۹۴۶، کتابی انتشار داده بود با عنوان «کورائی نه»<sup>۲۹</sup>. این رمان با سرگذشت یک پسر دانشجوی جوان آشنا می‌شود که تمایل شدیدی به یک نهضت انقلابی سالهای ۳۰ پیدا می‌کند اما روحاً نمی‌تواند خود را به عضویت در آن مجاب کند. این جدال درونی به رمان ارزش زیادی داده است.

علاوه بر آثاری که مضامین اصلی آنها جنگ و مشکلات آنست، قوی‌ترین آثار ادبی این دوران آنهایی هستند که به مشکلات دوران زندگی انسانها می‌پردازد، مشکلاتی که تسلیم و اشغال ژاپن و درهم ریختن ناگهانی در آن همه اقتدار و شوکت، به وضوح در زیر نگاهها می‌گسترند. مضمون مرکز این رمانها وضع «انسان مغلوب و تحقیر شده» ای است که در عین حال به آزادی رسیده و به یکبار در درون دنیای سوداگری و بازارسیاه و جامعه بی‌بندوبار پرتاب شده است، جامعه مالا مال از عدم امنیت و فقر، جامعه‌ای که در عین حال، همه چیز در آن ممکن است. نویسندگان ژاپن گویی نمایشگاهی از انسانها را به تماشا گذاشته است که هر کدام

21. Natsu no hana 22. Hara Tamiki 23. Shikabane no machi 24. Ōta Yōko

25. Kuroi ame 26. Ibuse Masuji 27. Noma Hiroshi 28. Shinku Chitai 29. Kurai.e

به شیوه خود سعی می‌کند. در لابلای خرابه‌ها و آشفته‌گیها، زندگی خود را توجیه کند و معنایی برای آن بیابد: آن جوان انقلابی که همه چیزش را از دست داده، حتی ایمان به مبارزه را (مانند قهرمان کتاب «شین یانوشوئن»<sup>۳۰</sup> به معنای «ضیافت نیمشب» اثر «شی ئینا رینزو»<sup>۳۱</sup> (۱۹۷۳ — ۱۹۱۱) حادثه جویان و سربازانی که فوج فوج از زندانها گریخته و در راه شانگهای یا شهرهای دیگر آواره و بی هدف در حرکتند (نظیر آنچه در که در کتاب «ماموشی نوسوئه»<sup>۳۲</sup> به معنای «نسل افعیها» اثر «تکیداتایجون»<sup>۳۳</sup> (۱۹۷۶ — ۱۹۱۲ می‌بینیم). جوانان پرشوری که در گروههای خودکشی یا «کامیکازه» نام‌نویسی کرده‌اند (نظیر آنچه در رمان «کوکوه کی»<sup>۳۴</sup> به معنای «دیوارها فریاد می‌کشند» اثر «نیوافومیو»<sup>۳۵</sup> (متولد ۱۹۰۴) می‌بینیم. و سرنوشت زنان بیوه‌ای که شوهران خود را در جنگ از دست داده‌اند و زنان جوانی که از سرزمینهای دور به وطن بازگشته‌اند (نظیر قهرمانان کتاب «اوکیگومو»<sup>۳۶</sup> به معنای «ابرهای سرگردان» اثر «هایاشی فومیکو»<sup>۳۷</sup> ۱۹۵۱ — ۱۹۰۳ و بسیاری داستانهای دیگر).

این مسائل در همه انواع نوشته‌ها به نحوی جلوه می‌کند: از گزارشها و خاطره‌نویسهای پرطول و تفصیل خانوادگی گرفته تا داستانهای کوتاه پر از طنز و ذکاوت. به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

— داستان «هون جیتسو کیوشین»<sup>۳۸</sup> به معنای «امروز بیمار نمی‌پذیریم» اثر «ایبوسه ماسوجی»<sup>۳۹</sup> که در سال ۱۹۴۹ انتشار یافت.

— داستان «یوهائی تایچو»<sup>۴۰</sup> به معنای «فرمانده آینده‌نگر» از همان نویسنده که در ۱۹۵۰ منتشر شد.

در سالهای پس از جنگ علاوه بر انواع آثاری که مورد اشاره قرار گرفت دو نوع اثر دیگر نیز رواج یافت: اول ادبیاتی ساده حاوی مسائل جنسی که عده بی شماری خواستار داشت، کسانی که از یک دوران کنترل شدید اخلاقی تحمیل

30. Shin ya no shuen	31. Shiina Rinzô	32. Mamushi no sue	33. Takeda Taijun
34. Kokuheki	35. Niwa Fomio	36. Ukigumo	37. Hayashi Fumiko
38. Hanjitsu kyûshin	39. Ibuse Masuji	40. Yôhai Taichû	

شده توسط رژیم میلیتاریستی، رها شده بودند؛ دوم نوعی ادبیات پیچیده و دیرفهم با مضمون «اضطرابهای روحی بشر» نظیر آثار «هانیا یوتاکا»<sup>۴۱</sup> نویسنده متولد ۱۹۱۰ و نیز داستانهای ترسناکی با مضامین خوابهای وحشتناک، نظیر آثار «شیمائو توشیو»<sup>۴۲</sup> نویسنده متولد ۱۹۱۷.

یکی از نویسندگان جوانی که آثارش در نظر ژاپنیها نمایانگر جوان عصر و سرگردانی روشنفکرانی است که دیوانه وار خودشکنی می کنند «دازائی اوسامو»<sup>۴۳</sup> است، ۱۹۴۸ — ۱۹۰۹. این نویسنده که از حدود دهه ۱۹۳۰ شناخته شده بود، درایام جنگ هم به شرح و تصویر خشونتها و بیرحمیهای جنگ پرداخت و برای بیان مقصود خود از قصه های قدیمی و سنتی بهره گرفت. در عین حال آثار بزرگ وی همانها هستند که در فاصله بعد از تسلیم تا زمان خودکشی این نویسنده، یعنی ۱۹۴۸ از قلم وی جاری شده یعنی:

— رمان «شایو»<sup>۴۴</sup> به معنای «غروب آفتاب» منتشر شده در ۱۹۴۷.

— رمان «ویون نو تسوما»<sup>۴۵</sup> به معنای «زنی ویون»<sup>۴۶</sup> که در ۱۹۴۷ منتشر شد.

— رمان «نینگن شیکاکو»<sup>۴۷</sup> به معنای «انحطاط یک انسان». تاریخ انتشار

۱۹۴۸.

در این آثار از فروپاشی نظام گذشته، از هنرمندی که اضطراب خویش را در زیر ماسکی از خوشگذرانی وقیحانه و نومیدانه پنهان می دارد سخن به میان آمده. این آثار هم از نظر استحکام ادبی و هم از نظر زبان و بیان یک سروگردن بالاتر از اعتراف نامه و قصه تجارب شخصی است.

یک نویسنده بزرگ دیگر این دوران «ساکاگوچی آنگو»<sup>۴۸</sup> است، که منقدین او را در ردیف «دازائی» نام می برند. وی که کمتر به عنوان رمان نویس و بیشتر به عنوان منقد و محقق شناخته شده، شهرت خود را مدیون متن دومین زیر است:

41. Haniya Yutaka 42. Shimao-Toshio 43. Dazai Osamu 44. Shayô 45. Viyon no tsum

۴۶- ویون (villon) شاعر قرن ۱۶ فرانسه

47. Ningen Shikkaku 48. Sakaguchi Ango

— مقاله ای تحقیقی تحت عنوان «داراکورون»<sup>۴۹</sup> به معنای «درباره انحطاط».  
— یک داستان کوتاه بسیار با ارزش با عنوان «هاکوجی»<sup>۵۰</sup> «زن احمق».  
این دو اثر در ۱۹۴۶ انتشار یافتند. البته از این نویسنده مقادیر زیادی هم  
رمانهای پلیسی جالب به چاپ رسیده است.

### سالهای دهه ۱۹۵۰

بعد از شکوفایی مجدد اقتصادی ژاپن که هم ناشی از جنگ کره بود و هم  
تغییر سیاست امریکا<sup>۵۱</sup> ژاپن علاوه بر یک استقلال صوری به نوعی ثبات اجتماعی  
دست می‌یابد. این ثبات هم نظر افراد بدبین را مردود ساخت و هم امیدهای  
انقلابیون جناح چپ را بر باد داد. طبیعی است ادبیات نیز از این تغییر وضع مملکت  
متأثر گشت و اگر چه اولین نسل نویسندگان بعد از جنگ آثار خود را با تأثیر از  
«داستایوفسکی» یا «اگزستانسیالیسم» می‌نگارند اما در کنار این آثار نوعی رمان  
ساده و روزمره که به زندگی نزدیک تر باشد به وجود آمد.

در اواسط سالهای ۱۹۵۰ نسل نوینی از نویسندگان پدید می‌آیند که خود را  
به دور از همه جریانانی که تا آن روز حاکم بوده است اعلام می‌کنند. آثار این  
نویسندگان که با استحکام و درعین حال ظریف و دقیق است نه فقط هر نوع تعهد  
سیاسی بلکه مسائل متافیزیکی و حتی مقولات زیباشناسی و مذهبی را طرد می‌کنند.  
درعین حال این آثار خالی از ظن و نکته نیست. بهترین نمونه این نوع ادبیات کتاب  
«مکتب آمریکایی» (۱۹۵۴) اثر «کوجیما نوبو»<sup>۵۲</sup> متولد ۱۹۱۵ است. این نوع  
آثار سعی دارند محافظه کار باشند و به سوی هجو و طنز اجتماعی نلغزند، این نسل نو  
که تا حدی طرفدار مکتب ناتورالیسم هستند غالباً به مسائل و معضلات خانوادگی  
می‌پردازند، اما مضامین آثار خود را با دید دقیق و ظریف‌تر و روان‌شناسانه‌تر از اسلاف  
خود مطرح می‌سازند نمونه‌های بارز این نوع آثار را ذیل نام می‌بریم:

49. Darakuron 50. Hakuchi

۵۱ - آمریکا، در ژاپن نه به تصفیه جنایتکاران جنگی بلکه به تصفیه انقلابیون سرخ پرداخت.

52. Kojima Nobuo

— رمان «کویوکازوکو»<sup>۵۳</sup> به معنای «خانواده ای بسیار هماهنگ» اثر «کوجیما نوبوئو» منتشر شده در ۱۹۶۵.

— رمان «اونوبوريسان»<sup>۵۴</sup> به معنای «مهمان شهرستانی». اثر دیگر «کوجیما نوبوئو».

— رمان «پوروسایدو شوکه ئی»<sup>۵۵</sup> به معنای «بلیط استخر». این کتاب سالها بعد از نوشته شدن در ۱۹۵۴ به چاپ رسید.

— رمان «کائی هِن نوکوکه ئی»<sup>۵۶</sup> به معنای «منظره کنار دریا اثر «یاسوکا شوتارو»<sup>۵۷</sup>. این اثر که در سال ۱۹۵۹ انتشار یافت در واقع زندگینامه نویسنده به شمار می آید. وی، در این رمان آخرین روزهای حیات مادر خویش را تصویر کرده است.

در همه این آثار متعلق به نسل نوین، «خانواده» مضمون اصلی و مرکزی می باشد. هر چند که مسأله خانواده از همان ابتدای ظهور ادبیات مدرن ژاپن مضمون اصلی بوده، اما در هر عصری به گونه ای مطرح شده است: در عصر «میجی» نویسندگان با گستردگی و پراکندگی خانواده ها روبرو بودند اما در دوران معاصر با خانواده ای سروکار داریم که در عین ظاهر متجدد و لیبرال، به همان اندازه با مشکلات گوناگون دست به گریبان است.

دو نویسنده دیگر دوران معاصر یعنی «یوشی یوکی جون نوسوکه»<sup>۵۸</sup> متولد ۱۹۲۴ و «اندوشوساکو»<sup>۵۹</sup> متولد ۱۹۲۳، هر چند درگیر همین جریان هستند اما در جهت کاملاً مختلف کار می کنند؛ اولی بعد از نوشتن چندین رمان (که در آنها قهرمان داستان مفتاح انسانیت خود را در دنیای فواش جستجو می کند) بالاخره به بن بست می رسد که آنرا عنوان مشهورترین اثر خود قرار می دهد یعنی «آنشیتسو» به معنای «اطاق تاریک». این رمان در ۱۹۶۹ انتشار یافت. دومی که یک کاتولیک مؤمن است به مضامین دیگری می پردازد:

— در رمان «چین موکو»<sup>۶۰</sup> به معنای «سکوت» به مسأله شکنجه و آزار

53. Kôyôkazoku 54. Onoborison 55. Pûrusaido Shôkei 56. Kaihen no kôkei  
57. Yasuoka Shôtârô 58. Yoshiyuki Jun. nosuke 59. Endô Shûsaku 60. Chinmoku

مسیحیان در عصر «ادو» می‌پردازد. این رمان در ۱۹۶۶ انتشار یافت. — همان مضمون را نویسنده، بعدها در اثر دیگری که در ۱۹۸۰ به چاپ رساند از سر گرفت. نام این کتاب «سامورائی» است. — در رمان دیگری تحت عنوان «اوباکاسان»<sup>۶۱</sup> به معنای «یک احمق قابل تحسین» به سرگذشت پیر از بداقبالی یک شخصیت افسانه‌ای فرانسوی می‌پردازد که با داشتن فضایل بنیادی یک مسیحی واقعی، در سختی زندگی می‌کند. این اثر جالب و پرازطنز آئینه زندگی روزمره در ژاپن است.

### ادبیات دوران شکوفایی

رشد اقتصادی ژاپن ادبیات را بیش از پیش گسترش داد: بنگاههای انتشارات و رسانه‌های همگانی، ادبیات را همچون کالای مصرفی روزمره به اقصی نقاط کشور رساندند. رادیو و تلویزیون به صورتی دیوانه‌وار هنرمندان و نویسندگان را به معرض تماشا می‌گذارند و با آنان مانند ستارگان سینما رفتار می‌کنند. جنبه‌های تجاری ادبیات ظاهر می‌شود به عنوان نمونه، بنگاههای انتشارات و رسانه‌ها به کمک تبلیغات و فشار روانی چهره نویسنده‌ای را که هنوز دانشجوی دانشگاه است چنان می‌آریند که میلیونها جلد از کتاب او را تحت عنوان «فصل آفتاب» به فروش می‌رسانند و نویسنده آن «ایشیبارا شینتارو»<sup>۶۲</sup> متولد ۱۹۳۲ را به صورت بت محبوب میلیونها ژاپنی درمی‌آورند. تازگی این رمان، نه مربوط به موضوع آن (نوعی طغیان جوانی) بلکه بیشتر مربوط به روحیه خشونت و فساد اخلاق قهرمان داستان است. متأسفانه همین مضمون چنان رواجی یافت که هر از چندی داستانی بر همان روال، به عنوان بیان و تصویر روحیه و اخلاقیات «نسل جوان معاصر» به چاپ می‌رسد و در دسترس گروه بی‌حد و شمار خوانندگان حریص این نوع آثار قرار می‌گیرد. اگر چه این رونق خارق العاده ادبیات نسل جوان، رفتار «پهلوان پنبه‌ای» را



رواج داد و نویسندگان را وادار نمود که بسرعت به خلق آثاری از این دست اقدام کنند. در مقابل تمایز بین دو نوع ادبی «ادبیات خالص» و «ادبیات توده‌ای» را (که تا آن زمان به مثابه یک اصل مقدس مراعات می‌شد) از میان برداشت و از این زمان بود که متخصصان رمانهای پلیسی، رمانهای تاریخی و سایر آثاری از این قبیل را به عنوان «نویسنده» شناختند: نظیر «ماتسوموتو سه‌یچو»<sup>۶۳</sup> متولد ۱۹۰۹، «یوکومیزو سه‌ی شی»<sup>۶۴</sup> ۱۹۸۱ - ۱۹۰۲، نویسندگان رمانهای پلیسی و «موری مورا سه‌ئی تی چی»<sup>۶۵</sup> متولد ۱۹۲۳ و «شیبا ریوتارو»<sup>۶۶</sup> متولد ۱۹۲۳ نویسندگان رمانهای تاریخی.

البته بسیاری از نویسندگان، خود را در یک نوع ادبی محصور نکردند و دست به تألیف رمانهای متنوع زدند از جمله:

— «اینوه‌یاسوشی»<sup>۶۷</sup> متولد ۱۹۰۷ که نولهایی با غنایی ظریف نوشت، نظیر «ریوجو»<sup>۶۸</sup> به معنای «تفنگ شکاری» یا داستان «آروگیساکوشا نوشوگائی»<sup>۶۹</sup> به معنای «زندگی یک شید». نول اولی در ۱۹۴۹ و نول دومی در ۱۹۵۱ انتشار یافت. همین نویسنده کتابهای داستانی تاریخی نیز تألیف نموده است.

— «اوساراگی جیرو»<sup>۷۰</sup> ۱۹۷۳ - ۱۸۹۷ که علاوه بر رمانهای تاریخی، داستانهایی نوشت که آئینه تمام‌نمای جامعه بعد از جنگ بود. رمانهایی نظیر: «کیکیو»<sup>۷۱</sup> به معنای «بازگشت به وطن» منتشره در ۱۹۴۸ و «تابی جی»<sup>۷۲</sup> به معنای «سفر» که در سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ انتشار یافت.

— «آریوشی ساواکو»<sup>۷۳</sup> متولد ۱۹۳۱ که در داستانهای خود هم از عصر «ادو» سخن به میان می‌آورد و هم به مسائل روز از قبیل آلودگی محیط زیست می‌پردازد. دو رمان عمده او عبارتند از: «هانائوکا سه‌ئیشو

63. Seichō Matsumoto 64. Yokomizo Seishi 65. Morimura Sei-ichi

66. Shiba Ryōtarō 67. Inoue Yasushi 68. Ryōjū 69. Aru gisakusha no shōgai

70. Osaragi Jiro 71. kikyō 72. Tabiji 73. Ariyoshii Sawako

نوتسوما»<sup>۷۴</sup> به معنای «کائه یا دو رقیب» و «فوکوگواوسن»<sup>۷۵</sup> به معنای «آلودگی پیچیده». این دو رمان به ترتیب در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۷۵ انتشار یافت.

— «نوساکا تاکیوکی»<sup>۷۶</sup> آوازه خوان، موسیقی دان و دلچک معترض، جایگاه خاصی در دنیای ادب ژاپن دارد. وی که مایل است، برطبق سنت عصر «ادو» آثار تفریحی و سرگرم کننده بنویسد، مطالب خود را غالباً در مجلات قبیحه می نویسد، اما با مهارت از لابلای نوشته های بی پرده اش که پر از مسائل جنسی و خشونت است، فکر اصلی خود را به خواننده القا می کند. در دو کتاب خود تحت عناوین «اروگوتوشی تاجی»<sup>۷۷</sup> به معنای «صور قبیحه» و «سودوشی تاجی»<sup>۷۸</sup> به معنای «شورشیان» که اولی در ۱۹۶۹ و دومی در ۱۹۷۱ انتشار یافت که با ذکاوت و تخیل قوی خود می تواند یک منتقد روشن بین اجتماعی باشد.

— نویسنده دیگر «فوکازاوا شی چیرو»<sup>۷۹</sup> متولد ۱۹۱۴، هر چند سعی می کند در گوشه انزوا باقی بماند، اما به خاطر آثارش نمی تواند در آن حال باقی بماند و نامش بر سر زبانها می افتد. بویژه به خاطر اثر فوق العاده اش تحت عنوان «نارایامابوشیکو»<sup>۸۰</sup> به معنای «بررسی ترانه های نارایاما» منتشره در ۱۹۵۶. وی که مدتها در تأثرهای وارितه به عنوان نوزانده گیتار کار می کرده، یکی از چند نویسنده خود ساخته ژاپن است و در یک سلسله داستانهایی که در سالهای ۱۹۶۰ به چاپ می رساند. با طنزی قوی سرگذشت و ماجراهای هنری خود را در انجمنهای روشنفکران حکایت می کند.

### نویسندگان جا افتاده

آن گروه از نویسندگان که قبل از جنگ شناخته شده و جا افتاده بودند، بعد

74. Hanaoka Seishū no tsuma

75. Fukugō osen

76. Nosaka akiyuki

77. Erogotoshitachi

78. Sôdôshitachi

79. Fukazawa shichirô

80. Narayamabushikô

از جنگ و تسلیم ژاپن هم به خلق آثار ادبی ادامه می‌دهند و غالباً به مشی ادبی و جهان فکری خود وفادار ماندند:

— «کاواباتا یاسوناری»<sup>۸۱</sup> در اواخر عمر ادبی خود به نوشتن چند رمان دست

می‌زند که در همه آنها پژوهشهای زیباشناسانه و روان شناسانه

«یوکی گونی»<sup>۸۲</sup> را ادامه می‌دهد. از جمله این آثار باید به رمان

«نه موره رویجو»<sup>۸۳</sup> به معنای «زیبارویان خفته».

— «تانیزاکی جون. ایچیرو»<sup>۸۴</sup> بدون این که از مضامین متعارف آثار خود دور

شود تمایل خود را به مشارکت در تجارب جدید ادبی نشان می‌دهد. لذا، در

سال ۱۹۵۶ به انتشار اثری تحت عنوان «کاگی»<sup>۸۵</sup> «اعترافات بی پروا»

اقدام می‌کند. وی در این رمان به بهانه بیان خاطرات شخصی خود، به

مسأله «هوس و دلبری» می‌پردازد که مضمونی باب روزاست و در رمان

دیگری تحت عنوان «فوتن زوجین نیکی»<sup>۸۶</sup> به معنای «خاطرات یک

پیرمرد دیوانه» که در فاصله سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ منتشر ساخت به تجزیه

و تحلیل مسأله جنسیت در ایام پیری می‌پردازد و مضمون مورد علاقه خود

یعنی «فتیشیزم»<sup>۸۷</sup> را مطرح می‌سازد.

نویسندگانی که بلافاصله بعد از جنگ شهرت و اعتباری یافتند، اگرچه

نماینده جریان هنری و ادبی حاکم آن دوران نبودند ولی دست به نوشتن آثار زنده

که هم مقبولیت عام و هم تیراز بالا داشته باشد.

— «ئوتو کاشوهه‌ئی»<sup>۸۸</sup>، پس از آن که در ۱۹۶۹ برخی از وقایع جنگ

را در رمان «رئیته سنگی»<sup>۸۹</sup> به معنای «جنگ رئیته» مطرح نمود اخیراً

دست به نوشتن کتابی تحت عنوان «هامورتونیکی»<sup>۹۰</sup> به معنای «خاطرات

هاملت» زد. این کتاب در ۱۹۸۰ منتشر شد.

— «هوتا یوشی»<sup>۹۱</sup>، متولد ۱۹۱۸ پس از آن که در ۱۹۵۱ وضع موقعیت طبقه

81. Kawabata Yasunari 82. Yukiguni 83. Nemureru bijo 84. Tanizaki Jun. ichiro

85. Kagi 86. Fûtenrôjin Nikki 87. Fétichisme 88. Ôoka Shohei 89. Reite Senki

90. Hamuretto Nikki 91. Hotta Yoshi

روشنفکر را در کتاب «هیروبا نوکودوکو»<sup>۹۲</sup> به معنای «تنهایی در میدان» مطرح ساخت، تغییر مشی داد و در ۱۹۶۱ به بیان یک مضمون تاریخی یعنی شورشی مربوط به قرن ۱۷ پرداخت. این مضمون در کتاب وی تحت عنوان «اومیناری نوسوکوکارا»<sup>۹۳</sup> به معنای «در میان امواج خروشان» آمده است.

— «نوما هیروشی»<sup>۹۴</sup> نیز اثر بلندپروازانه ای را که در نظر داشت، بالاخره در ۱۹۷۱ به پایان رساند. وی در این اثر که عنوان «سه نین نووا»<sup>۹۵</sup> به معنای «حلقه جوانان» را دارد به تصویر طبقه جوان سالهای ۳۰ می‌پردازد که چگونه در کشاکش واقعیات آن سالهای پرتحول هر روز به سوی یک گرایش سیاسی — اجتماعی کشیده می‌شود: اندیویدوالیسم (فردگرایی)، مارکسیسم، بودائیسم (مذهب بودا).

— برخی از نویسندگان کمونیست همچنان به تلاش در همان مسیر عقیدتی خود ادامه می‌دهند و نویسنده کمونیست «ناکانو شیگه هارو»<sup>۹۶</sup> در کتاب خود تحت عنوان «کو- اوتسو- هه ئی- ته ئی»<sup>۹۷</sup> به معنای «الف- ب- پ- ت» که در ۱۹۶۹ انتشار یافت، در ضمن بیان زندگی خود، تاریخیچه حزب کمونیست ژاپن را شرح می‌دهد و علت اخراج خود را از حزب یاد می‌کند.

### از راه رسیده‌ها

در حالی که همه این نویسندگان فوق‌الذکر — و نیز بسیاری دیگر که از ذکر نام آنها خودداری شد — به حرفه نویسندگی خود ادامه می‌دهند، نویسندگان جوان از راه رسیده موجودیت خود را قاطعانه اعلام می‌کنند:

— «هیشیمایوکیو»<sup>۹۸</sup> ۱۹۷۰ — ۱۹۲۵ و «آبه کو بو»<sup>۹۹</sup> متولد ۱۹۲۴ خیلی زود

92. Hiroba ne kodoku      93. Uminari no sokokara      94. Noma Hiroshi

95. Seinen no wa      96. Nakano Shigeharu      97. kô-otsu-hei-tei

98. Mishima Yukio      99. Abe Kôbô

مورد توجه عموم قرار می‌گیرند. اولی با رمان «کامن نو کوکوهاکو»<sup>۱۰۰</sup> به معنای «اعترافات یک صورتک» (۱۹۴۹) و دومی با کتاب «آکائی مایو» به معنای «پبله سرخ رنگ» (۱۹۵۰).

دنیای افسانه‌ای «میشیما» از دیدگاه‌های زیبایی‌شناسی و عقیدتی وی فراتر می‌رود زیرا وی توانست با روشن ساختن همه زوایا به فه‌رمانانش که در دام دسیسه‌های گوناگون گرفتارند، زندگی و تحرک ببخشد. همین نویسنده در کتاب «کینکا کوجی»<sup>۱۰۱</sup> به معنای «ویلا ی طلانی» (۱۹۵۶) از یک حادثه واقعی یعنی آتش زدن یک مجسمه هنری توسط یک آدم نامتعادل استفاده می‌کند و در چهارچوب آن ماجرا نظرات زیباشناسانه و فلسفی خود را مطرح می‌سازد و رمانی تألیف می‌کند که به نظر بسیاری، مهم‌ترین اثر وی به شمار می‌آید، اما در کتاب «اوتاگه نو آتو»<sup>۱۰۲</sup> به معنای «بعد از ضیافت» نشان می‌دهد که تا چه اندازه قادر است بدون هیچ نوع ملاحظه‌ای ساختار سیاسی ژاپن را معرفی کند. کتاب دیگر این نویسنده رمانی است به نام «هوجو نو اومی»<sup>۱۰۳</sup> به معنای «دریای باروری» که از سال ۱۹۶۵ شروع و در ۱۹۷۱ پایان یافت. این رمان در واقع یک مجموعه چهار قسمتی است که هم خود را صرف تصویر دقیق اشرافیت عصر «تایشو» و نهضت‌های دست‌راستی افراطی قبل از جنگ می‌نماید. این کتاب یک موفقیت بی‌چون و چرا برای نویسنده به شمار آمد. اما برخلاف «میشیما»، «آبه کوبو» در آثار خود همواره به طرح مسأله هویت فرد و نقد زمینه‌های اجتماعی می‌پردازد. وی برای این که قهرمانان خود را وادار به سؤال و چون و چرا درباره واقعیت حیات خویش نماید آنها را در مسیرهای پر پیچ و خم و تاریک زندانی می‌کند تا قوه تعقل آنها به یکباره ظاهر شود و احساس تزلزل امنیت نیز آشکار گردد. و برای اینکار از مایه‌های ادبیات توده‌ای بهره می‌گیرد. از جمله آثار متنوع این نویسنده باید به کتب زیر اشاره نمود:

— رمان پرحادثه «سونانوانا»<sup>۱۰۴</sup> به معنای «زنی در شن زار» (۱۹۶۱).  
داستان یک آدم متمدن شهرنشین که گرفتار یک قبیله عجیب می‌شود.

100. Kamen kokuhaku 101. Kinkakuji 102. Utage no ato

103. Hôjô no umi 104. Suna no onna

— قصه ترسناک «تانین نو کاو»<sup>۱۰۵</sup> به معنای «چهره دیگری» (۱۹۶۴).  
 — رمان پلیسی «موئتسوکیتا چیزو»<sup>۱۰۶</sup> به معنای «نقشه از هم دریده».  
 — داستان علمی-تخیلی «دائی یون کامپیوکی»<sup>۱۰۷</sup> به معنای «دوران چهارم یخبندان».  
 — داستان علمی — تخیلی دیگری تحت عنوان «میکاکگی»<sup>۱۰۸</sup> به معنای «ملاقات سری» منتشر شده در ۱۹۷۷.  
 به طوری که ملاحظه می شود «آبه کو بو» برای بیان نقدهای اجتماعی خود از مایه های تخیلی پلیسی استفاده می کند.  
 از اواسط سالهای ۵۰، نویسندگان جوان دیگری، با تألیف آثار بدیع و مستحکم، نظر جامعه کتاب جوان را به سوی خود جلب می کنند:  
 یکی از این دسته نویسندگان «اوئه کینزابورو»<sup>۱۰۹</sup> متولد ۱۹۳۵ است که بعد از تألیف یک سری داستانهای کوتاه متأثر از اکزیستانسیالیسم نظیر «کیمیونا شیکوتو»<sup>۱۱۰</sup> به معنای «شغل مسخره» (۱۹۵۷)، بسوی تألیف رمانهای بلند روی آورد که در لابلای همه آنها مسائلی از قبیل: افزایش گناه، اضطراب انسان، انسانی که باید برای تبیین هویت خویش دست به مبارزه برند و بر دشمنیها و ناسازگاریهای محیط غلبه کند. مضامین آثار این نویسنده شباهت به همان مضامین آثار «آبه کو بو» دارد جز آن که آنها را از زاویه ای درونی تر و احساسی تر مطرح می سازد.  
 اگر چه این نویسنده تجارب و رنجهای شخصی خود را در آثارش می گنجاند، مثلاً در رمان «کوجین تکینا تایکن»<sup>۱۱۱</sup> به معنای «یک مسأله شخصی» (۱۹۶۴) یا در رمان «پینچیرانا چوشو»<sup>۱۱۲</sup> به معنای «برگه بازجویی»<sup>۱۱۳</sup> (۱۹۷۶) اما بخوبی می تواند با قدرت تخیل فوق العاده خود آنها را تغییر دهد و مجلل و باشکوه تصویر کند. از میان رمان های بلند و پر پیچ و خم او، رمان «مانن گانن نوفوتوبورو»<sup>۱۱۴</sup> به معنای «فوتبال در سال اول عصر مانن» (۱۹۶۷) به عنوان یک موفقیت بزرگ شناخته شد و

105. Tanin no kao    106. Moetsukita chizo    107. Dai, yon Kampioki    108. Mikkai  
 109. Ôe Kenzaburo    110. Kimyona shigoto    111. Kojintekina taiken  
 112. Pinchirana Chosho    113. Pinch rummes    114. Man, en gannen no futtoburo

حال آنکه رمان دیگر وی «دوجی دائی گه یُمو»<sup>۱۱۵</sup> به معنای «بازی عصر حاضر» ۱۹۷۹، چندان مورد استقبال قرار نگرفت هر چند نویسنده در این اثر سعی دارد با تصویر یک جمع معترض، به تجزیه و تحلیل همه مسائل فردی و اجتماعی عصر خود بپردازد.

— «تائیکوتا کیشی»<sup>۱۱۶</sup> متولد ۱۹۳۰ که حرفه نویسندگی را همزمان با «اوه» کنزابورو» شروع کرد. نقد اجتماعی خود را در داستانهایی به سبک کلاسیک تر و با طنزی بی پروا گسترش داد. مثلاً در کتاب «پانیکا»<sup>۱۱۷</sup> به معنای «وحشت» (۱۹۵۷) قهرمان داستان با علم به این که بزودی تمام مملکت بر اثر حمله موشهای صحرایی در معرض نابودی قرار می گیرد، سرگرم مبارزه با یک اداره است و با مبارزه خود آرامش روزمره آنرا برهم زده است و از این طریق با نگاهی تند و پرکنایه و منتقدانه به جامعه خویش می نگرد.

همین نحوه دید اجتماعی و تحلیل مسائل در دو رمان دیگر نویسنده مطرح شده اند. این دو رمان عبارتند از: «هاداکا نوئوساما»<sup>۱۱۸</sup> به معنای «پادشاه عریان» (۱۹۵۷) و «نیهون سان مون اوپرا»<sup>۱۱۹</sup> به معنای «اوپرای دوپولی ژاپن» (۱۹۵۹). نویسنده در رمان اول با نگاهی کودکانه به جهان می نگرد و در دومی تصویری از یک جامعه پرازعیاشی و فساد ارائه داده می شود. اگرچه «کایکوتا کیشی» صاحب آثار متعدّد نیست، اما در حرفه نویسندگی درخشید. وی اخیراً دست به نوشتن یک سری داستانهای مربوط به مشاهدات خود در ویتنام زد و عنوان آنها را «آروکو کاگه تاچی»<sup>۱۲۰</sup> به معنای «سایه های متحرک» گذاشت.

نهضت‌های دانشجویی، مبارزه علیه «پیمان امنیّت» و همچنین تظاهرات مخالفت با جنگ ویتنام که توسط یک سازمان صلح طلب به نام بهیرن ترتیب داده شد، در همه این فعالیت‌های سیاسی نویسندگان زیادی مشارکت کردند از قبیل: «ئوه کنزابورو»<sup>۱۲۱</sup>، «کائیکوتا کیشی»<sup>۱۲۲</sup>، «ئودا ماکوتو»<sup>۱۲۳</sup>، متولد ۱۹۳۲. همه

115. Dojidai geemu 116. Taiko Takeshi 117. Panikka 118. Hadaka no ôsama

119. nihon sanmon opera 120. Arukn kagetachi 121. Ôe Kenzaburô

این نویسندگان مقالات و رپرتاژهای زیادی درباره مسائل سیاسی روز نوشتند. «تاکاهاشی کازومی»<sup>۱۲۴</sup> هم که تأثیر زیادی در برانگیختن اعتراضات دانشجویی داشت چندین رمان نوشته است از جمله:

- رمان «هینو اوتسوا»<sup>۱۲۵</sup> به معنای «فقر و مسکنت» ۱۹۶۲.
- رمان «واگا کوکورو و ایشی نی آرازو»<sup>۱۲۶</sup> به معنای «دل من از سنگ نیست». منتشر شده در فاصله سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۶۶. نویسنده در این دو رمان رنج‌های روشنفکران متعهد عصر خود را تصویر می‌کند.
- در همین دوران است که نویسنده دیگری به نام «کوراهاشی یومیکو»<sup>۱۲۷</sup> متولد ۱۹۳۵ در صحنه ادبیات ظاهر می‌شود. وی در کتاب «پاروتائی»<sup>۱۲۸</sup> به معنای «حزب» حوادث و تجارب زندگی سیاسی خود را شرح و توضیح می‌دهد که در چه شرایطی به حزب کمونیست پیوست و تحت چه شرایطی کار وی به استعفا کشید. این کتاب در ۱۹۶۰ انتشار یافت. پس از آن به نوشتن قصه‌هایی بر مبنای تجارب شخصی خود نوشت از آن جمله باید از کتابهای «سومیا کیسوتو. کیو. نوبوکُن»<sup>۱۲۹</sup> به معنای «سرگذشتهای کیو. سومیا کیست» نام برد که در ۱۹۶۹ انتشار یافت. پس از این کتاب بود که به سوی اساطیر یونانی تمایل پیدا کرد و از آنها در تبیین جامعه معاصر ژاپن بهره گرفت که حاصل کار، یک سلسله داستانهایی با عنوان کلی «هان هی گکی»<sup>۱۳۰</sup> به معنای «ضد تراژدی»<sup>۱۳۱</sup> بود و در سال ۱۹۷۱ به چاپ رسید.

در اوائل سالهای ۱۹۶۰ گروهی از نویسندگان جوان آثاری منتشر می‌سازند که در آنها تلویحاً به دو مسأله عمده «فروپاشی آرمانهای انقلابی» و «اسطوره شکوفایی کاپیتالیستی» پرداخته می‌شود. این نویسندگان که از این هر دو مقوله سرخورده شده بودند در لاک زندگی روزمره خود فرو می‌روند و دست به نوشتن آثاری می‌زنند که فقط نشانی از تجارب محدود زندگی و عکس‌العملهای عاطفی و احساسی قهرمانان داشت: خاطرات کودکی، مسائل خانوادگی و زندگی زنashویی،

124. Takahashi Kazumi    125. Hino Utsuwa    126. Waga kokoro wa ishi ni arazu

127. Kurahashi yumiko    128. Parutai    129. Sumiya Kusito. Q. no bōken



انحرافات جنسی، و گاهی فضای داستان مربوط به محیطها و اقلیمهای دیگر نظیر مناطق مدیترانه‌ای اروپا می‌شود. منتقدین، همه این نوع آثار را تحت عنوان «مکتب درون‌گرا» مورد بررسی قرار می‌دهند. از میان این نویسندگان افراد زیر قابل ذکرند:

- «آبه آکیرا»<sup>۱۳۲</sup> متولد ۱۹۳۴.
- «فوروئی یوشی کی چی»<sup>۱۳۳</sup> متولد ۱۹۳۷.
- «کونوتائه کو»<sup>۱۳۴</sup> متولد ۱۹۲۶.
- «تسوجی کونیو»<sup>۱۳۵</sup> متولد ۱۹۲۵.
- «اوگاوا کونیو»<sup>۱۳۶</sup> متولد ۱۹۲۷.

### شعر معاصر

بلافاصله بعد از خاتمه جنگ شاعران ژاپنی با حرارت و جدیت فعالیتهای ادبی خود را از سر می‌گیرند و ضمیر خود را در راه شرح و بیان جامعه آشفته ژاپن قرار می‌دهند. بخصوص گروهی که تحت عنوان «آرچی»<sup>۱۳۷</sup> گرد هم می‌آیند و مجله‌ای به همین نام منتشر می‌کنند. عنوان مجله یعنی «آرچی» یادآور عنوان اثر مشهور «تی. اس. الیرت»<sup>۱۳۸</sup> شاعر بزرگ انگلیسی است یعنی «زمین بی حاصل»<sup>۱۳۹</sup>. خود انتخاب این عنوان نشانگر مشی ادبی مجله است. از میان مشخص‌ترین چهره‌های این جریان به نامهای زیر می‌توان اشاره کرد:

- «آیوکاوا نوبوئو»<sup>۱۴۰</sup> متولد ۱۹۲۰.
  - «تامورا ریوایچی»<sup>۱۴۱</sup> متولد ۱۹۲۳. (این نویسنده، در کتاب مشهور خود تحت عنوان «یونینسن نوهی تو یورو»<sup>۱۴۲</sup> به معنای «چهار هزار شب و چهار هزار روز» با یادآوری خاطرات دردناک جنگ، آنرا یک «جنون محض» به شمار می‌آورد. این کتاب را در ۱۹۵۶ انتشار می‌دهد).
- علاوه بر مجله فوق‌الذکر، مجلات دیگری نیز تأسیس می‌شود از جمله مجله

132. Abe Akira    133. Furui Yoshikichi    134. Kono Taeko    135. Tsuji Kunio

136. Ogawa Kunio    137. Arechi    138. T.S.Eliot    139. The Waste land.

140. Ayukawa Nobuo    141. Tamura Pyu. Ichi    142. Yonsen no hi to yoru

«رتو»<sup>۱۴۳</sup> به معنای «مجمع الجزایر» که از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۳ ادامه یافت. مجله «گندایشی»<sup>۱۴۴</sup> به معنای «شعر معاصر» که از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۴۴ منتشر شد. این دو مجله چهره‌های فعال نهضت کارگری ژاپن را گردهم آورد، از جمله «تسوبوتی شی گچی»<sup>۱۴۵</sup> ۱۹۷۵ — ۱۸۹۷. و هنرمندان جوانتری نظیر «سکینه هیروشی»<sup>۱۴۶</sup> متولد ۱۹۲۰ که بعدها با انتشار آثاری نیشدار و انتقادی «مانند مجموعه (آبه سادا) به عنوان یکی از بهترین چهره‌های این نهضت ادبی پرولتاریا به شهرت می‌رسد.

یکی دیگر از کانونهای فعالیت ادبی شاعران بعد از جنگ، مجله «کیهان»<sup>۱۴۷</sup> بود که از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۰ منظمأ انتشار یافت. این مجله توسط آنارشیستهای قدیمی عصر «تایشو» اداره می‌شد و در صفحات همین مجله بود که یکی از مهمترین شعرای معاصر یعنی «کانه کومیتسوهارو»<sup>۱۴۸</sup> ۱۹۷۵ — ۱۸۹۵ آثار دوران مقاومت را به چاپ رساند و این آثار بعداً در کتابی به نام «راکاسان»<sup>۱۴۹</sup> در سال ۱۹۴۸ انتشار یافت.

بسیاری از فعال‌ترین شاعران امروزی، اولین آثار خود را در مجلات سوررالیست اواخر سالهای ۵۰ به چاپ رساندند. این شاعران، در عین تأثیر پذیری از این جریان هنری سبکهای گوناگونی را برای بیان شاعرانه خویش کشف کردند که در آثارشان مشهود است. از میان این شاعران نامهای زیر قابل ذکر است:

— «یوشیوکا مینورو»<sup>۱۵۰</sup> متولد ۱۹۱۹. که علاوه بر آثار اخیرش، کتاب عمده‌ای در ۱۹۵۵ انتشار داد تحت عنوان «سه‌ئی بوتسو»<sup>۱۵۱</sup> به معنای «طبیعت بیجان».

— «ئی‌ئی جیما کواچی»<sup>۱۵۲</sup> متولد ۱۹۳۰ که در کتاب خود تحت عنوان «بارسلونا»<sup>۱۵۳</sup> منتشره در ۱۹۷۶ از یک نشر شاعرانه بسیار فشرده بهره می‌گیرد.

143. Rettô 144. Gendaishi 145. Tsuboi Shigeji 146. Sekine Hiroshi

147. Cosmos 148. Kaneko Mitsuharu 149. Rakkasan 150. Yoshioka Minoru

151. Seibutsu 152. Iijima Ko. ichi 153. Barcelona

— «تانیکاوا شونتارو»<sup>۱۵۴</sup> متولد ۱۹۳۱.

— «آمازاوا تائيجيرو»<sup>۱۵۵</sup> متولد ۱۹۳۶.

این دو شاعر اخیر که بیشتر نوشته های خود را برای اجرا در رادیو یا روی صحنه می نویسند از هنر «پولی فونی» وسیعاً استفاده می کنند.

— «ایریساوا یاسوئو»<sup>۱۵۶</sup> متولد ۱۹۳۱. این شاعر در کتاب خود تحت عنوان

«اواگا ایزومو واگا چین کن»<sup>۱۵۷</sup> به معنای «ایزومو، راحت دل من»

تجارب جالبی از صفحه آرایی و مونتاژ نوشته ها ارائه می دهد. این کتاب در

۱۹۶۸ انتشار یافت.

اگرچه شعر ژاپنی دیگر اختصاصات هنری سنتی خود را از دست داد، اما

شاعران نوپرداز توانستند زبان و بیان ویژه خود را بیابند و به تدریج در پی ریزی شعر مدرن ژاپن منشأ اثر باشند.

در اواخر سالهای ۵۰ چند هنرمند جوان پیشتاز سعی کردند جان دوباره ای

در کالبد «تانکا» و «هایکو» بدمند، بخصوص سینماگر و درام نویس مشهور

«ترایاماشوجی»<sup>۱۵۸</sup> ۱۹۸۳ — ۱۹۳۵ که در این راه تلاش فراوان کرد. این هنرمند

بزرگ بیشتر شهرت و محبوبیت خود را مدیون بهره گیری از هنر «تانکا» با استفاده از

استعارات و نمادهای سوررئالستی برای تصویر اشباح دوران کودکی خود در یک

منطقه عجیب یعنی «اوسورزان»<sup>۱۵۹</sup> است. این منطقه یکی از مراکز عمده مذهب

«شامانیسم»<sup>۱۶۰</sup> است.

### تأثر مدرن

بعد از جنگ، تأثر «شینگکی» پایگاه اولیه خود را بازمی یابد و تقریباً نظر

همه علاقمندان به تأثر را به سوی خود جلب می کند. معهذاً به موازات فعالیت برخی از

نویسندگان با استعداد نهضت پرولتاریایی و جوانانی که به دنبال واقعیت گرایی

154. Tanikawa Shuntarō 155. Amazawo Taijirō 156. Irisawa Yasuo

157. Waga izumo waga Chinkon 158. Terayama Shūji 159. Osorezan

۱۶۰ - شامانیسم (Chamanisme) مذهب رایج در سبیری شرقی و مبتنی بر پرستش طبیعت و ارواح

به این جناح پیوسته اند، کسانی را هم می‌بینیم که به بهره‌گیری مجدد از هنرهای سنتی همت می‌گمارند. از میان اینان به چند نام باید اشاره کنیم:

— «کینوشیتا جونجی»<sup>۱۶۱</sup> متولد ۱۹۱۴ مؤلف نمایشنامه «اوتوتو یوباره رو

نی هونجین»<sup>۱۶۲</sup> به معنای «یک ژاپنی به نام اوتو»، که در ۱۹۶۲ به چاپ رسید. مضمون این نمایشنامه موقعیت روشنفکران در ایام جنگ است. این نویسنده بیشتر به خاطر اقتباسهایی که از افسانه‌های عامیانه کرده است شهرت دارد. کتاب وی تحت عنوان «یوزورو»<sup>۱۶۳</sup> به معنای «پرنده‌ای در سپیده‌دم» دارای همین مضمون افسانه‌ای است که در ۱۹۴۹ انتشار یافت.

— «تاناکا چیکاو»<sup>۱۶۴</sup> متولد ۱۹۰۵، این نویسنده، بعد از آن که در کتاب

«ماریانو کوبی»<sup>۱۶۵</sup> به معنای «سر مریم عذرا» به مسائل ایمانی در چهارچوب فاجعه بمباران ناگازاگی می‌پردازد، در کتاب دیگری تحت عنوان «آرائی هاکوسه کی»<sup>۱۶۶</sup> — که نام دانشمند و مشاور سیاسی ژاپن در قرن ۱۷ و ۱۸ بود — مجدداً به شیوه‌های نزدیک به تأثر «نو» و «کیوگن» نزدیک می‌شود. این کتاب در سال ۱۹۶۸ انتشار یافت.

— «یاشیروسه ئی ایچی»<sup>۱۶۷</sup> متولد ۱۹۲۷ نیز تحت تأثیر هنر تأثر عصر «ادو»

است، و بسیاری از نمایشنامه‌هایش را وقف شرح و تصویر زندگی هنرمندانش کرده است. در عین حال جامعه کنونی ژاپن در آثار برخی از درام‌نویسان و مؤلفان به فراموشی سپرده نشده است و در آثار خود به آن پرداخته و توانسته اند کم‌دیهای انتقادی خوبی خلق کنند به عنوان مثال:

— «فوکودا تسونه آری»<sup>۱۶۸</sup> متولد ۱۹۱۲ در آثارش با عناوین:

● «کیتی تایفو»<sup>۱۶۹</sup> به معنای طوفان دریایی کیتی» منتشر در ۱۹۵۰.

● «سوتو ایمادا شیشه‌زو»<sup>۱۷۰</sup> به معنای «پیشوا هنوز زنده است». منتشر

شده در ۱۹۷۰.

161. Kinsphita Junji

162. Ottô to Yobareru Nihonjin

163. Yozuro

164. Tanaka Chieao

165. Maria nokubi

166. Arai Hakuseki

167. Yashiro-Sei, Ichi

168. Fukuda Tsuneari

169 Kiti taifû

170. Sôtô imada shisezu

— «ئی ئی زاوا تاداسو»<sup>۱۷۱</sup> متولد ۱۹۰۹، که کوششهایی نیز برای احیای تأثر «کیوگن» نمود، نمایشنامه‌های زیادی را با مضمون مسائل روزمره و مبتلا به جامعه کنونی تألیف کرد از قبیل:

• «اوسوگیتا ساتسوتابا»<sup>۱۷۲</sup> به معنای «بسته‌های اسکناس زیاد» منتشر شده در ۱۹۷۶.

• «کوکوبو نوکورا»<sup>۱۷۳</sup> به معنای «انبار تمایلات» منتشره در ۱۹۸۱. هر دوی این نمایشها با طنز خاصی و به دور از جمود فکری به طرح رسواییهای سیاسی سالهای اخیر می‌پردازد.

در این دوران برخی از رمان‌نویسها هم به سوی تأثر گرانش پیدا می‌کنند، مثلاً داستان‌نویس مشهور «میشیمایوکیو» با نمایشنامه «کیندائی نوگا کوشو»<sup>۱۷۴</sup> به معنای «پنج نمایش نو جدید» که در سال ۱۹۵۶ با اقتباس از سبک تأثر «نو» نوشت و نیز با تألیف نمایشنامه‌هایی نظیر «سادو کوشاکو فوجین»<sup>۱۷۵</sup> به معنای «خانم ساد»<sup>۱۷۶</sup> در سال ۱۹۶۵، شهرت زیادی به عنوان نمایشنامه‌نویس کسب نمود.

رمان‌نویس دیگری که به سوی تأثر جلب شد «آبه کوبو» که هم نمایشنامه‌های مستقل و هم نمایشهای مقتبس از مضامین رمانهایش نوشت نظیر:

• نمایشنامه «توموداچی»<sup>۱۷۷</sup> به معنای «دوستان» سال ۱۹۶۷.  
• نمایشنامه «اومائه نیموتسومی گا آرو»<sup>۱۷۸</sup> به معنای «توهم مقصری» منتشر شده در ۱۹۶۵.

همه این درام‌نویسان، اعم از این که متخصص باشند یا نه، در ارتباط نزدیک با گروههای تأثری بوده‌اند و این گرانش به همکاری با گروههای هنری در مورد نویسندگانی صادق است که با گروه «آنگورا»<sup>۱۷۹</sup> مشهور به گروه «زیرزمینی» همکاری داشته‌اند. این گروه در خلال سالهای دهه ۱۹۶۰ رشد و توسعه یافت.

171. Iizawa Tadasu 172. Ōsugita Satsutaba 173. Kokubō no Kura

174. Kindai nogakushū 175. Sado kōshaku fujin 176. Modame de Sade

177. Tomodachi 178. Omae nimotsumi ga aru 179. angura

کسانی نظیر «بتسویاکو مینورو»<sup>۱۸۰</sup> متولد ۱۹۳۷، «کاراجورو»<sup>۱۸۱</sup> متولد ۱۹۴۰ و «ساتو ما کوتو»<sup>۱۸۲</sup> متولد ۱۹۴۳ و یا «ترایاماشوجی» نه فقط نمایشنامه نویسان فعال این نهضت زیرزمینی بودند بلکه اداره کنندگان آن محسوب می‌شوند. این تأثر نوین که تأثری معترض، آنارشیزست و غالباً خشن بود خیلی زود از تأثر «شینگکی» روی برگرداند و با استفاده به جنبه‌های بصری و واقعیت فیزیکی قابل رؤیت در صحنه، بتدریج موفق شد، با بهره‌گیری از اختصاصات تأثر «آرتو»<sup>۱۸۳</sup> و «تأثر زنده»<sup>۱۸۴</sup> میراث نمایش خاور دور را دوباره کشف کند و بین این تأثر و «نو» و «کابوکی» آشتی و توافقی برقرار نماید.

### وضع کنونی ادبیات ژاپن

در دهه ۱۹۸۰، ادبیات ژاپن یکی از دورانهای شکوفایی قابل ملاحظه را می‌گذراند: صدها مجله ادبی منظمأً به چاپ می‌رسند، از نشریه ادبی غول آسای «بونگه ایشونجو»<sup>۱۸۵</sup> گرفته — که ماهیانه در ۶۰۰ صفحه و در تیراژ ۱۲۰ هزار منتشر می‌شود — تا مجلات خرد و بزرگ گروههای روشنفکر. در حالی که جوایز ادبی گوناگون در رسانه‌های گروهی دست به دست هم داده و مرتباً نویسندگان جوان را به شهرت می‌رسانند. شایسته است از دونفر نام ببریم، دو نویسنده قدیمی ترو جا افتاده که دو وزنه ادبی محسوب می‌شوند. این دونویسنده عبارتند از «ایشیکاوا جون»<sup>۱۸۶</sup> و «اونیشی کیوجین»<sup>۱۸۷</sup> متولد ۱۹۱۹. آنان در ورود به دهه ۸۰ به انتشار آثار دستان زدند که مقدمات آن ده و حتی بیست سال قبل انجام گرفته بود. رمانهایی بلند، که پخته و صبورانه تألیف شده و حاصل یک عمر تجربه ادبی آنان به شمار می‌آید. «اونیشی» در اثر خود تحت عنوان «شین سه‌ئی کی گه کی»<sup>۱۸۸</sup> به معنای «کمدی الهی» (۱۹۸۰ — ۱۹۷۸) — که بخشهایی از آن در سال ۱۹۶۰ در مجلات ادبی به

180. Betsuyakumeru

181. Kara Jûrô

182. Satô Makoto

۱۸۳-آرتود (Artoud)

184. Living theater

185. Bungeishunjû

186. Ônishi Kyojin

187. Ishikawa Jun

188. Shinseikigeki

چاپ رسیده بود— به توصیف زندگی در یک پایگاه نظامی در ایام جنگ می‌پردازد و با طنزی گزنده جنبه‌های پوچ و ابلهانه این نوع زندگی بشری را در معرض دید می‌گذارد، آن‌هم به صورتی آنچنان پخته و پیچیده و ظریف که هیچ اثری با این مضمون، حتی در گرماگرم روزهای بعد از جنگ از عهده برنیامده است.

«ایشیکاوا جون» که در دهه ۱۹۵۰ نوولهای بسیار-بالی نظیر «تاکا»<sup>۱۸۹</sup> به معنای «عقاب» (۱۹۵۳) و «شیون مونوگاتاری»<sup>۱۹۰</sup> به معنای «گل‌های مینا» منتشر ساخت، در سال ۱۹۸۰ کتاب تازه خود را تحت عنوان «کیوفوکی»<sup>۱۹۱</sup> به معنای «سرگذشت باد دیوانه» منتشر ساخت. وی در این کتاب عنان اختیار را به دست تخیل، تصاویر سوررآلیستی و روحیه هرج و مرج طلب سپرده است. با بهره‌گیری از زبانی متنوع و مخلوط، از واژگان عوام گرفته تا کلمات قصار بزرگان، چنان داستانی فراهم کرده است که به همه جنبه‌ها و زوایای زندگی جامعه ژاپن دست انداخته است. این رمان در حکم تاج مرصع و گل سرسبد همه آثار «ایشیکاوا» است. با وجود اهمیت این دو اثر عظیم و اصولاً مجموعه آثار نویسندگان جا افتاده و با سابقه، تعداد زیادی از نویسندگان جوان نسل جدید نیز توانستند با خلق آثاری با ارزش بخصوص در حوزه رمان‌نویسی توجه جامعه را به سوی خود جلب کنند، از میان آنان به چند نام مشهورتر اشاره می‌کنیم:

— «تاکاهاشی می‌چیتسونا»<sup>۱۹۲</sup> متولد ۱۹۴۸.

— «میتا ماساهیتو»<sup>۱۹۳</sup> متولد ۱۹۴۵.

— «موراگامی هاروکی»<sup>۱۹۴</sup> متولد ۱۹۴۹، (اثر عمده وی کتابی است تحت

عنوان «فلپر» (۱۹۷۳)<sup>۱۹۵</sup> منتشر شده در ۱۹۸۰).

— «ناکاگامی کیجی»<sup>۱۹۶</sup> متولد ۱۹۴۶، (دو اثر عمده وی عبارتند از

«دماغه»<sup>۱۹۷</sup> منتشره در ۱۹۷۵ و «گل حنا»<sup>۱۹۸</sup> در ۱۹۷۹).

— «موراگامی ریو»<sup>۱۹۹</sup> متولد ۱۹۵۲، (این نویسنده بعد از انتشار موفقیت آمیز

189. Taka 190. Shion monogatari 191. Ky ôfûki 192. Takahashi Michitsuna

193. Mita Masahito 194. Murakami Haruki 195. Flipper 196. Nakagami Kenji

197. Le Cap. 198. Balsamine 199. Murakami Ryû

اولین اثر خود تحت عنوان «آبی تقریباً شفاف»<sup>۲۰۰</sup> منتشره در ۱۹۷۶، استعداد و قدرت داستان‌نویسی خود را با چاپ اثر دیگری تحت عنوان «بچه‌های ماشین اتوماتیک»<sup>۲۰۱</sup> به اثبات رساند. کتاب اخیر در ۱۹۸۰ منتشر شد).

همه این نویسندگان در واقع برجستگان ادب معاصرند که بسرعت جای خود را در این قلمرو باز می‌کنند اما با وجود مشترکاتی که دارند هنوز به چنان ظرفیتی نرسیده‌اند که بتوانند جنبشی قابل ملاحظه به وجود آورند و راه مکتب روشنی را بگشایند. — هر چند برخی منتقدین مایلند مکتب نویسندگان نسل نورا «مکتب خلاء» بنامند — زیرا آخرین آثار آنها، چه از نظر مضمون و محتوا و چه از نظر سبک و بیان، در مسیرهای کاملاً متنافری گام برمی‌دارند و ظاهراً هیچ نشانه‌ای از یک جریان یا مکتب و مشی غالبی حاکم بر ادبیات امروز را پدید نمی‌خورد. این گسیختگی جریانهای ادبی و بی‌رنگ شدن مکتبها حاصل آشفتگیها و سردرگمیهای اجتماعی بعد از جنگ دوم جهانی است و چنین می‌نماید که این پراکندگی و عدم انسجام همچنان ادامه یابد. ادبیات پراکنده و آشفته کنونی را این نشانی از آن ادبیات خلاق و غنی که قرن‌ها تسلط داشت ندارد.

\*\*\*\*\*



